

پژوهشگاه هنر، فرهنگ و ارتباطات

گزارش ملی فرهنگ حوزه نشر کتاب

تهیه کننده: آرمان امیری

پیش‌گفتار:	۴
مقدمه	۷
<b>بخش اول: توصیف وضعیت</b>	۹
۱-۱: نگاهی به آمارهای تولید	۱۱
۱-۲: نگاهی به آمارهای توزیع	۲۰
۱-۳: نگاهی آماری به اقتصاد صنعت نشر	۲۶
<b>بخش دوم: تحلیل وضعیت</b>	۳۱
۲-۱: بررسی وضعیت آمارهای تولید	۳۲
۲-۲: بررسی وضعیت آمارهای توزیع	۴۹
۲-۳: بررسی وضعیت اقتصاد نشر	۵۳
<b>بخش سوم: جمع‌بندی نهایی</b>	۶۱
<b>پیوست‌ها:</b>	۶۲

فهرست جداول و نمودارها	
نمودار شماره ۱	شمارگان کل کتاب در کشور
نمودار شماره ۲	مجموع عناوین چاپ نخست
نمودار شماره ۳	میانگین شمارگان هر کتاب
نمودار شماره ۴	سرانه شمارگان کتاب
نمودار شماره ۵	حجم فروش سالانه کتاب
نمودار شماره ۶	مقایسه تغییرات در شمارگان رده ادبیات و دین
نمودار شماره ۷	نسبت شمارگان کتاب به جمعیت باسواد
نمودار شماره ۸	سهم هر استان از میانگین تعداد ناشران
نمودار شماره ۹	نسبت حجم صنعت نشر ایران به آمریکا
جدول شماره ۱	توزیع استانی کتاب‌فروشی‌ها در کشور
جدول شماره ۲	توزیع استانی کتاب‌خانه‌های عمومی
جدول شماره ۳	توزیع استانی ناشران
جدول شماره ۴	سهم شاغلان حوزه چاپ از کل شاغلان
جدول شماره ۵	سهم کارکنان فعالیت‌های انتشاراتی از کل کارکنان
جدول شماره ۶	سرانه مطالعه هفتگی کشورهای جهان
جدول شماره ۷	سرانه تعداد عناوین چاپ شده در کشورهای جهان (IPA)
جدول شماره ۸	درصد باسواد در کشور
جدول شماره ۹	فهرست کشورها به ترتیب انتشار عناوین جدید (یونسکو)
جدول شماره ۱۰	برترین کشورها بر پایه حجم کلی بازار نشر

## پیش گفتار:

پژوهش حاضر، به سفارش «پژوهشگاه هنر، فرهنگ و ارتباطات» صورت گرفته و هدف از آن، بررسی جامع وضعیت صنعت نشر کشور و تحقیق در باب ظرفیت‌ها، تحولات، تهدیدها و در نهایت چشم‌انداز آینده آن است. تقسیم‌بندی محتوایی کتاب‌ها بر پایه «رده‌بندی دهدهی دیوئی»<sup>۱</sup> است که «خانه کتاب»<sup>۲</sup> آمارهای نشر خود را بر آن اساس منتشر می‌سازد.

در این پژوهش، ابتدا نگاهی خواهیم انداخت به وضعیت کنونی آمار نشر و همچنین اقتصاد حاکم بر بازار نشر کشور. سپس وضعیت فعلی را نسبت به سال‌های گذشته و همچنین نسبت به وضعیت نشر در دیگر کشورهای جهان بررسی خواهیم کرد. علاوه بر آمار کتاب‌های منتشر شده، وضعیت اشتغال در بازار نشر و صنعت چاپ نیز مورد توجه قرار خواهد گرفت. پس از آن، ضمن آسیب‌شناسی مشکلات پیرامون تولید و نشر کتاب، نگاهی نیز بر وضعیت کیفی و محتوایی کتاب در سال‌های اخیر خواهیم داشت. آمارهای مورد تحقیق این پژوهش به اختصار عبارت‌اند از:

- کل درآمد خالص فروش و صدور مجوز بازار نشر.

- سهم هر یک از زیرمجموعه‌های محتوایی کتاب از این بازار.

- سهم تولیدات بومی در عناوین کتاب نسبت به سهم آثار ترجمه.

- وضعیت سرانه انتشار کتاب در کشور

- حجم اشتغال در بازار نشر و صنعت چاپ کشور

---

<sup>1</sup> Dewey Decimal Classification

<sup>2</sup> <http://www.ketab.ir>

حوزه نشر کتاب، یکی از اصلی‌ترین پایه‌های فعالیت فرهنگی در کشور است. حوزه‌ای که گستره آن از آموزش و پرورش گرفته، تا هنر، تاریخ، فلسفه و البته سرگرمی را پوشش می‌دهد. بدین ترتیب، حوزه نشر کتاب را می‌توان به صورت مستقیم با چندین وزارت خانه اساسی کشور در ارتباط دانست. وزارت آموزش و پرورش، وزارت علوم، تحقیقات و فن آوری، وزارت بهداشت و درمان، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، وزارت خانه‌هایی هستند که حتی بدون در نظر گرفتن وجوه اقتصادی بازار نشر، به صورت مستقیم با این حوزه گسترده در ارتباط هستند. حال، اگر وجوه اقتصادی صنعت نشر را در نظر بگیریم، با مشاغل گسترده‌ای که به صورت مستقیم و غیرمستقیم به این حوزه ارتباط دارند، آنگاه شاید بتوان اهمیت این حوزه را برای وزارت خانه‌های اقتصاد، بازرگانی و کار و امور اجتماعی نیز به خاطر آورد.

در این میان، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، به عنوان متولی مستقیم حوزه نشر کتاب، مسوولیتی چند وجهی بر عهده خود احساس می‌کند. مسوولیتی که از یک سو ابعاد اقتصادی این حوزه را تحت تاثیر قرار می‌دهد و از سوی دیگر، بار سنگین رسالت فرهنگی کشور را به دوش می‌کشد. تصمیم به تهیه و انتشار گزارش سالانه حوزه نشر کتاب، دقیقاً در پاسخ به همین نیاز و ضرورت اتخاذ شده است.

گزارش حاضر، تلاش می‌کند تا ضمن مرور وضعیت بازار نشر کتاب در سال‌های گذشته، در درجه نخست آمارهای موجود را با گزارش‌های جهانی مقایسه کند و تصویری از وضعیت و جایگاه حوزه نشر کشور نسبت به وضعیت مشابه جهانی ارائه دهد. در گام بعدی، با بررسی روند تحولات داخلی طی سال‌های اخیر، سمت و سوی تغییرات را مشخص کرده و نقاط ضعف و قوت احتمالی را مورد تحقیق قرار دهد.

از سوی دیگر، این گزارش بر آن است که فراتر از وجوه اقتصادی، متناسب با انتظاری که از وزارت فرهنگ و ارشاد می‌رود، کارکردهای بازار نشر کشور باید از جنبه‌های محتوایی نیز مورد تحقیق و بررسی قرار گیرد تا مشخص شود اثرات احتمالی صنعت نشر کشور در ابعاد فرهنگ‌سازی اجتماعی در چه وضعیتی قرار دارد.

در نهایت اینکه، با گسترش فن آوری‌های نوین، چشم‌اندازهای متنوعی از شیوه‌های انتشار کتاب پدیدار گشته که هم از بعد سخت‌افزاری و هم از بعد نرم‌افزاری تحولاتی را در این صنعت ایجاد کرده‌اند. این پژوهش تلاش می‌کند تا نگاهی نیز به این تحولات نوین حوزه نشر داشته باشد تا با ترسیم چشم‌اندازی مشخص، بتواند امکان سنجش وضعیت و طرح‌ریزی برنامه‌های مورد نیاز را فراهم سازد.

ناگفته پیداست که برای تمامی این اهداف، نخستین ضرورت، تهیه آمارهایی هرچه دقیق تر از وضعیت صنعت نشر است که به عنوان هدف اصلی این گزارش در نظر گرفته شده است. این آمارها متناسب با شاخص های جهانی و بر اساس مدل های طراحی شده برای گزارش های مشابه بین المللی، همچون انجمن بین المللی ناشران (IPA) و البته سازمان مالکیت معنوی جهانی (WIPO) تهیه و تدوین شده اند. این نهادها، در حال حاضر گزارش های سالانه خود را به صورت مدون ارائه می دهند و برای شفاف سازی و تدقیق هرچه بیشتر، به سمت ارائه گزارش های مشترک با همکاری یکدیگر حرکت کرده اند که متأسفانه کشور ما سهمی در این آمارها ندارد. از این منظر، تحقیق حاضر، نه تنها می تواند مورد توجه پژوهش گران و سیاست گذاران داخلی قرار گیرد، بلکه می تواند با پیوستن به تحقیقات مشابه جهانی، نقش پل ارتباطی میان صنعت نشر کشور ما و نهادهای فعال بین المللی را بازی کند.

- تقسیم بندی های محتوایی: رده بندی های انجام شده، بر اساس سیستم ده دهی دیوئی طراحی و تدوین شده اند. علاوه بر آن، متناسب با نیازهای نشر در کشور، سه تقسیم بندی دیگر به فهرست ۹ گانه افزوده شده است. بدین ترتیب، در کنار رده های ده گانه دیوئی، (کلیات، فلسفه، دین، علوم اجتماعی، زبان، علوم طبیعی و ریاضیات، علوم عملی، هنر، ادبیات، تاریخ و جغرافیا) دو رده «کودک و نوجوان» و «کمک آموزشی» نیز در نظر گرفته شده است که آمارهای آنها مورد بررسی قرار خواهند گرفت.

- تقسیم بندی های قالبی و سخت افزاری: با توجه به شیوه های نوین انتشار کتاب، در تقسیم بندی قالبی خود کتاب ها را در سه حوزه نشر چاپی، نشر دیجیتال و نشر صوتی مورد بررسی قرار می دهیم. همچنین در حوزه های نشر دیجیتال و نشر صوتی، کتاب ها را به صورت سخت افزاری به انتشار نسخه های آنلاین یا انتشار بر روی لوح های فشرده تقسیم می کنیم.

- ناشران: متناسب با تقسیم بندی قالبی و سخت افزاری، ناشران را نیز به سه حوزه نشر چاپی، نشر الکترونیک و نشر صوتی تقسیم می کنیم.

- فروشندگان: فروشگاه های کتاب، فروشندگان اینترنتی، نسخه های الکترونیک، نسخه های صوتی سخت افزاری و الکترونیک.

- مولفان: نویسنده، مترجم، گردآورنده، پژوهش گر، گروه نویسندگان.

زنده یاد دهخدا در لغتنامه خود در برابر واژه چاپ چنین آورده است: «طبع. باسمه. عملی است که بواسطه آن می توان از روی یک نوشته چند نسخه شبیه به آن تهیه کرد». او همچنین به نقل از منابعی چون «عباس اقبال» و «ابراهیم پورداوود» توضیح می دهد که به احتمال زیاد، ریشه این واژه از لفظ چینی «چاو» گرفته شده باشد. البته برخی دیگر نیز ریشه آن را در هندوستان و لفظ «چهاپه» جسته اند.

آنگونه که ما می دانیم، چینی ها نخستین ملتی بودند که توانستند گونه ای از صنعت چاپ را پدید آورند و پس از آن این صنعت را به دیگر ملل جهان و از جمله ایرانیان آموخته اند. «مجتبی مینوی»، در مقاله ای با عنوان «ترجمه علوم چینی به فارسی در قرن هشتم هجری» در این باب است: «یکی از نسخه های خطی منحصر بفرد فارسی که در استانبول دیدم کتاب موسوم به «تانکسوق نامه ایلخان در فنون علوم ختائی» است که در عهد غازان خان باهتمام رشید الدین فضل الله وزیر همدانی تهیه شده است و ترجمه قسمتی از کتب طبی و علمی چینی به زبان فارسی است و در کتابخانه ایاصوفیه بشماره ۳۵۹۶ محفوظ است...» و سپس توضیح داده: «این کتاب رشیدالدین تا آنجا که بنده اطلاع دارم قدیمترین ماخذ فارسی در باب وجود صنعت چاپ در چین است. چاپ کتاب را چینی ها در عصر سلسله سلاطین تانگ بکمال رسانیدند، یعنی مقارن قرن اول تا سوم هجری، شیوه متداول همان بود که وصف آن را رشیدالدین کرده است و عن قریب عین عبارات او نقل خواهد شد، یعنی روی یک قطعه چوب تمام مطالبی را که باید در دو صفحه متوالی بیاید، بعلاوه یک ستون عنوان باب و فصل و ممیزات دیگر در میان دو صفحه، وارونه می کنند و سپس آن را مرکب زده روی کاغذ برمی گردانند و آن کاغذ را از وسط تا می زدند و کتاب هر چند ورق می شد از این اوراق تا کرده مرکب بود که پهلوی یکدیگر گذاشته می دوختند. هنوز هم همین شیوه در چین متداول است و اهل مملکت آن را بر شیوه های دیگر ترجیح می دهند».

سال ها بعد اما اختراع دیگری این بار در اروپا پدید آمد و سبب شد که نام گوتنبرگ به عنوان مخترع صنعت چاپ، حداقل در شکل و شمایل مدرن آن به ثبت برسد. او در سال و ظاهراً بدون اطلاع از کار چینی ها، حروف قابل انتقالی که آنان پدید آورده بودند را دوباره اختراع کرد و آلیاژ مناسب برای ریخته گری حروف را از سرب و آنتی موآن به

دست آورد. سپس نسبت هر یک از این دو فلز را به گونه ای انتخاب کرد که حروف بیش از حد سخت و نرم نباشند. سرانجام برای مرکب چاپ هم فرمول مناسبی پیدا کرد و خلاصه با رفع موانع و حل مشکلات عمل چاپ را میسر و اجرایی کرد.

پس از گوتنبرگ، نوآوری‌ها در صنعت چاپ ادامه یافت. به مرور چاپ سنگی اختراع شد که بنا بر روایت‌هایی «میرزا صالح شیرازی» آن را وارد ایران کرد. او که به نمایندگی از دولت ایران به سفر اروپا رفته بود سرانجام توانست کارگاه چاپ سنگی خود را در سال ۱۲۱۳ خورشیدی (۱۲۵۰ق) در شهر تبریز راه‌اندازی کند. این نوع از چاپ که به سرعت به دیگر شهرهای بزرگ ایران نیز راه یافت برای حدود نیم قرن تنها شیوه چاپ در کشور بود.

با فرا رسیدن نهضت مشروطه، صنعت چاپ در ایران اهمیت متفاوتی یافت. حال دیگر نشر مطبوعات و حتی کتاب‌ها گستره و ضرورت دو چندان یافته بود و حتی می‌توان گفت به نوعی از انحصار حکومتی نیز خارج شده بود. مشروطه‌خواهان حتی از انتشار اعلامیه‌های پنهان و شب‌نامه‌های سیاسی نیز از چاپ‌خانه‌های مخفی و کوچکی استفاده می‌کردند که احتمالاً از نوع چاپ ژلاتینی بوده‌اند. تاسیس دانشگاه تهران و نهادهای آموزشی مدرن در عصر پهلوی، عامل تاریخی و سیاسی مهم دیگری در گسترش صنعت چاپ بودند. با رواج هرچه بیشتر سواد و آموزش‌های عالی، به مرور مطالعه کتاب از دایره تنگ و محدود اشراف و نخبگان فراتر رفت و به امری فراگیر بدل شد.

با وقوع انقلاب و طی چهاردهه گذشته، صنعت چاپ و نشر کشور نیز با شتاب روزافزونی خود را توسعه داد. نرخ باسوادی در کشور افزایش یافت، آموزش عالی با جهشی چشم‌گیر توسعه پیدا کرد و به مدد فن‌آوری‌های جدید چاپ با سهولت بیشتر و هزینه کمتر میسر شد. عطش کتاب‌خوانی رو به گسترش نهاد و به تناسب نیاز خود عناوین روزافزونی را طلب کرد که تنها با مدد ورود نویسندگان بیشتر و ناشران بیشتر محقق شد.

این پژوهش، تلاشی است برای بررسی وضعیت نشر کشور، جایگاه کنونی آن و نقاط ضعف و قوتی که در خود دارد.



## بخش اول: توصیف وضعیت

هرگاه سخن از توصیف وضعیت به میان آید، ناخودآگاه نخستین تصویری که در ذهن ایجاد می‌شود ارائه فهرستی از جداول و نمودارهای آماری است. تصویر نابجایی هم نیست. اگر بگوییم برای سیاست‌گذاری‌های کلان، آمارها حرف اول را می‌زنند چندان به بیراهه نرفته‌ایم. با این حال، مواردی هم وجود دارند که اعداد و ارقام از بیان و انتقال آن عاجز هستند، یا بهتر بگوییم، مراجعه بدون تحلیل و مشاهده ظواهر ارقام، گاه کاملاً فریبنده می‌شوند.

موارد بسیار زیادی از قضاوت‌های شتاب‌زده در خوانش ارقام و آمار را به صورت روزمره در رسانه‌های کشور شاهد هستیم. به ویژه در حوزه نشر کتاب که این ارقام کمتر مورد تحلیل‌های جدی‌تر قرار می‌گیرند و همه چیز در سطح خبرهای گذرا که نسبت به کاهش تولید کتاب و در نتیجه فرهنگ مطالعه هشدار می‌دهند خلاصه می‌شود. در گزارش حاضر اما تلاش خواهیم کرد تا ضمن مرور ارقام و آمار معتبر، معیارهایی برای سنجش و تحلیل این آمار نیز ارائه کنیم تا بتوان ابزارهای دقیق‌تری برای قضاوت نهایی در اختیار گرفت.

پیش از این مرحله اما، نیازمند آن هستیم که برای خود توصیف آماری نیز، زمینه‌های مشخص‌تری را فهرست کنیم. نخستین توقعی که از توصیف آماری وضعیت نشر انتظار می‌رود، شمارگان کتاب در حوزه‌های مختلف است. آمارهای این حوزه را ما در فصل اول از همین بخش نخست ارائه خواهیم کرد. اما در فصل دوم، به سراغ وضعیت توزیع کتاب می‌رویم. جایی که از یک سو باید امکان و فرصت دسترسی خوانندگان به کتاب‌ها را مورد تحقیق قرار داد و از سوی دیگر، فرصت و ظرفیت دسترسی نویسندگان به امکانات چاپ و نشر کتاب و فروش کتاب را. در نهایت و در سومین فصل از بخش توصیف آماری، به سراغ اقتصاد صنعت نشر و سهم آن از میزان اشتغال‌زایی و تولید ناخالص ملی می‌رویم تا جایگاه و اهمیت این صنعت را در اقتصاد کلان کشور مرور کنیم.

هر چند، تحلیل تفصیلی آمارهای ارائه شده به بخش دوم موکول خواهد شد، با این حال در همین بخش نخست نیز تلاش می‌کنیم که از توقف صرف در سطح ارائه ارقام و اعداد فراتر رفته و برای سنجش نسبی این آمار معیارهای مقایسه‌ای ارائه کنیم. بدین منظور، از یک سو وضعیت صنعت نشر در سال ۹۷ را با روند ۴۰ سال گذشته مقایسه می‌کنیم و از سوی دیگر، تلاش خواهیم کرد تا حد امکان، با تبدیل آمارها به سرانه و میانگین انتشار، نسبت وضعیت نشر کشور با دیگر کشورهای جهان را نیز مورد بررسی قرار دهیم.

## ۱-۱: نگاهی به آمارهای تولید

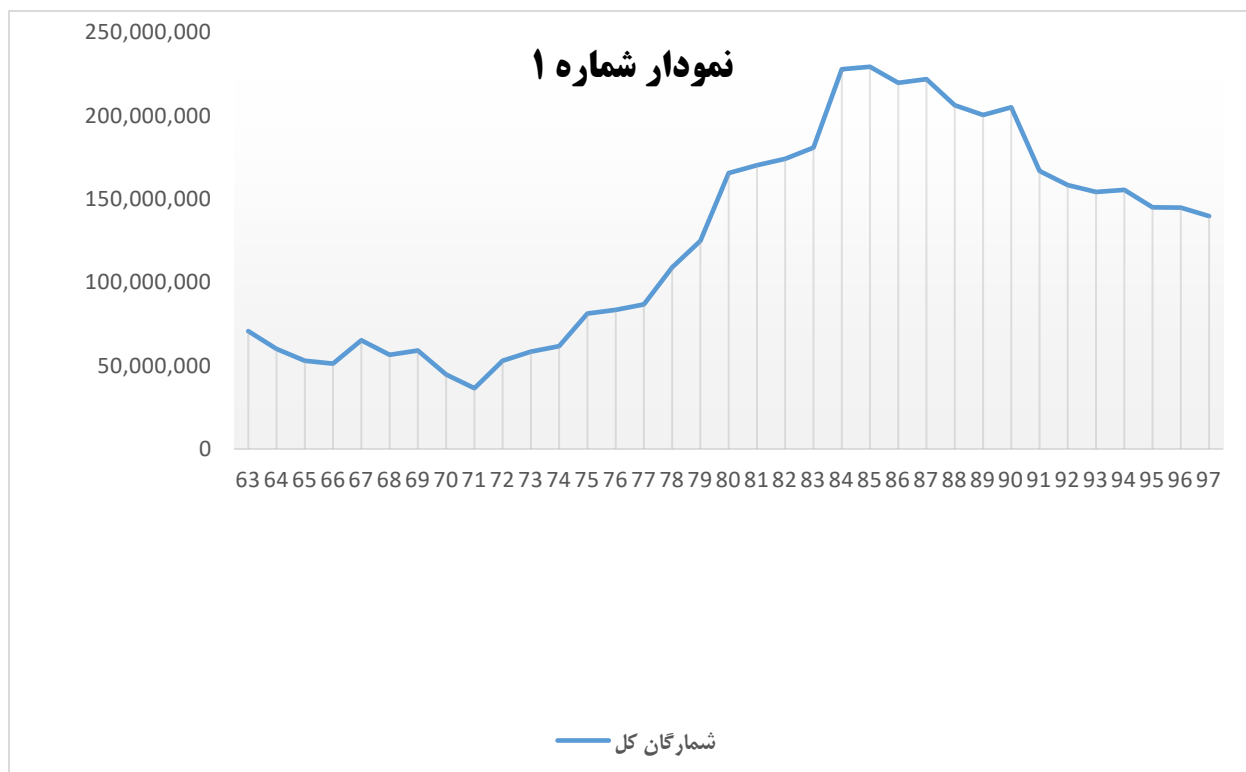
سال ۹۷ در حالی به پایان رسید که روند نسبتاً مداوم کاهش آمار نشر طی یک دهه گذشته ادامه پیدا کرد. روندی که تقریباً از سال ۸۵ آغاز شده و بجز اندک وقفه‌های گذرا، تا به امروز سیر نزولی خود را پیموده است. ۱۲ سال کاهش سالانه شمارگان کتاب در کشور، درست پس از یک دوره ۱۲ ساله رشد مداوم از راه رسید تا به نوعی یادآور اسطوره‌های خشک‌سالی از پس رونق باشد. (نمودار شماره ۱)

مشاهده اعداد و ارقام و جداولی که حکایت از این سقوط دارند، به صورت طبیعی پرسش‌ها و نگرانی‌های فراوانی در باب وضعیت صنعت نشر در کشور را به دنبال خواهند داشت. چه شده که آمار نشر کشور رو به افول است؟ آیا مردم دیگر کتاب نمی‌خوانند؟ آیا ناشران از انتشار آثار جدید سر باز می‌زنند؟ آیا اقبال نویسندگان به نوشتن و منتشر کردن از بین رفته؟ عواملی چون افزایش هزینه‌ها و قیمت کتاب در این میان چه تاثیری داشته است؟ و در نهایت، آیا می‌توان برخی موانع قانونی همچون افزایش سیاست‌های ممیزی را در این میان دخیل دانست؟ در این بخش تلاش می‌شود تا با تجزیه آمارهای انتشار کتاب، صرفاً از روش‌های عددی، به برخی از این پرسش‌ها پاسخ داده شود.

هرچند، تحلیل وضعیت حاضر را به فصل آینده و بخش ویژه تحلیل آمارها موکول خواهیم کرد، اما ضروری است که در طرح مساله نیز تصویر کلی را به اجزای دقیق‌تری تقسیم کرده تا مساله اصلی را هرچه شفاف‌تر ببینیم. تا زمانی که طرح مساله به دقت صورت‌بندی نشود، مشکله (دشواره<sup>۱</sup>) صنعت نشر ما نیز به درستی آشکار نخواهد شد و چه جای تعجب که طرح پرسش‌های نادرست، به پاسخ‌های فریبنده‌ای بینجامد که ما را از مقصود نهایی دور سازد. بدین ترتیب، در بخش ارائه آمار نشر، تلاش می‌کنیم تا حد امکان، اعداد و ارقام پراکنده‌ای که وجود دارد را در دسته‌بندی‌هایی ارائه کنیم که به بهترین وضع گویای جهت‌گیری‌های اصلی بازار نشر کشور باشند.

---

<sup>1</sup> Problematic



جدول مربوط به نمودار شماره ۱	
سال	شمارگان کل
۱۳۶۵	۵۲,۹۴۳,۵۱۵
۱۳۷۵	۸۱,۲۳۸,۶۳۸
۱۳۸۵	۲۲۹,۳۰۰,۰۵۳
۱۳۹۵	۱۴۴,۹۷۶,۳۹۱
۱۳۹۷	۱۳۹,۷۱۹,۰۷۴

برای این منظور، شاید در گام نخست باید پرسید: «وقتی از کاهش آمار چاپ کتاب صحبت می‌کنیم، دقیقا از چه صحبت می‌کنیم؟» نمودار شماره ۱ که پیش از این بدان اشاره شد، صرفا نمودار «مجموع شمارگان سالانه» کتاب است؛ اما اگر ملاک سنجش را از روی شمارگان برداشته و «تعداد عناوین» کتاب را مورد بررسی قرار دهیم، (نمودار شماره ۲) وضعیت به کلی دگرگون می‌شود. این بار، تقریبا تمامی آمارها حاکی از افزایش مداوم و پیوسته تعداد عناوین منتشر شده در ۴۰ سال گذشته خواهند بود که سال ۹۷ نیز از آن مستثنی نیست.

همین دو آمار را می‌توانیم در تفکیک‌های محتوایی نیز به صورت جزئی‌تر بازبینی کنیم. بدین ترتیب خواهیم دید که در باب شمارگان نشر،<sup>۱</sup> علی‌رغم سیر نزولی که در سال ۹۷ هم ادامه یافته، بسیاری از زیرشاخه‌های محتوایی، سیری صعودی را سپری کرده‌اند که گاه بسیار نیز چشم‌گیر بوده است. برای مثال، کتاب‌های رده «فلسفه»، با بیش از ۲۰ درصد رشد در شمارگان نسبت به سال ۹۶ در صدر فهرست این گروه‌ها قرار دارند<sup>۲</sup> و پس از آن رده‌های «ادبیات» و «علوم عملی» هر یک با ۱۱,۳ درصد رشد در جایگاه‌های بعدی قرار می‌گیرند.

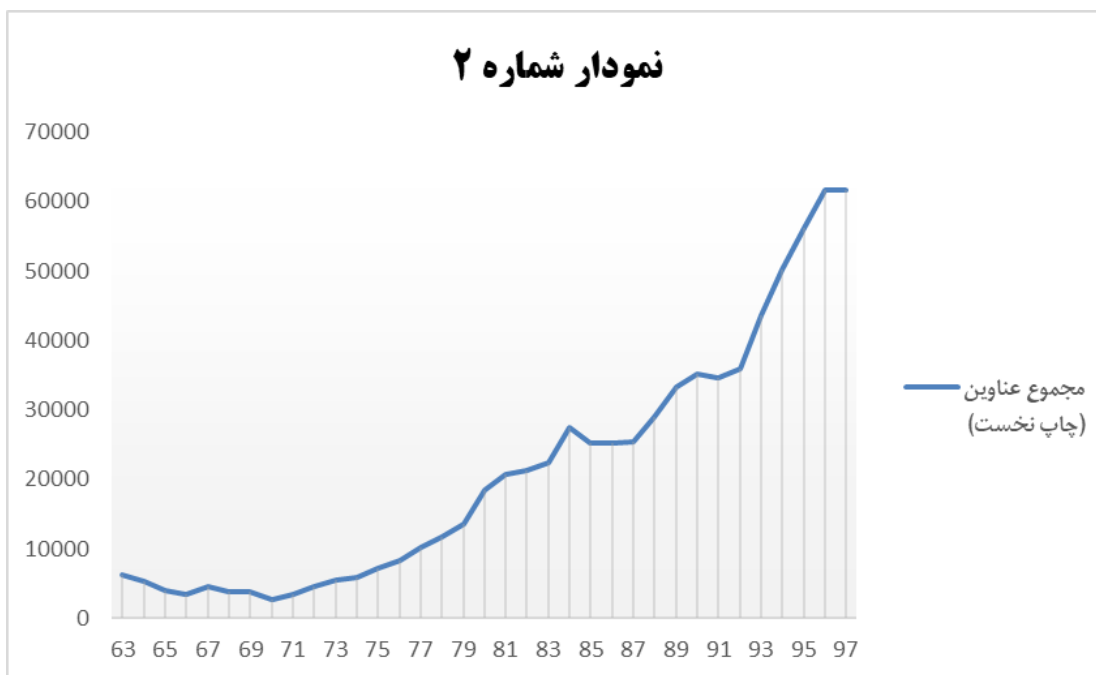
طبیعتا، این روندهای رو به بهبود، با روند نزولی شمارگان در دیگر زیرشاخه‌ها همراه بوده است که از این میان، رده «کودک و نوجوان» با ۱۰,۶۷ درصد کاهش نسبت به سال قبل بیشترین سقوط در شمارگان نشر را داشته است. پس از آن نیز رده‌های «تاریخ و جغرافیا» با ۱۰,۳۸ درصد و «علوم طبیعی و ریاضی» با ۱۰,۳۷ درصد کاهش قرار می‌گیرند.

روی هم رفته، با ترسیم نمودارهای شمارگان بر پایه زیر رده‌های محتوایی، مشاهده خواهیم کرد آن روند کاهش شمارگان نشر که از سال‌های ۸۴ و ۸۵ آغاز شده بود، طی چهارسال اخیر در رده‌های «فلسفه»، «ادبیات»، «زبان»، «علوم اجتماعی» و «علوم عملی»، متوقف شده و حتی سیر صعودی به خود گرفته است.

---

<sup>۱</sup> به نمودارهای شماره الف-۱ تا الف-۱۲ پی‌وسته‌ها مراجعه کنید.

<sup>۲</sup> نمودار الف-۲ بخش پی‌وسته‌ها



جدول مربوط به نمودار شماره ۲	
سال	مجموع عناوین چاپ نخست
۱۳۶۵	۳۹۷۴
۱۳۷۵	۷۲۲۱
۱۳۸۵	۲۵۱۷۱
۱۳۹۵	۵۶۱۶۵
۱۳۹۷	۶۱۶۰۱

از سوی دیگر، در مورد رده‌های «کلیات»، «دین»، «تاریخ و جغرافیا» روند نزولی کماکان و با شتاب در حال طی شدن است. رده‌های «هنر»، «علوم طبیعی و ریاضیات» و «کودک و نوجوان» با فراز و فرودهای پیاپی همراه بوده‌اند و در نهایت، رده کتاب‌های «کمک آموزشی»، که بر خلاف تمامی رده‌های قبلی، طی یک دهه گذشته همواره با رشد بالایی مواجه بوده، طی چهار سال اخیر در مسیر سقوط قرار گرفته است.

حال اگر تمامی نمودارهای فوق را به جای شمارگان، بر پایه تعداد عناوین بازآرایی کنیم<sup>۱</sup>، نتایج در کل به روندی رو به رشد بدل خواهند شد. (نمودار شماره ۲) روندی که طی ۱۰ سال گذشته نیز با اندکی افت و خیز، سیر صعودی خود را حفظ کرده است. البته، در مورد عناوین نیز با تفکیک شمار کلی عناوین به زیرشاخه‌های موضوعی مشاهده خواهد شد که در برخی رده‌ها مانند «کمک آموزشی»، «کلیات»، «علوم اجتماعی» و «علوم عملی»، با اندکی افت نسبت به سال‌های گذشته مواجه بوده‌ایم. بجز این موارد، در باقی رده‌ها همه عناوین با افزایش مواجه بوده‌اند.

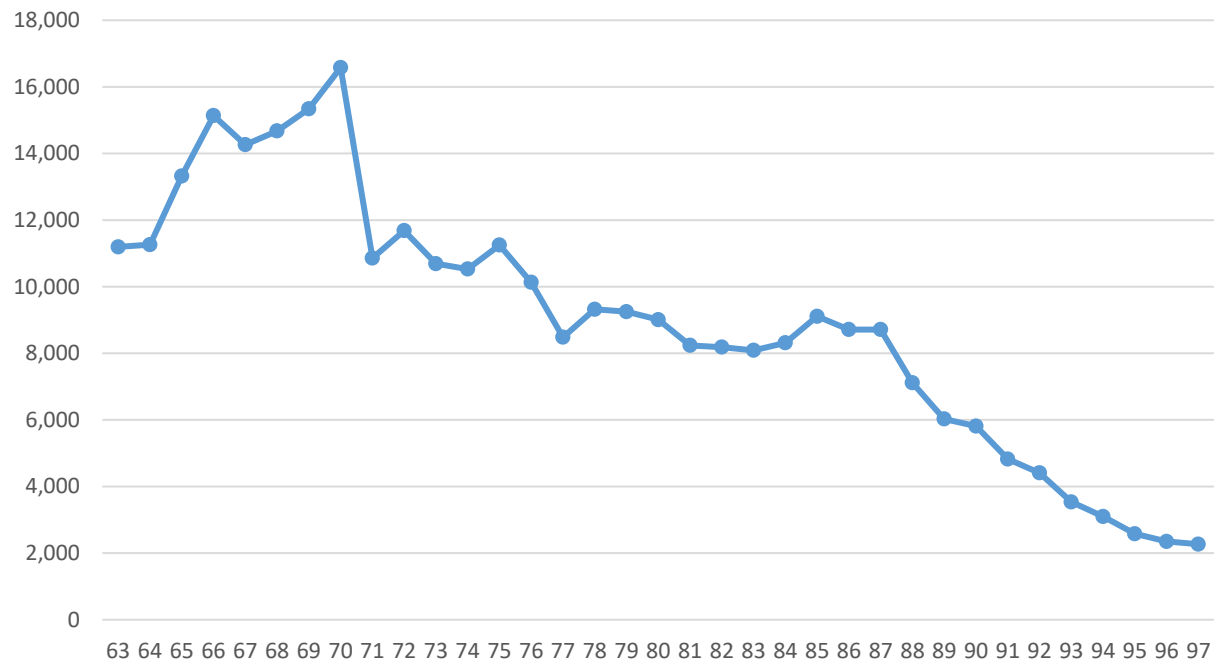
اینجا نیز رده «فلسفه» با ۱۲٫۸ درصد رشد، نرخ بیشترین افزایش در تعداد عناوین را به خود اختصاص داده است و رده‌های «ادبیات» با ۱۲٫۶۸ و «زبان» با ۹٫۸۳ درصد رشد در جایگاه‌های بعدی قرار دارند. همچنین رده «کلیات» با نزدیک به ۲۰ درصد کاهش در تعداد عناوین، شاهد بیشترین سقوط بوده است و پس از آن رده «کمک آموزشی» با ۹٫۹۱ درصد کاهش و رده «علوم اجتماعی» با ۴٫۴۸ درصد کاهش قرار دارند.

از مقایسه دو جدول پیشین، به یک حقیقت دیگر نیز می‌توان پی برد: کاهش میانگین شمارگان برای هر عنوان کتاب. در واقع، هرچند تعداد عناوین منتشر شده در سال ۹۷ بیش از ۱۵ برابر سال ۶۵ بوده، اما مجموع شمارگان کتاب چیزی حدود ۲٫۶ برابر افزایش یافته است. بدین ترتیب، میانگین شمارگان برای هر عنوان کتاب منتشر شده در تمامی این سال‌ها با کاهش مواجه بوده است. این مساله می‌تواند معرف آن باشد که نرخ رشد در عرصه نگارش و تولید کتاب بسیار سریع‌تر از نرخ رشد مطالعه و در نتیجه خرید کتاب‌ها افزایش یافته است.

---

۱ به نمودارهای شماره ب-۱ تا ب-۱۲ پی‌وسته‌ها مراجعه کنید.

نمودار شماره ۳ - میانگین شمارگان هر کتاب



جدول مربوط به نمودار شماره ۳

سال	مجموع عناوین چاپ نخست
۱۳۶۵	۱۳۳۲۲
۱۳۷۵	۱۱۲۵۰
۱۳۸۵	۹۱۱۰
۱۳۹۵	۲۵۸۱
۱۳۹۷	۲۲۶۸

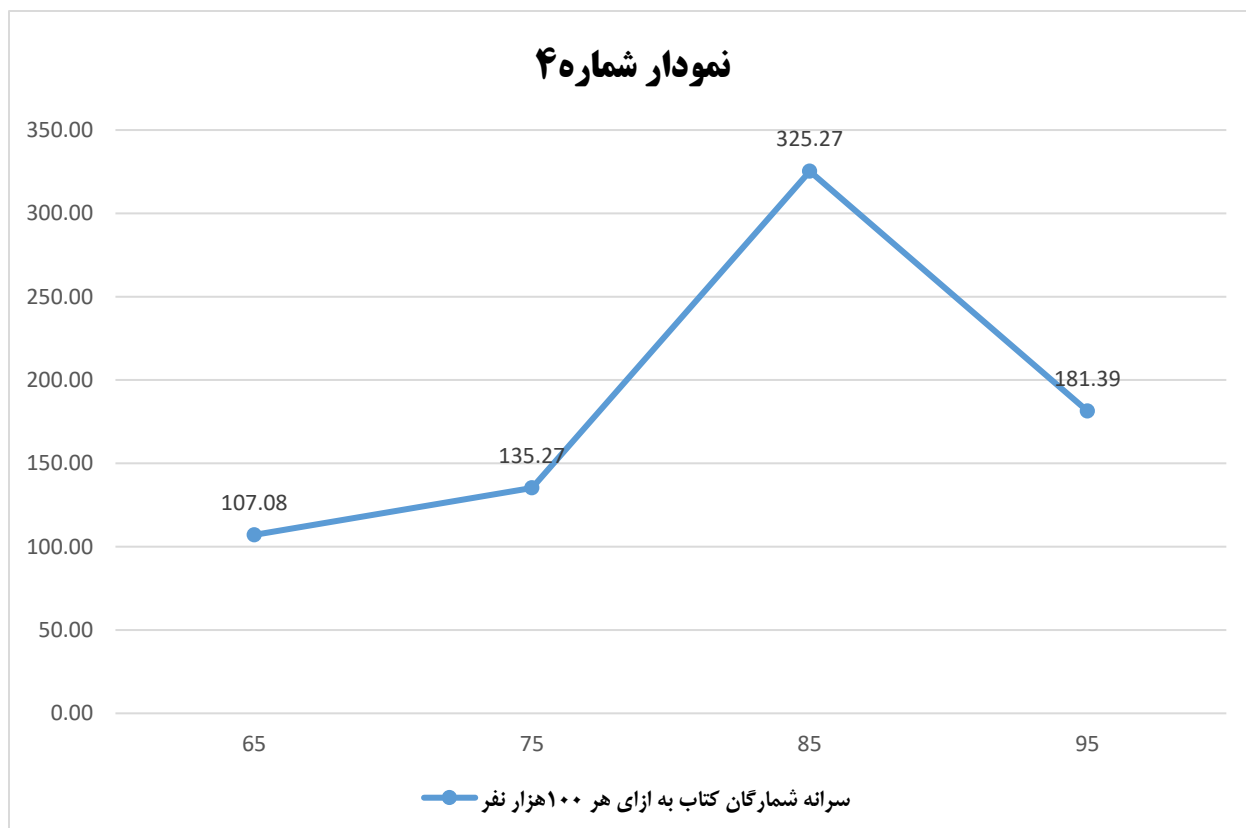


آیا کاهش میانگین شمارگان در طول این سال‌ها لزوماً اتفاق نامیمونی است؟ این موضوعی است که در بخش تحلیل آمارها به صورت مفصل بدان خواهیم پرداخت و همچنین عوامل احتمالی موثر بر این مساله را نیز بررسی خواهیم کرد. تا بدین جای کار، تنها به همین میزان اکتفا کرده‌ایم که روند انتشار کتاب در سال‌های اخیر به صورت کلی نزولی نبوده، بلکه اتفاقاً در برخی از رده‌ها روند رو به رشدی هم داشته است. اما اگر بخواهیم فراز و فرود کلی شمارگان را بهتر درک کنیم و توضیح دقیق‌تری از چرایی آن ارائه کنیم، بد نیست که ابتدا آمارهای نشر را در تناسب با میزان رشد جمعیت محاسبه کرده و به نوعی با «سرانه چاپ کتاب» کار کنیم. در واقع، اصلاً عجیب نیست که طی فرآیندی چهل ساله و در حالی که جمعیت کشور نزدیک به ۱۴۰ درصد افزایش یافته است<sup>۱</sup>، شمارگان یا تعداد عناوین کتاب نیز شاهد یک افزایش کلی باشند. پس بهتر است پرسش‌های خود را به این شیوه اصلاح کنیم که: آیا آمارهای افزایش یافته، با نسبت افزایش جمعیتی تناسب دارند؟ به عبارت دیگر، آیا سرانه انتشار کتاب در کشور به تناسب رشد جمعیت تغییر پیدا کرده است؟

برای آنکه بتوانیم از آمار دقیق جمعیتی استفاده کنیم، سال‌های خاصی را در نظر گرفته‌ایم که در آن‌ها سرشماری سراسری انجام شده و آمارهای سرشماری از جانب مرکز آمار به صورت دقیق منتشر شده‌اند. نمودار شماره ۴ بر پایه همین آمار ترسیم شده است. همان‌گونه که در این نمودار می‌توان دید، سرانه شمارگان کتاب در سال ۹۵، نسبت به سال ۷۵، و در سال ۷۵ نسبت به سال ۶۵ افزایش پیدا کرده است. یعنی اگر جهش استثنایی در سال ۸۵ را نادیده بگیریم، می‌توان گفت که سرانه انتشار کتاب در کشور با یک شیب متوازن در حال افزایش بوده است؛ اما در سال ۸۵ شاهد یک اتفاق خاص بوده‌ایم. تحلیل این اتفاق خاص نیازمند کسب آمارهای بیشتر و دقیق‌تر شدن در جزئیات جهش ایجاد شده است که آن را به بخش دوم و فصل تحلیل آمارها واگذار می‌کنیم.

---

<sup>۱</sup> بر اساس داده‌های مرکز آمار ایران



جدول مربوط به نمودار شماره ۴	
سال	میانگین شمارگان هر کتاب
۱۳۶۵	۱۳۳۲۲
۱۳۷۵	۱۱۲۵۰
۱۳۸۵	۹۱۱۰
۱۳۹۵	۲۵۸۱
۱۳۹۷	۲۲۶۸

حال می‌توانیم به یک نتیجه کلی دیگر اشاره کنیم. حتی با چشم‌پوشی از تحولات غیرمتعارف سال‌های میانی دهه هشتاد، (و رشد احتمالا کاذب آمارها) باز هم روند کلی سرانه انتشار کتاب در کشور، طی چهار دهه گذشته همواره مثبت و رو به رشد بوده است. ما هیچ آماری نداریم (و احتمالا نمی‌توانیم داشته باشیم) که چه درصدی از کتاب‌های خریداری شده خوانده می‌شوند؟ و یا آنکه به صورت میانگین هر کتاب خریداری شده چند بار و به چه مدتی خوانده می‌شود. اگر این آمارها وجود داشتند، می‌توانستیم از «سرانه انتشار کتاب» به تخمین مناسبی در مورد «سرانه مطالعه ایرانیان» دست پیدا کنیم. با این حال، با قرار دادن یک «فرض» مبنی بر اینکه نسبت کتاب‌های خریداری شده با کتاب‌های مطالعه شده تقریبا ثابت باقی می‌مانند، شاید بتوان از تغییرات در سرانه انتشار و فروش کتاب‌ها، تا حدودی فراز و فرود سرانه مطالعه کشور را نیز تشخیص داد. با چنین فرضی، احتمالا باید نتیجه گرفت که سرانه مطالعه ایرانیان نیز طی چهل سال گذشته همواره در حال رشد بوده است.

یعنی در همینجا می‌توان یک پیش‌فرض متداول اما نادرست را کنار گذاشت؛ پیش‌فرضی که مدعی است: با گسترش رسانه‌های جدید و به ویژه شبکه‌های اجتماعی در فضای مجازی، این روزها دیگر مردم کمتر کتاب می‌خوانند! مشخصا آمارها خلاف این ادعا را به ما نشان می‌دهند، به گونه‌ای که می‌توان گفت: این روزها ایرانیان نسبت به هر دوره‌ای پیش از این بیشتر مطالعه می‌کنند. طبیعتا چنین پدیده‌ای می‌تواند عوامل متعددی داشته باشد، اما تحلیل این عوامل و بررسی سطح تاثیرگذاری شاخص‌های متفاوتی از جمله افزایش سواد و رشد تحصیلات دانشگاهی را به بخش دوم و فصل مربوط به تحلیل آمارها موکول می‌کنیم و فصل مربوط به آمارهای انتشار کتاب را در همینجا به پایان می‌بریم.

## ۱-۲: نگاهی به آمارهای توزیع

پس از مرحله تولید، نوبت به توزیع کتاب می‌رسد. جایی که مخاطبان باید بتوانند چه از طریق خرید و چه با عضویت در کتابخانه‌ها به محصولات منتشر شده دسترسی داشته باشند. در این بخش، سهمی بزرگی از چرخه توزیع و فروش کتاب بر دوش بخش خصوصی قرار گرفته است. کتاب‌فروشی‌های کوچک، فروشگاه‌ها و شهرکتاب‌های بزرگ، شعب فروشگاهی ناشران و در نهایت شرکت‌های پخش و توزیع توزیع کننده غالباً توسط بخش خصوصی اداره می‌شوند. به ویژه، در سال‌های اخیر و به مدد توسعه شبکه اینترنتی، فروشگاه‌ها و توزیع کنندگان برخط نیز به این چرخه افزوده شده‌اند و تا حد زیادی امکانات توزیع کتاب در سطح کشور را متوازن ساخته‌اند.

در واقع، فرآیند توزیع و فروش همواره از قوانین عرضه و تقاضا پیروی می‌کرده و می‌توان تا حد خوبی پذیرفت که به ازای گسترش نیاز به خرید و مصرف کتاب، بخش خصوصی برای پاسخ‌گویی وارد می‌شده است. با این حال، کم و کاستی‌های احتمالی نیز به مدد فروشندگان جدید تا حد خوبی برطرف شده است، بدین معنا که امروز هر خریداری در سطح کشور می‌تواند با ثبت یک سفارش برخط، در کمترین زمان ممکن کتاب مورد نظر خود را دریافت کند. از این منظر، اگر تصمیم‌گیرندگان دولتی بخواهند تدابیری جهت تسهیل توزیع و گسترش شبکه پخش کتاب نیز بیندیشند، به نظر می‌رسد حمایت از کسب و کارهای اینترنتی یک گزینه بهینه به حساب بیاید.

با توجه به اینکه فروش کتاب، به ویژه در شهرستان‌های کوچک، گاه به صورت سنتی در فروشگاه‌های متنوعی (از جمله لوازم‌التحریرفروش‌ها) انجام می‌شود، جمع‌آوری دقیق شمار فروشندگان کتاب بسیار دشوار است. مراکز متفاوتی، از جمله خانه کتاب، برخی ناشران و همچنین شرکت‌های پخش کتاب تلاش کرده‌اند که فهرست نسبتاً جامعی از فروشندگان کتاب در کشور تهیه کنند. آمار جدول شماره ۱، بر اساس تطبیق و تکمیل آمارهای ارائه شده در سه منبع متفاوت به دست آمده است. نخست، فهرست کتاب‌فروشی‌هایی که در بخش بانک اطلاعاتی «خانه

کتاب» به تفکیک استانی منتشر شده‌اند. دوم، بانک اطلاعات وبسایت «فایل بانک»<sup>۲</sup> که به صورت تخصصی بر روی جمع‌آوری بانک اطلاعات اصناف و مشاغل تمرکز کرده و با ارائه جزئیات دقیقی همچون آدرس و شماره تلفن، امکان تکمیل آمارهای خانه کتاب را فراهم ساخته است. سومین منبع، فهرست ارائه شده از جانب «نشر مرکز» است که در نوع خود تلاش کرده بانک جامعی از نشانی کتاب‌فروشی‌های کشور را تهیه کند. نتایج تطبیق و تکمیل آمارهای این سه منبع را می‌توانید به تفکیک استان در جدول شماره ۱ مشاهده کنید.

اما بخش دیگری از شبکه توزیع کتاب وجود دارد که عموماً در انحصار و اختیار نهادهای دولتی قرار دارد. کتابخانه‌های عمومی که در اکثر کشورهای جهان سهم قابل توجهی از بخش توزیع کتاب را بر عهده دارند و همواره نشانگری از امکانات آموزش عمومی و دسترسی عادلانه به منابع دانش و فرهنگ به شمار می‌روند. در این زمینه، مروری بر سرانه و پراکندگی کتابخانه‌های عمومی کشور می‌تواند نشان‌گری از وضعیت توازن دسترسی و توزیع عادلانه کتاب برای مخاطبان به شمار آید.

متأسفانه در این مورد نیز منابع مختلف و از جانب نهادهای مختلف، آمارهای متفاوتی در باب تعداد کتابخانه‌های کشور منتشر کرده‌اند. این وضعیت، به ویژه محصول تنوع در انواع کتابخانه‌ها و همچنین متولیان این نهادهای عمومی است. برای مثال، اینکه کتابخانه‌های مساجد یا مدارس در فهرست کتابخانه‌های عمومی قرار گیرند یا نه همواره مورد پرسش بوده و به تفاوت در برخی آمارها دامن زده است. به هر حال ما در اینجا سعی کردیم که از آمارها و تعاریف «نهاد کتابخانه‌های عمومی کشور» استفاده کنیم.

---

<sup>1</sup> <http://www.ketab.ir/SearchBookShop.aspx>

<sup>2</sup> <https://www.filebank.org/>

جدول شماره ۱- توزیع کتاب فروشی ها در کشور

نام استان	تعداد کتاب فروشی ها	جمعیت استان	سرايه كتاب فروشي (به ازاي هر ۱۰۰ هزار نفر)
۱ آذربايجان غربي	۵۲۲	۳,۲۶۵,۲۱۹	۱۶.۰
۲ قم	۱۷۱	۱,۲۹۲,۲۸۳	۱۳.۲
۳ اردبيل	۱۱۰	۱,۲۷۰,۴۲۰	۸.۷
۴ كردستان	۱۳۵	۱,۶۰۳,۰۱۱	۸.۴
۵ بوشهر	۷۲	۱,۱۶۳,۴۰۰	۶.۲
۶ آذربايجان شرقي	۲۳۳	۳,۹۰۹,۶۵۲	۶.۰
۷ چهارمحال و بختياري	۵۳	۹۴۷,۷۶۳	۵.۶
۸ تهران	۷۳۲	۱۳,۲۶۷,۶۳۷	۵.۵
۹ زنجان	۵۵	۱,۰۵۷,۴۶۱	۵.۲
۱۰ خراسان رضوي	۳۱۳	۶,۴۳۴,۵۰۱	۴.۹
۱۱ سمنان	۳۴	۷۰۲,۳۶۰	۴.۸
۱۲ خراسان جنوبي	۳۱	۷۶۸,۱۹۸	۴.۰
۱۳ يزد	۳۱	۱,۱۳۸,۵۳۳	۲.۷
۱۴ خوزستان	۱۲۸	۴,۷۱۰,۵۰۹	۲.۷
۱۵ خراسان شمالي	۲۲	۸۶۳,۰۹۲	۲.۵
۱۶ اصفهان	۹۸	۵,۱۲۰,۸۵۰	۱.۹
۱۷ فارس	۹۰	۴,۸۵۱,۲۷۴	۱.۹
۱۸ ايلام	۹	۵۰۸,۱۵۸	۱.۸
۱۹ سيستان و بلوچستان	۴۴	۲,۷۷۵,۰۱۴	۱.۶
۲۰ کرمان	۵۰	۳,۱۶۴,۷۱۸	۱.۶
۲۱ قزوین	۱۹	۱,۲۷۳,۷۶۱	۱.۵
۲۲ گیلان	۳۴	۲,۵۳۰,۶۹۶	۱.۳
۲۳ مرکزی	۱۷	۱,۴۲۹,۴۷۵	۱.۲
۲۴ مازندران	۳۹	۳,۲۸۳,۵۸۲	۱.۲
۲۵ همدان	۲۰	۱,۷۳۸,۲۳۴	۱.۲
۲۶ البرز	۳۰	۲,۷۱۲,۴۰۰	۱.۱
۲۷ گلستان	۱۸	۱,۸۶۸,۸۱۹	۱.۰
۲۸ کرمانشاه	۱۸	۱,۹۵۲,۴۳۴	۰.۹
۲۹ لرستان	۱۰	۱,۷۶۰,۶۴۹	۰.۶
۳۰ کهگیلویه و بویراحمد	۳	۷۱۳,۰۵۲	۰.۴
۳۱ هرمزگان	۵	۱,۷۷۶,۴۱۵	۰.۳

نهاد کتابخانه‌های عمومی کشور بر اساس قانون تأسیس و نحوه اداره کتابخانه‌های عمومی مصوب ۱۳۸۲ متولی قانونی اداره کتابخانه‌های عمومی در ایران است. پیش از تصویب این قانون کتابخانه‌های عمومی کشور با عنوان هیأت امنای کتابخانه‌های عمومی کشور زیر نظر وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی اداره می‌شد. اما پس از تصویب لایحه دولت در ۱۷ اسفند ۱۳۸۲ در مجلس شورای اسلامی و تأیید شورای نگهبان، نهاد مسئولیت تأسیس، ساخت، تجهیز و بازسازی، توسعه و مدیریت و نظارت و سایر امور کتابخانه‌های عمومی در سراسر کشور را برعهده گرفت.

هرچند گاه در برخی آمارهای ارائه شده از جانب این نهاد نیز تناقض‌هایی دیده می‌شود، اما در نهایت با تطبیق فهرست‌های متفاوت و سنجش کتاب‌خانه‌ها بر اساس آدرش و شماره تماس، ما به آماری دست پیدا کردیم که به نسبت قابل اعتمادتر از دیگر اخبار پراکنده به نظر می‌رسد و نتایج آن را می‌توانید در جدول شماره ۲ مشاهده کنید.

تا بدین‌های کار، ما مساله توزیع و امکان دسترسی را از چشم‌انداز مصرف‌کنندگان، یعنی مخاطبان و خریداران کتاب بررسی کرده‌ایم. با این حال، در زنجیره صنعت نشر، یکی از مهم‌ترین حلقه‌ها را نویسندگان تشکیل می‌دهند که در نوع خود، برای تحقق نشر آثارشان نیازمند دسترسی به امکاناتی از جمله ارتباط با ناشران هستند. هر چند در سال‌های اخیر، گسترش راه‌های ارتباطی، به ویژه ارتباطات برخط امکان و زمینه آن را فراهم آورده است تا نویسندگان از سراسر کشور بتوانند با سهولت بیشتری به ناشران دسترسی داشته باشند، با این حال، توزیع و گستره ناشران در سطح کشور، همچنان می‌تواند یکی از شاخص‌های تاثیرگذار در امکان نشر آثار باشد.

تمرکز ناشران و مراکز تولید کتاب در پایتخت و دیگر شهرهای بزرگ کشور، به مانند تمامی سیاست‌های مرکز‌گرا، همواره یکی از عوامل برهم خوردن توازن در برابری فرصت و امکان انتشار کتاب برای نویسندگان شهرها و شهرستان‌های کشور بوده است. از این نظر، ما آخرین بخش از فصل توزیع را، به بررسی گستره ناشران در سطح کشور اختصاص داده‌ایم تا مشخص شود سرانه دسترسی شهروندان هر استان به ناشران کتاب به چه صورت است. نتایج این آمار نیز در جدول شماره ۳ قابل مشاهده است.

جدول شماره ۲ - توزیع کتاب خانه های عمومی در کشور

نام استان	تعداد کتابخانه ها	جمعیت استان	سرانه کتابخانه (به ازای هر ۱۰۰ هزار نفر)
۱ ایلام	۴۹	۵۰۸,۱۵۸	۹۶
۲ کهگیلویه و بویراحمد	۶۴	۷۱۳,۰۵۲	۹۰
۳ یزد	۹۸	۱,۱۳۸,۵۳۳	۸۶
۴ خراسان جنوبی	۶۰	۷۶۸,۸۹۸	۷۸
۵ سمنان	۵۲	۷۰۲,۳۶۰	۷۴
۶ زنجان	۷۵	۱,۰۵۷,۴۶۱	۷۱
۷ بوشهر	۷۸	۱,۱۶۳,۴۰۰	۶۷
۸ اردبیل	۷۶	۱,۲۷۰,۴۲۰	۶۰
۹ اصفهان	۳۰۱	۵,۱۲۰,۸۵۰	۵۹
۱۰ همدان	۹۸	۱,۷۳۸,۲۳۴	۵۶
۱۱ خراسان شمالی	۴۸	۸۶۳,۰۹۲	۵۶
۱۲ چهارمحال و بختیاری	۵۱	۹۴۷,۷۶۳	۵۴
۱۳ مرکزی	۷۳	۱,۴۲۹,۴۷۵	۵۱
۱۴ کرمانشاه	۷۹	۱,۹۵۲,۴۳۴	۴۰
۱۵ فارس	۱۸۴	۴,۸۵۱,۲۷۴	۳۸
۱۶ خوزستان	۱۷۱	۴,۷۱۰,۵۰۹	۳۶
۱۷ آذربایجان شرقی	۱۴۰	۳,۹۰۹,۶۵۲	۳۶
۱۸ گیلان	۸۴	۲,۵۳۰,۶۹۶	۳۳
۱۹ آذربایجان غربی	۱۰۸	۳,۲۶۵,۲۱۹	۳۳
۲۰ گلستان	۶۰	۱,۸۶۸,۸۱۹	۳۲
۲۱ کرمان	۱۰۰	۳,۱۶۴,۷۱۸	۳۲
۲۲ کردستان	۵۰	۱,۶۰۳,۰۱۱	۳۱
۲۳ قزوین	۳۵	۱,۲۷۳,۷۶۱	۲۷
۲۴ هرمزگان	۴۸	۱,۷۷۶,۴۱۵	۲۷
۲۵ مازندران	۸۴	۳,۲۸۳,۵۸۲	۲۶
۲۶ البرز	۶۸	۲,۷۱۲,۴۰۰	۲۵
۲۷ تهران	۳۰۵	۱۳,۲۶۷,۶۳۷	۲۳
۲۸ سیستان و بلوچستان	۶۰	۲,۷۷۵,۰۱۴	۲۲
۲۹ لرستان	۳۵	۱,۷۶۰,۶۴۹	۲۰
۳۰ قم	۲۴	۱,۲۹۲,۲۸۳	۱۹
۳۱ خراسان رضوی	۱۱۷	۶,۴۳۴,۵۰۱	۱۸



### جدول شماره ۳ - توزیع ناشران در سطح کشور

استان	جمعیت	تعداد ناشران	سراانه انتشارات (به ازای هر یک میلیون نفر)
۱ قم	۱,۲۹۲,۲۸۳	۱۲۱۱	۹۳۷.۱۰
۲ تهران	۱۳,۲۶۷,۶۳۷	۸۰۵۲	۶۰۶.۸۹
۳ خراسان رضوی	۶,۴۳۴,۵۰۱	۷۹۹	۱۲۴.۱۷
۴ یزد	۱,۱۳۸,۵۳۳	۱۲۸	۱۱۲.۴۳
۵ اصفهان	۵,۱۲۰,۸۵۰	۴۴۹	۸۷.۶۸
۶ آذربایجان شرقی	۳,۹۰۹,۶۵۲	۳۲۸	۸۳.۸۹
۷ البرز	۲,۷۱۲,۴۰۰	۲۲۰	۸۱.۱۱
۸ ایلام	۵۰۸,۱۵۸	۳۹	۷۶.۷۵
۹ همدان	۱,۷۳۸,۲۳۴	۱۳۰	۷۴.۷۹
۱۰ مازندران	۳,۲۸۳,۵۸۲	۲۲۷	۶۹.۱۳
۱۱ گیلان	۲,۵۳۰,۶۹۶	۱۵۹	۶۲.۸۳
۱۲ سمنان	۷۰۲,۳۶۰	۴۳	۶۱.۲۲
۱۳ اردبیل	۱,۲۷۰,۴۲۰	۶۷	۵۲.۷۴
۱۴ مرکزی	۱,۴۲۹,۴۷۵	۷۳	۵۱.۰۷
۱۵ چهارمحال و بختیاری	۹۴۷,۷۶۳	۴۴	۴۶.۴۳
۱۶ بوشهر	۱,۱۶۳,۴۰۰	۵۴	۴۶.۴۲
۱۷ فارس	۴,۸۵۱,۲۷۴	۲۱۹	۴۵.۱۴
۱۸ زنجان	۱,۰۵۷,۴۶۱	۴۷	۴۴.۴۵
۱۹ خراسان شمالی	۸۶۳,۰۹۲	۳۷	۴۲.۸۷
۲۰ قزوین	۱,۲۷۳,۷۶۱	۵۳	۴۱.۶۱
۲۱ کردستان	۱,۶۰۳,۰۱۱	۶۳	۳۹.۳۰
۲۲ آذربایجان غربی	۳,۲۶۵,۲۱۹	۱۲۸	۳۹.۲۰
۲۳ گلستان	۱,۸۶۸,۸۱۹	۶۴	۳۴.۲۵
۲۴ خراسان جنوبی	۷۶۸,۸۹۸	۲۴	۳۱.۲۱
۲۵ کرمان	۳,۱۶۴,۷۱۸	۹۸	۳۰.۹۷
۲۶ کرمانشاه	۱,۹۵۲,۴۳۴	۵۳	۲۷.۱۵
۲۷ لرستان	۱,۷۶۰,۶۴۹	۴۴	۲۴.۹۹
۲۸ خوزستان	۴,۷۱۰,۵۰۹	۱۱۴	۲۴.۲۰
۲۹ هرمزگان	۱,۷۷۶,۴۱۵	۳۰	۱۶.۸۹
۳۰ کهگیلویه و بویراحمد	۷۱۳,۰۵۲	۱۰	۱۴.۰۲
۳۱ سیستان و بلوچستان	۲,۷۷۵,۰۱۴	۳۷	۱۳.۳۳

### ۳-۱: نگاهی آماری به اقتصاد صنعت نشر

یکی از باورهای کلیشه‌ای و نادرست که همواره بر فرهنگ و هنر به صورت کلی، و صنعت نشر و کتاب به صورت مشخص سایه می‌افکند، تصویری است که این حوزه‌ها را فاقد توان مولد اقتصادی قلمداد می‌کند. در این باور سنتی، فرهنگ، هنر و کتاب، زمینه‌هایی هستند که همواره برای دولت یا نهادهای متولی بار مالی به همراه دارند، بدون آنکه تاثیر مستقیمی در اقتصاد کشور، یا اشتغال و درآمدزایی ملی داشته باشند. این در حالی است که اقتصاد فرهنگ و اقتصاد هنر، امروزه یکی از بزرگترین زمینه‌های اقتصادی در جهان به حساب می‌آید.

حتی اگر بازارهای میلیاردی صنعت سینما را هم نادیده بگیریم، در همین حوزه نشر و کتاب، حجم پول‌های در گردش بسیار بیش از آن است که بتوان بر آن چشم‌پوشی کرد. کافی است بدانیم، به دنبال تازه‌ترین تحولات بازار اقتصادی آمریکا، با جهش قیمت سهام کمپانی «آمازون»، ارزش مالی این کمپانی از مرز ۷۹۷ میلیارد دلار عبور کرد و بدین ترتیب، با پیشی گرفتن از کمپانی مایکروسافت (به ارزش ۷۸۴ میلیارد دلار) به بزرگترین کمپانی آمریکایی بدل شد. همین مساله که یک کمپانی فروش کتاب به چنین سطح و جایگاهی در بزرگترین اقتصاد جهان رسیده است به خوبی نشان می‌دهد که ظرفیت‌های مالی و اقتصادی صنعت نشر تا چه حد می‌تواند گسترده باشد.

از سوی دیگر، توان اشتغال‌زایی صنعت کتاب، در چندین سطح مختلف بسیار چشم‌گیر است و از نگارش گرفته، تا صنعت چاپ، نشر و سپس توزیع و فروش، یک چرخه بسیار گسترده با مشاغل فراوان مستقیم و غیرمستقیم را تشکیل می‌دهد. ما در این بخش، صرفاً تلاش می‌کنیم تا نگاهی گذرا به بخشی از همین آمارهای اقتصادی صنعت کتاب کشور بیندازیم تا تصویری کلی از ابعاد و ظرفیت‌های آن به دست بیاوریم. در بخش دوم و فصل تحلیل آمارها، تلاش خواهیم کرد تا به مقایسه تطبیقی و تحلیلی ابعاد اقتصادی صنعت نشر کشور در مقایسه با کشورهای بزرگ و صنعتی جهان پردازیم تا ضمن کسب تصویری دقیق‌تر از وضعیت کنونی اقتصاد کتاب در کشور، بتوانیم ظرفیت‌های احتمالی و فرصت‌های آینده را بیشتر شناسایی کنیم.

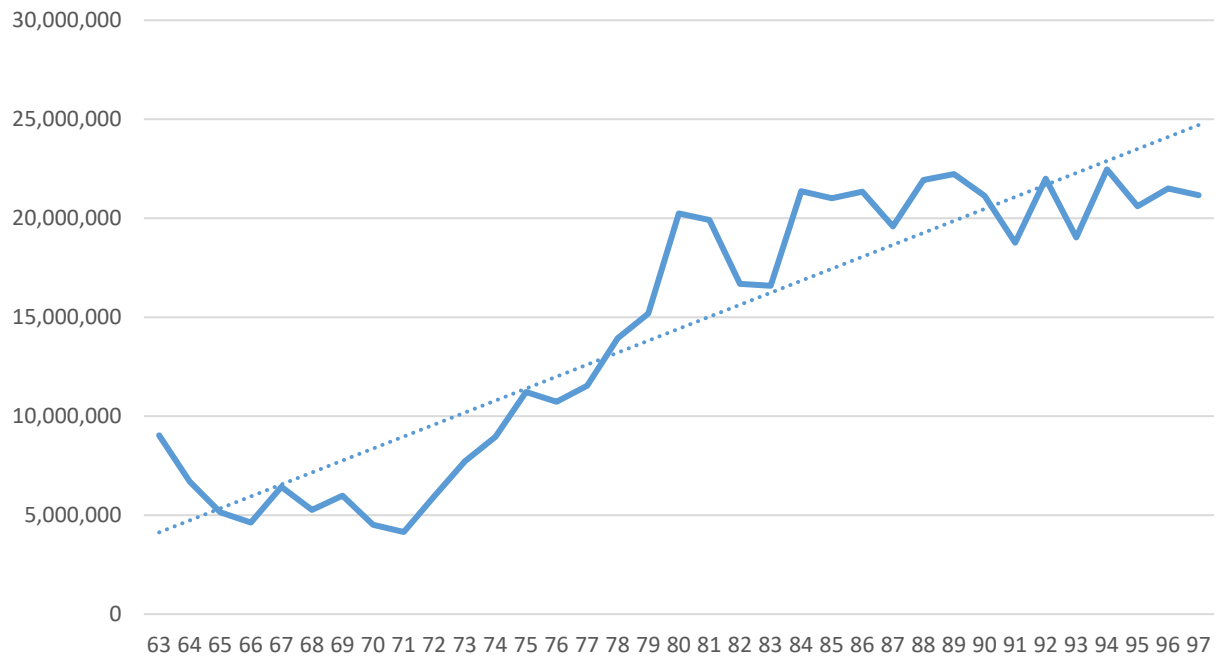
### ۳-۱-الف) حجم فروش کتاب

اگر نمودار حجم فروش کتاب طی سالیان متوالی را ترسیم کنیم، با تقریب خوبی هر ساله شاهد افزایش چشم گیر مجموع نقدینگی حوزه فروش کتاب خواهیم بود که البته بخش عمده‌ای از این رشد سالانه، محصول تورم در اقتصاد کشور و افزایش قیمت‌هاست. برای آنکه بتوانیم دریافت درست تری نسبت به تحولات بازار مالی فروش کتاب به دست بیاوریم، مجموع گردش مالیانه در هر سال را، بر پایه ارزش پولی سال ۱۳۹۶ یکسان‌سازی کردیم. بدین ترتیب، با حذف عامل تورم و تغییر در ارزش پول، می‌توانیم دریافت درست تری نسبت به تغییر ارزش واقعی بازار پولی کتاب طی سالیان گذشته به دست بیاوریم که نتایج این آمار را می‌توان در نمودار شماره ۵ مشاهده کرد.

همان‌گونه که در این نمودار مشاهده می‌شود، پس از پایان سال‌های سخت جنگ، بلافاصله حجم فروش در بازار کتاب با رشد خیره کننده‌ای شروع به رشد کرد و این رشد سریع تا اواخر دهه هشتاد نیز ادامه یافت. پس از آن نیز هرچند با فراز و فرودهای متوالی همراه بود، اما روی هم رفته می‌توان گفت که به نسبت با یک شیب ملایم افزایش پیدا کرد تا در نهایت از مرز ۲۱ هزار میلیارد ریال در سال ۹۷ (البته بر پایه پولی سال ۹۶) عبور کند. اگر نرخ دلار را در سال ۹۶ به صورت میانگین معادل ۴۰ هزار ریال در نظر بگیریم، برای حجم کل فروش کتاب در سال ۹۷ به رقمی بالغ بر ۵۲۹ میلیون دلار می‌رسیم.

بدین ترتیب، هرچند در سال ۹۷، بازار فروش کتاب با درآمد بالغ بر ۲۶ هزار میلیارد ریال، رکورد بالاترین فروش سالانه پس از انقلاب را به ثبت رساند، اما با در نظر گرفتن عواملی همچون تورم و تنظیم قیمت‌ها بر پایه پولی ثابت سال ۹۶ باید گفت که رکورد بیشترین فروش سالانه کتاب در تاریخچه پس از انقلاب متعلق به سال ۱۳۹۴ است که بازار کتاب ایران توانست از رقم ۵۶۱ میلیون دلار نیز فراتر برود. همچنین کمترین فروش سالانه کتاب نیز با همین ترتیب محاسبه، به سال ۱۳۷۱ باز می‌گردد که کل حجم بازار کتاب کشور در مرز ۱۰۳ میلیون دلار متوقف باقی ماند.

نمودار شماره ۵ - حجم فروش سالانه کتاب بر اساس پایه پولی سال ۹۶



جدول مربوط به نمودار شماره ۵	
سال	حجم فروش سالانه کتاب (میلیون ریال)
۱۳۶۵	۵۱۴۷۰۹۰
۱۳۷۵	۱۱۲۲۲۲۰۳
۱۳۸۵	۲۱۰۰۶۴۱۲
۱۳۹۵	۲۰۶۰۴۷۱۰
۱۳۹۷	۲۱۱۶۴۱۷۳

### ۳-۱-ب) سهم صنعت نشر در اشتغال و تولید کشور

بر اساس آمارهای ارائه شده از جانب مرکز آمار ایران در مورد کارگاه‌های صنعتی<sup>۱</sup>، در مجموع ۵۶۷۴ نفر در کارگاه‌های مربوط به چاپ یا خدمات وابسته شاغل هستند که این میزان چیزی حدود ۰,۴۵ درصد شاغلان کل کارگاه‌های صنعتی بیش از ۱۰ نفره کشور را تشکیل می‌دهد.

جدول شماره ۴- شاغلان با مزد و حقوق کارگاه‌های صنعتی ۱۰ نفره و بیش‌تر (۱۳۹۴)			
کل شاغلان			فعالیت
زن	مرد	جمع	
۷۱۶	۴,۳۳۲	۵,۰۴۸	چاپ
۱۲۶	۵۰۰	۶۲۶	فعالیت‌های خدماتی مربوط به چاپ
۸۴۲	۴,۸۳۲	۵,۶۷۴	مجموع شاغلان صنعت چاپ و خدمات آن
۱۳۱,۸۳۰	۱,۱۲۱,۶۳۴	۱,۲۵۳,۴۶۴	مجموع کل شاغلان در تمامی خدمات
۰,۶۴	۰,۴۳	۰,۴۵	درصد شاغلان حوزه چاپ به کل

بر پایه گزارش دیگری از همین مرکز<sup>۲</sup>، مجموع کارکنان حوزه انتشارات در سال ۱۳۹۴ به ۱۱۳۰۸ نفر می‌رسید که این میزان نیز ۰,۲۲ درصد از کل کارکنان را تشکیل می‌دادند. جزییات این آمار را در جدول شماره ۵ می‌توان دید.

<sup>۱</sup> مرکز آمار ایران، گزارش: شاغلان تولیدی و غیر تولیدی با مزد و حقوق کارگاه‌های صنعتی ۱۰ نفر کارکن و بیش‌تر بر حسب جنس و فعالیت: ۱۳۹۴

<sup>۲</sup> تعداد کارکنان کارگاه‌های جامع بازرگانی و خدمات بر حسب نوع مزد و حقوق به تفکیک فعالیت‌های منتخب: ۱۳۹۴

تعداد کارکنان بر حسب نوع مزد و حقوق به تفکیک فعالیت های منتخب - ۱۳۹۴

جدول شماره ۵

شرح فعالیت	جمع	سهم از کل کارکنان	تمام وقت		پاره وقت		بدون مزد	
			تعداد	درصد	تعداد	درصد	تعداد	درصد
فروش و تعمیر وسایل نقلیه موتوری و موتور سیکلت	۶۰۰,۰۵۳	۱۱.۵۹	۱۵۳,۱۹۹	۲۶	۲۷,۸۴۳	۵	۴۱۹,۰۱۱	۷۰
عمده فروشی، به جز وسایل نقلیه موتوری و موتور سیکلت	۳۹۶,۲۸۳	۷.۶۵	۱۶۰,۲۹۹	۴۰	۳۱,۲۵۷	۸	۲۰۴,۷۲۷	۵۲
فرونده فروشی، به جز وسایل نقلیه موتوری و موتورسیکلت	۲,۰۷۰,۸۹۷	۴۰.۰۰	۴۶۰,۸۸۸	۲۲	۱۱۱,۵۹۸	۵	۱,۴۹۸,۴۱۰	۷۳
قائمگاه ها	۴۰,۰۶۸	۰.۷۷	۲۸,۱۹۵	۷۰	۳,۵۹۷	۹	۸,۲۷۵	۲۱
محلهای تهیه و صرف غذا و نوشیدنی	۳۷۳,۹۳۲	۷.۲۲	۱۶۶,۷۳۳	۴۵	۳۴,۵۳۶	۱۲	۱۶۲,۶۶۳	۴۴
فعالیت های انتشاراتی	۱۱,۳۰۸	۰.۲۲	۵,۸۴۱	۵۲	۱,۱۸۰	۱۰	۴,۲۸۷	۳۸
الیت های تولید فیلم سینمایی، ویدیویی و برنامه های تلویزیونی، ضبط صدا و انتشار موسیقی	۱,۱۵۴	۰.۰۲	۷۳۶	۶۴	۱۴۹	۱۳	۲۶۸	۲۳
فعالیت های خدمات مالی، به جز تأمین وجوه بیمه بازنشستگی	۱۳,۳۳۸	۰.۲۶	۱۰,۶۳۴	۸۰	۶۳۹	۵	۲,۰۶۵	۱۵
فعالیت های جنبی خدمات مالی و فعالیت های بیمه	۳۱,۳۴۴	۰.۶۱	۱۱,۰۰۹	۳۵	۴,۹۰۹	۱۶	۱۵,۴۲۶	۴۹
فعالیت های حقوقی و حسابداری	۱۳۳,۱۴۷	۲.۵۷	۵۸,۵۶۳	۴۴	۱۶,۹۶۳	۱۳	۵۷,۶۲۱	۴۳
الیت های دفترهای مرکزی، فعالیت های مشاوره ای مربوط به مدیریت	۵۸,۱۶۰	۱.۱۲	۵۱,۰۸۱	۸۸	۲,۱۳۷	۴	۴,۹۴۲	۸
فعالیت های معماری و مهندسی، تحلیل و آزمایش فنی	۱۱۱,۵۹۷	۲.۱۶	۷۳,۶۳۷	۶۶	۷,۸۵۸	۷	۳۰,۱۰۳	۲۷
تحقیق و توسعه علمی	۸,۳۰۵	۰.۱۶	۵,۲۸۲	۶۴	۲,۰۴۶	۲۵	۹۷۷	۱۲
تبلیغات و بازاریابی	۱۳,۹۲۲	۰.۲۷	۵,۳۴۸	۳۸	۱,۳۲۶	۱۰	۷,۲۴۷	۵۲
بایر فعالیت های حرفه ای، علمی و فنی	۸۱,۳۷۶	۱.۵۷	۲۱,۸۴۶	۲۷	۸,۳۱۱	۱۰	۵۱,۲۱۹	۶۳
فعالیت های دامپزشکی	۲,۸۴۶	۰.۰۵	۷۸۷	۲۸	۴۱۰	۱۴	۱,۶۵۰	۵۸
فعالیت های اجاره داری	۳۳,۳۶۴	۰.۶۴	۶,۱۰۵	۱۸	۴,۶۵۵	۱۴	۲۲,۶۰۴	۶۸
فعالیت های استخدام	۳,۰۴۶	۰.۰۶	۱,۲۷۲	۴۲	۵۸۳	۱۹	۱,۱۹۱	۳۹
خدمت رسانی به ساختمان ها و فضای سبز	۵,۲۸۹	۰.۱۰	۳,۲۶۱	۶۲	۳۲۱	۶	۱,۷۰۸	۳۲
مالیت های اداره دفتر کار، پشتیبانی دفتر کار و سایر فعالیت های پشتیبانی کسب و کار	۳۷,۱۵۵	۰.۷۲	۱۷,۹۲۰	۴۸	۶,۰۳۳	۱۶	۱۳,۲۰۲	۳۶
فعالیت های مربوط به سلامت انسان	۲۷۱,۵۶۳	۵.۲۵	۱۲۲,۰۰۵	۴۵	۷۶,۹۷۱	۲۸	۷۲,۵۸۶	۲۷
فعالیت های مراقبتی در منزل	۷,۶۲۵	۰.۱۵	۴,۰۱۱	۵۳	۲,۳۶۹	۳۱	۱,۲۴۴	۱۶
فعالیت های مددکاری اجتماعی بدون تأمین محل اقامت	۱۰,۶۶۵	۰.۲۱	۴,۹۱۵	۴۶	۱,۹۱۲	۱۸	۳,۸۳۸	۳۶
فعالیت های خلاق، هنر و سرگرمی	۸,۳۶۹	۰.۱۶	۱,۸۸۰	۲۲	۱,۸۱۹	۲۲	۴,۶۶۹	۵۶
یخانه ها، آرشوها، موزه ها و سایر فعالیت های فرهنگی	۴,۱۶۷	۰.۰۹	۲,۱۱۱	۴۴	۱,۰۳۰	۲۲	۱,۰۲۶	۳۴
مالیت های ورزشی و سرگرمی و تفریحی	۵۵,۹۶۲	۱.۰۸	۱۷,۱۹۱	۳۱	۱۸,۳۹۳	۳۳	۲۰,۳۷۸	۳۶
بالت های سازمان های دارای عضویت/تأجاده ها، سازمان های سیاسی و بهی و سازمان های حرفه ای	۲۳۴,۶۰۶	۴.۳۴	۲۲,۶۳۰	۱۰	۲۲,۵۶۷	۱۰	۱۷۹,۴۰۹	۸۰
تعمیر رایانه و کالاها/شخصی و خانگی	۱۲۵,۹۵۷	۲.۴۳	۳۲,۱۳۵	۲۶	۸,۳۰۸	۷	۸۵,۵۱۳	۶۸
سایر فعالیت های خدماتی شخصی (شستشوی منسوجات، آرایش و پیرایش، تدفین و ...)	۳۱۸,۴۴۲	۶.۱۵	۷۹,۸۹۲	۲۵	۳۹,۰۴۰	۱۲	۱۹۹,۵۱۰	۶۳
آموزش	۱۲۲,۷۰۶	۲.۳۷	۴۱,۴۸۴	۳۴	۵۷,۱۹۴	۴۷	۲۴,۰۲۷	۲۰
جمع کل	۵,۱۷۷,۲۴۴	۱۰۰	۱,۵۷۰,۸۸۱	۳۰	۵۰۵,۹۵۵	۱۰	۳,۱۰۰,۴۰۸	۶۰

## بخش دوم: تحلیل وضعیت

با ارائه یک تصویر کلی، از بخش‌های مختلف صنعت کتاب در بخش نخست، اکنون فرصت آن را داریم که با دقت بیشتری به تحلیل وضعیت فعلی این صنعت پردازیم. بی‌تردید، برای رسیدن به پاسخ‌های مفید و سازنده در باب وضعیت صنعت نشر کشور، نخستین و ضروری‌ترین گام، طرح پرسش‌های درست و دقیق است. پرسش‌هایی که در درجه نخست، نه برآمده از کلیشه‌ها و تصورات ذهنی و غیردقیق، بلکه مستند به آمارهای دقیق و واقعی باشند. در درجه دوم، این پرسش‌ها باید معطوف به چالش‌ها و دغدغه‌هایی باشند که جهت‌گیری‌های کلان صنعت نشر کشور را هدف قرار داده‌اند.

ارائه آمارهای بخش نخست، به خودی خود فرصت کنار گذاشتن برخی تصورات اشتباه را فراهم ساخته است که در ادامه بار دیگر به آن‌ها اشاره خواهیم کرد. همچنین، مطابق با همان تقسیم‌بندی ارائه شده در بخش نخست، در بخش دوم نیز تلاش خواهیم کرد که تحلیل‌های خود را در سه فصل کلان تولید، توزیع و اقتصاد نشر ارائه کنیم و در هر بخش به موارد و مستندات آن که از بخش پیشین به دست آورده‌ایم ارجاع دهیم. بدین منظور، در هر فصل، چندین پرسش مطرح خواهیم کرد که متناسب و برآمده از آمارهای بخش نخست هستند و تلاش می‌کنیم تا با تحلیل و سنجش آمارها، به پاسخ‌هایی تحلیلی برای این پرسش‌ها دست یابیم.

در نهایت اینکه، هر یک از فصول سه‌گانه این بخش را با یک جمع‌بندی و نتیجه‌گیری خلاصه در مورد موضوع فصل به پایان خواهیم رساند؛ با این حال، همچنان جای خالی برخی از موضوعات و دغدغه‌های صنعت کتاب خالی خواهد ماند که اشاره به این موارد و بررسی مختصر آن‌ها را به بخش جمع‌بندی نهایی، همراه با ارائه پیشنهادات و انتقادات خود موکول خواهیم کرد.

۲-۱: الف) آیا آمار نشر کتاب در حال افول است؟

یکی از پر بسامدترین اخبار حوزه کتاب در رسانه‌های کشور ما، هشدار نسبت به سقوط آمار نشر، کاهش فروش کتاب و البته نرخ نازل سرانه مطالعه در کشور است. تقریباً روزی نیست که رسانه‌ای به خبری مشابه از این دست اشاره نکند و اگر ادعا کنیم «کتاب‌نخوانی ایرانیان» یک باور مسلط و تثبیت شده در فضای رسانه‌ای کشور است چندان گزافه نگفته‌ایم. برای مثال، باشگاه خبرنگاران جوان در شهریورماه ۹۸ گزارشی آماری منتشر کرد با عنوان «صنعت نشر در سراسری سقوط»<sup>۱</sup>. پاییز همان سال وبسایت سلامنو گزارشی مشابه منتشر کرد با تیتر: «بازار کتاب همچنان در سقوط»<sup>۲</sup> و روزنامه دنیای اقتصاد نیز در مردادماه ۹۹ با تیتر کنایی «ترس و لرز در بازار کتاب»<sup>۳</sup> گزارشی با محتوای مشابه از آمارهای صنعت نشر به چاپ رساند.

باید اعتراف کرد که تمامی این گزارش‌ها از آمارهای دقیق و درستی استفاده کرده‌اند که همواره و با جزییات از جانب خانه کتاب منتشر شده‌اند. یعنی دقیقاً همان منبعی که ما نیز آمارهای خود را از آن استخراج کرده‌ایم؛ اما آیا نتیجه‌گیری و تحلیل ارائه شده بر پایه مشاهده ظاهری این آمارها درست بوده است؟

<sup>1</sup> <https://www.yjc.ir/fa/news/7071963/%D8%B5%D9%86%D8%B9%D8%AA-%D9%86%D8%B4%D8%B1-%D8%AF%D8%B1-%D8%B3%D8%B1%D8%A7%D8%B4%DB%8C%D8%A8%DB%8C-%D8%B3%D9%82%D9%88%D8%B7-%D8%AA%D8%B9%D8%AF%D8%A7%D8%AF-%D8%B5%D9%81%D8%AD%D9%87%E2%80%8C%D9%87%D8%A7%DB%8C-%DA%A9%D8%AA%D8%A8-%D9%87%D9%85-%DA%A9%D8%A7%D9%87%D8%B4-%DB%8C%D8%A7%D9%81%D8%AA>

<sup>2</sup> <https://www.salameno.ir/news/34902245/%D8%A8%D8%A7%D8%B2%D8%A7%D8%B1-%DA%A9%D8%AA%D8%A7%D8%A8-%D9%87%D9%85%DA%86%D9%86%D8%A7%D9%86-%D8%AF%D8%B1-%D8%B3%D9%82%D9%88%D8%B7>

<sup>3</sup> <https://donya-e-eqtasad.com/%D8%A8%D8%AE%D8%B4-%D9%81%D8%B1%D9%87%D9%86%DA%AF-%D9%87%D9%86%D8%B1-32/3675140-%D8%AA%D8%B1%D8%B3-%D9%84%D8%B1%D8%B2-%D8%AF%D8%B1-%D8%A8%D8%A7%D8%B2%D8%A7%D8%B1-%DA%A9%D8%AA%D8%A7%D8%A8>



البته که پیشتر از این و در بخش نخست اشاره کردیم که حجم کلی تولید کتاب طی سال‌های ۸۴ تا ۹۷ هر ساله با کاهش نسبی همراه بوده است<sup>۱</sup> و این حقیقتی انکارناشدنی است؛ اما دقت در جزئیات آمارها، همان‌گونه که پیشتر نیز بدان اشاره شد مشخص می‌کند که این کاهش، لزوماً در تمامی رده‌های بازار کتاب رخ نداده است. حال برای واکاوی بیشتر این مساله، فرضیه‌ای را در نظر می‌گیریم که مستند به نمودار شماره ۴ است. سپس با آزمون‌هایی صحت این فرضیه را به سنجش می‌گذاریم.

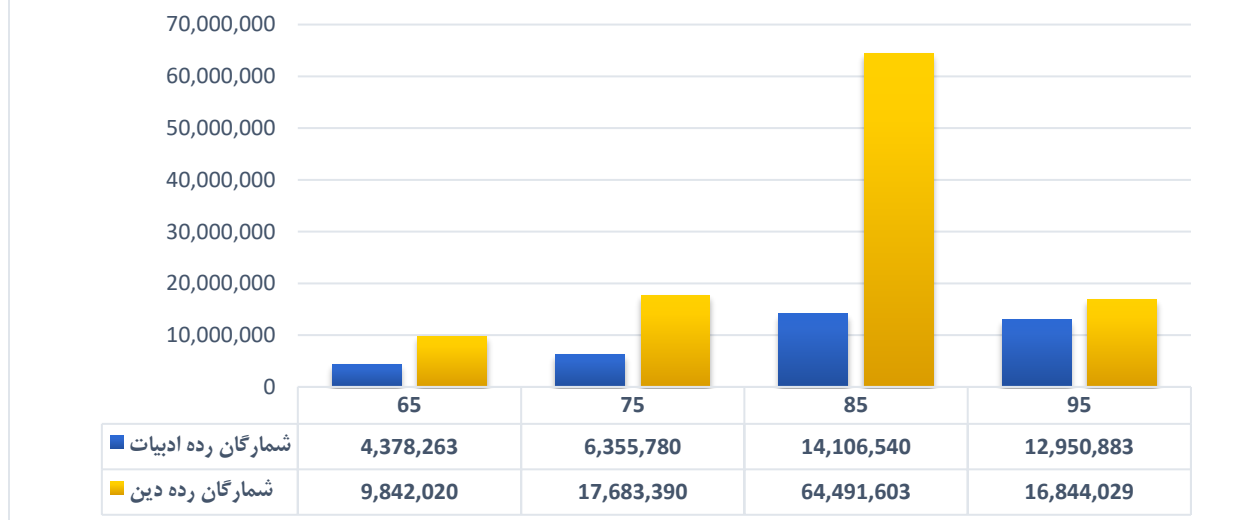
با مشاهده نمودار شماره ۴ که به سرانه شمارگان کتاب نسبت به جمعیت کشور اختصاص دارد، آشکارا در می‌یابیم که روند طبیعی و قابل انتظار این نمودار در سال ۸۵ با یک جهش ناگهانی مختل شده است. جهشی که می‌تواند از یک تحول و اثرگذاری عامل بیرونی حکایت داشته باشد. به یاد داریم که در جریان انتخابات ریاست جمهوری سال ۸۴، جریان حاکم بر دولت و در نتیجه سیاست‌گذاری‌های آن دستخوش یک چرخش جدی شد، پس عجیب نیست اگر بلافاصله احتمال بدهیم عامل موثر اما بیرونی که در روند معمول صنعت نشر کشور یک اختلال جدی ایجاد کرده، احتمالاً تحت تاثیر همین تحول کلان در جریان سیاست‌های دولتی باشد.

با چنین فرضیه‌ای، ما تحول در آمارهای شمارگان را، به صورت جزئی‌تر، برای دو زیر رده «ادبیات» و «مذهب» به زیر ذره‌بین بردیم. در واقع، با توجه به رویکرد دولت برآمده از دل انتخابات سال ۸۴، ما فرض را بر آن گرفتیم که سیاست‌های دولتی مداخله‌گر در بازار نشر در این سال، باید چرخشی آشکار به سمت حمایت از توسعه کتاب‌های رده دین داشته باشد، در حالی که احتمالاً کتاب‌های رده ادبیات نباید دچار تغییری جدی شده باشند. نتایج به دست آمده که در نمودار شماره ۵ قابل مشاهده هستند، دقیقاً این فرضیه ما را تایید می‌کنند:

---

<sup>۱</sup> ن.ک به نمودار شماره ۱

### نمودار شماره ۵ - مقایسه تغییرات در شمارگان رده ادبیات و دین



همان‌گونه که مشاهده می‌شود، جهش خیره‌کننده آمار نشر در سال ۸۵، بیشتر متمرکز بر کتاب‌های رده دینی بوده است و مشخصاً می‌تواند حکایت از یک دخالت دستوری و غیرمعمول دولتی داشته باشد. طبیعتاً اثرات این دخالت غیرطبیعی به سال ۸۵ محدود باقی نمی‌ماند و تا چند سال پس از آن نیز هرچند با نرخ کمتر همچنان ادامه می‌یابد. بدین ترتیب، آنچه در ظاهر، جهش تولید کتاب در سال ۸۵، و سپس نزول آمار نشر در سال‌های پس از ۸۵ خواننده می‌شود را می‌توان عوارض یک تصمیم مداخله‌جویانه دولتی قلمداد کرد که تا سال‌ها بعد عواقب آن همچنان بازار نشر کتاب را آشفته ساخته بود.

با در نظر گرفتن چنین عاملی، شاید بتوان پاسخ متفاوتی به نخستین پرسش این فصل داد: به نظر می‌رسد، روندی که در سال‌های پس از ۸۵ شاهد آن بودیم، بسیار بیش از آنکه سقوط آمار کلی نشر کتاب در کشور باشد، نوعی حرکت به سمت تعدیل سیاست‌های مداخله‌گرانه دولتی، و به بیان دیگر، واقعی‌تر شدن شمار نشر کتاب بوده است. این وضعیت، بیش از هر حوزه دیگری، با سقوط چشم‌گیر شمارگان در رده‌های «دین» و «کلیت» مطابقت دارد و همان‌طور که در بخش نخست اشاره شد، در طول سال‌های اخیر، با افزایش شمارگان کتاب در رده‌های ادبیات، فلسفه، علوم علمی و علوم اجتماعی همراه شده است.

از سوی دیگر، دو عامل چشم‌گیر را نیز باید در کاهش شمارگان کتاب‌ها دخیل دانست. نخستین مساله، تغییر فرهنگ خرید و مطالعه کتاب، از سمت کتاب‌های چاپی، به سمت نسخه‌های الکترونیک و صوتی است. با گسترش فن‌آوری‌های جدید، گرایش به سمت نسخه‌های الکترونیک به یکی از بزرگترین تحولات در صنعت جهانی نشر بدل شده است و اساساً می‌رود تا معنای جدیدی به بازار کتاب در سطح جهانی ببخشد. یعنی بازاری که تا پیش از این با صنعت «چاپ و نشر» در تقارن کامل قرار داشت، اما رفته رفته راه خود را از این صنایع سنتی جدا می‌کند.

متأسفانه، ما هیچ‌گونه آماری در مورد شمارگان کتاب‌های الکترونیک و صوتی در دست نداریم. حتی قوانین و دستگاه‌های نظارتی کشور نیز هنوز نتوانسته‌اند متناسب با این تحول در جهان فن‌آوری خود را به روزرسانی کنند. بسیاری از نویسندگان و حتی ناشران در مواجهه با قراردادهای الکترونیک دچار چالش‌های جدی شده‌اند. نه الگوی درستی برای سنجش هزینه تمام شده انتشار این کتاب‌ها و در نتیجه سهم متناسب و منصفانه خود از قیمت فروش در اختیار دارند، و نه ابزار نظارتی کافی برای حصول اطمینان از شمارگان فروش رفته در وبسایت‌های مخصوص. یا این حال، تنها به مدد رشد و توسعه شتابان همین مجموعه‌های فروش الکترونیک، می‌توان حدس زد که اقبال خوانندگان به قدری گسترده بوده است که یک بازار رقابتی گسترده را در هر دو زمینه نسخه‌های الکترونیک و نسخه‌های صوتی ایجاد کند.

در حال حاضر، در زمینه نسخه‌های الکترونیک، حداقل دو فروشگاه بسیار بزرگ «فیدیبو»<sup>۱</sup> (با بیش از ۴۲ هزار عنوان کتاب) و «طاقچه»<sup>۲</sup> (با بیش از ۵۵ هزار عنوان کتاب) با یکدیگر رقابت می‌کنند. در کنار این دو، چندین فروشنده خرد دیگر نیز فعالیت می‌کنند که در مواردی حتی نسخه‌های خود را غیرقانونی و بدون رعایت حق مولف در اختیار مخاطبان‌شان قرار می‌دهند.

در زمینه تهیه و فروش نسخه‌های صوتی نیز رونق بازار به حدی گسترده بوده که نه تنها چندین و چند کمپانی اختصاصی برای تولید کتاب‌های صوتی با کیفیت‌های بسیار مناسب با یکدیگر رقابت می‌کنند، بلکه سودآوری این بازار به حدی بوده که این تهیه‌کنندگان را برای جلب چهره‌های شاخص و بازیگران و هنرمندان سینما و تلویزیون نیز

---

<sup>1</sup> <https://fidibo.com/>

<sup>2</sup> <https://taaghche.com/>

ترغیب کرده است. اتفاقی که نشان می‌دهد تنها فروش و اقبال بسیار بالای مخاطبان است که توانسته هزینه‌های گراف استفاده چین چهره‌هایی با دست‌مزدهای بسیار بالا را مقرون به صرفه سازد.

بدین ترتیب، کاهش شمارگان کتاب‌های چاپی، لزوماً نمی‌تواند مترادف کاهش شمارگان انتشار کتاب قلمداد شود. بلکه تا حدودی نیز می‌تواند نشان‌گر تغییر فرهنگ انتشار و همچنین مطالعه کتاب، از نسخه‌های سنتی و چاپی، به سمت نمونه‌های جدیدتر باشد. اتفاقی که در صورت صحت، نه تنها مایه نگرانی نیست، بلکه اتفاقاً می‌تواند نشان از پیشگامی صنعت نشر کشور در تطبیق خود با نیازهای شتابان فن‌آوری‌های الکترونیک باشد. به ویژه، با در نظر گرفتن دغدغه‌های محیط زیستی، نگرانی در باب تخریب جنگل‌ها بابت تولید کاغذ، و البته، مشکلات تهیه کاغذ در دوران تحریم، اتفاقاً باید از همه جهت به فال نیک گرفته شود.

۲-۱:ب) چرا میانگین شمارگان کتاب‌ها در حال کاهش است؟

از کنار هم قرار گرفتن آمارهای نمودار شماره ۱ با نمودار شماره ۲، یک نتیجه ساده می‌توان گرفت: وقتی شمارگان کل به نسبت در حال کاهش، اما تعداد عناوین با سرعت در حال افزایش است، پس میانگین شمارگان هر عنوان کتاب به صورت مداوم رو به کاهش خواهد بود. این نتیجه‌ای است که آمارهای آن را می‌توان در نمودار شماره ۳ نیز مشاهده کرد.

همین اتفاق ساده، به تحلیل‌ها و گاه حتی جنجال‌های گسترده‌ای در فضای رسانه‌ای و حتی ادبی و هنری کشور بدل شده است. بسیاری از منتقدان باور دارند دلیل کاهش میانگین شمارگان کتاب، افول سطح کیفی آثار منتشر شده است. بدین معنا که دیگر هیچ نویسنده‌ای نمی‌تواند با کتاب خود نظر بخش بزرگی از مخاطبان را جلب کرده و به فروش‌های بالا دست پیدا کند. این گروه نتیجه می‌گیرند که برای مثال، دوران اوج ادبی و هنری کشور ما سپری شده و به سال‌های دوری تعلق دارد که در جریان آن برخی کتاب‌ها موفق می‌شدند دایره بسیار گسترده‌ای از مخاطبان را به خود جلب کنند.

مخالفان این استدلال اما باور دارند که کیفیت نشر کتاب در کشور از هر نظر افزایش پیدا کرده است. از یک سو، پیشرفت فن‌آوری، با افزایش چشم‌گیر در کیفیت چاپ، کیفیت کاغذ، جلد، طراحی و حروف‌چینی همراه بوده است

و از سوی دیگر، رشد سواد، افزایش تحصیلات دانشگاهی، گسترش نهادهای علمی و البته نظارت‌های عمومی، به ویژه در فضای رسانه‌ای جدید، امکان عرضه محتواهای بی کیفیت را روز به روز دشوارتر می‌سازد. اگر چنین باشد، همچنان باید پرسید: پس دلیل کاهش مداوم میانگین شمارگان کتاب‌ها در چیست؟

به نظر می‌رسد، می‌رسد، بخش بزرگی از پاسخ به این سوال، دقیقا در دل همین تحولات حوزه فن آوری و پیشرفت‌های صنعت چاپ نهفته باشد. در نمونه‌های سنتی، بخش قابل توجهی از هزینه‌های چاپ کتاب، مصروف حروف‌چینی و تهیه لوازم چاپ نخست کتاب می‌شد. این هزینه‌ها به قدری گزاف بود که ناشران ترجیح می‌دادند هر بار که کتابی را به دست چاپ می‌سپارند، با افزایش شمارگان آن، هزینه‌های گزاف تولید را به نوعی سرشکن کنند.

دقیقا با همین استدلال، فرآیند پذیرش یک کتاب به قصد چاپ از جانب ناشران بسیار دشوار بود. در واقع، آن‌ها تلاش می‌کردند تا از میان آثار متعددی که دریافت می‌کنند، تنها بهترین‌ها را انتخاب و چاپ کنند تا احتمالا بابت سرمایه قابل توجهی که صرف چاپ کتاب می‌کنند متضرر نگردند. بدین ترتیب، تعداد عناوین همواره اندک و در مقابل شمارگان هر کتاب بیشتر می‌شد.

با تحول در فن آوری صنعت چاپ و کاهش هزینه‌های صفحه‌بندی و انتشار اولیه، این سنت قدیمی نیز به مرور در میان ناشران کمرنگ شد. حال دیگر هزینه چاپ اول یک کتاب تقریبا هیچ تفاوتی با چاپ‌های بعدی آن ندارد. این مساله ناشران را ترغیب کرده است تا به صورت مداوم شمارگان کتاب‌های چاپ نخست خود را کاهش دهند. چنین تصمیمی، از دو جهت برای ناشر مزیت حساب می‌شود. نخست اینکه با کاهش شمارگان (تا سرحد ۵۰۰ و گاه حتی ۱۰۰ نسخه) سرمایه‌گذاری خود را کاهش داده و خطر شکست در این سرمایه‌گذاری را نیز به حداقل می‌رسانند. از سوی دیگر، رسیدن کتاب‌ها به چاپ‌های دوم و سوم و بعدی، خود نوعی تبلیغ جذاب برای ناشران به حساب می‌آید. معمولا هم کمتر کسی جويا می‌شود که کتاب مورد نظر، با شمارگان ۵۰۰ نسخه به چاپ دوم رسیده یا شمارگان ۵۰۰۰ نسخه!

اتفاقا این وضعیتی است که در بسیاری از کشورهای دیگر جهان نیز کاملا به چشم می‌آید. برای مثال، در گزارش سالانه مجله «فرانکفورتر» از وضعیت صنعت نشر در کشور هندوستان آمده است: «صرف نظر از محدود موارد موفق و استثنایی، عناوین کتاب‌های غیرآموزشی در هندوستان به ندرت از شمارگان ۲۰۰۰ نسخه در چاپ نخست فراتر

می‌روند و کتابی که بتواند از مرز فروش ۱۰ هزار نسخه عبور کند یک کتاب پرفروش (Bestseller) به شمار می‌آید». (Frankfurter Buchmesse, India, 2012&2013, p5)

از سوی دیگر، با فراهم شدن امکان چاپ کتاب در شمارگان محدود، ناشران به سمت جذب هرچه بیشتر نویسندگان روی آورده‌اند. حال دیگر نیازی نیست که تلاش کنند از بین چندین پیشنهاد، فقط یکی را برای انتشار بفرستند. افزایش تعداد عناوین کتاب، به معنای آن است که ناشر می‌تواند تشخیص نهایی کتاب مورد نظر را به سلیقه بازار محول کرده و از این نظر نیز شانس خود را برای موفقیت افزایش دهد. بدین ترتیب، شاهد آن هستیم که شمار عناوین و همچنین نویسندگان روز به روز در حال افزایش است، هرچند میانگین شمارگان کتاب‌های آن‌ها در حال کاهش باشد.

ناگفته پیداست که با این افزایش چشم‌گیر در شمار عناوین چاپ نخست، مخاطبان و خوانندگان کتاب نیز به صورت مداوم با گزینه‌های متنوع‌تری برای مطالعه مواجه می‌شوند. یعنی به صورت متقابل، شانس اینکه یک کتاب را تعداد بیشتری از خوانندگان مطالعه کنند کاهش پیدا می‌کند. این مساله، به خودی خود نمی‌تواند حاکی از کاهش کیفیت آثار منتشر شده باشد. به ویژه آنکه در همین بازار نیز همچنان کتاب‌های متعددی هستند که به شمارگان‌های بسیار بالا و گاه خیره‌کننده‌ای دست پیدا می‌کنند.

۲-۱:ج) نسبت مطالعه ایرانیان به دیگر کشورهای جهان چگونه است؟

دغدغه دیگری که برای سالیان سال ذهن بسیاری از دست‌اندرکاران حوزه فرهنگ را به خود مشغول ساخته، چالش سرانه مطالعه در کشور است. آمارهای گاه و بی‌گاهی خبر از سرانه مطالعه بسیار اندک ایرانیان در نسبت با سایر کشورهای جهان می‌دهند. این خبرها گاه چنان اذهان را پریشان می‌کند که حتی برخی از نهادها به فکر آمارسازی‌های عجیب و غریب برای افزایش کاذب سرانه مطالعه می‌افتند. وارد کردن سرانه مطالعه قرآن و کتب ادعیه، یکی از نمونه‌های این تلاش‌ها بود تا به هر نحو ممکن فشار روانی آمار سرانه مطالعه تا حدودی تعدیل شود؛ اما آیا وضعیت واقعا به همین میزان بحرانی است؟ یعنی آیا اساسا این صورت مساله درست طرح شده یا بار دیگر با یکی از کلیشه‌ها و باورهای نادرست در فضای رسانه‌ای مواجه هستیم؟

جدول شماره ۶		
سرانه مطالعه در هفته (بر پایه ساعت)	نام کشور	
۱۰:۴۲	هندوستان	۱
۹:۲۴	تایلند	۲
۸:۰۰	چین	۳
۷:۳۶	فیلیپین	۴
۷:۳۰	مصر	۵
۷:۲۴	جمهوری چک	۶
۷:۰۶	سوئد	۷
۶:۵۴	فرانسه	۸
۶:۴۸	مجارستان	۹
۶:۴۸	عربستان سعودی	۱۰
۶:۴۲	هنگ کنگ	۱۱
۶:۳۰	لهستان	۱۲
۶:۲۴	ونزوئلا	۱۳
۶:۱۸	آفرقای جنوبی	۱۴
۶:۱۸	استرالیا	۱۵
۶:۰۰	اندونزی	۱۶
۵:۵۴	آرژانتین	۱۷
۵:۵۴	ترکیه	۱۸
۵:۴۸	اسپانیا	۱۹
۵:۴۸	کانادا	۲۰
۵:۴۲	آلمان	۲۱
۵:۴۲	آمریکا	۲۲
۵:۳۶	ایتالیا	۲۳
۵:۳۰	مکزیک	۲۴
۵:۱۸	انگلستان	۲۵

واقعیت این است که نه تنها در نمونه‌های وطنی، بلکه در اغلب گزارش‌های جهانی نیز آمارهای مربوط به سرانه مطالعه، بیشتر متکی بر پیمایش‌ها و نظرسنجی‌هایی هستند که بر پایه خوداظهاری مخاطبان استوار می‌شوند. جالب اینجاست که در اغلب نتایج این پیمایش‌های جهانی، کشورهایی در صدر فهرست بر مطالعه‌ترین مردمان جهان قرار می‌گیرند که ابا انتظارش را نداریم. در جدول شماره ۶، نشان‌گر نتایج یکی از جدیدترین پیمایش‌های جهانی<sup>۱</sup> از وضعیت سرانه مطالعه هفتگی برای کشورهای مختلف جهان است.

در همین نگاه نخست، پذیرش سرانه مطالعه نزدیک به ۱۱ ساعت در هفته برای کشوری همچون هندوستان، آن هم جلوتر از پیشرفته‌ترین کشورهای جهان به خودی خود می‌تواند محل تعجب و شگفتی باشد. اگر بدانیم به گزارش یونسکو، درصد باسوادی در هندوستان چیزی در حدود ۷۴٫۴ درصد<sup>۳</sup> است، باور به این سطح از مطالعه کمی دشوارتر هم می‌شود.

<sup>1</sup> <https://www.statista.com/chart/6125/which-countries-read-the-most/>

<sup>2</sup> <https://www.worldatlas.com/articles/the-countries-that-read-the-most.html>

<sup>3</sup> رقم مشابه گزارش شده از جانب یونسکو برای ایران ۸۶٫۸ درصد است.

اما برای آنکه بتوانیم از سطح حدس و گمان فراتر رفته و به شاخص‌های قابل اتکاتری دست پیدا کنیم، می‌توانیم به دومین شیوه رایج برای تخمین سرانه مطالعه مراجعه کنیم. شیوه‌ای که در آن، شمار تولید و عناوین کتاب‌ها را با یک تخمین قابل قبول، برآیندی از سرانه مطالعه به شمار می‌آورند. برای افزایش دقت این شیوه محاسبه، باید شمارگان فروش کتاب را در «ضریب گردش» کتاب ضرب کنیم. ضریبی که مشخص می‌کند هر کتاب خریداری شده را احتمالاً چند نفر مطالعه می‌کنند. از آنجا که ما فعلاً این ضریب را در مورد کشورهای مختلف در اختیار نداریم، با یک فرض کلی، نقش‌آفرینی آن را ثابت در نظر می‌گیریم و محاسبه خود را صرفاً بر اساس میزان تعداد عناوین کتاب‌ها قرار می‌دهیم که آمار آن برای کشورهای مختلف جهان از منابع مختلف در دسترس است. در جدول شماره ۷ می‌توان برترین کشورهای جهان را بر اساس شمار عناوین سالانه کتاب مشاهده کرد.

همان‌گونه که مشاهده می‌شود، سرانه تولید عناوین کتاب در کشور ما به نسبت کشورهای جهان در جایگاه قابل قبولی قرار دارد. همچنین کشورهایی مانند هند و چین که پیشتر در فرم نظرنسجی‌های ساعت مطالعه جایگاه برتر را به خود اختصاص داده بودند در این رتبه بندی حتی جزو ۲۰ کشور نخست دنیا هم قرار نمی‌گیرند. (سرانه عناوین کتاب در چین ۳۳۵ و در هندوستان از این هم کمتر است)

البته ممکن است این شائبه ایجاد شود که از آمار تعداد عناوین نمی‌توان حجم کلی کتاب‌ها را دریافت. ممکن است میانگین شمارگان کتاب‌ها در این کشورها بیشتر باشد. در پاسخ به این ابهام، ابتدا باید گفت که ما پیشتر به گزارش‌هایی از سرانه شمارگان در کشور هندوستان اشاره کردیم که ابدا تفاوت قابل ذکری با کشور خودمان نداشت. از سوی دیگر و در بخش تحلیل‌های اقتصادی، همین آمارها را بر اساس حجم درآمدهای ناشی از فروش کتاب بار دیگر بررسی خواهیم کرد که نتایج نهایی با نتایج جدول شماره ۷ همخوانی قابل قبولی دارد. با این حال، پیش از پرداختن به این مساله، تلاش می‌کنیم تا با اتکا به آمارهای داخلی و از روش محاسبه شمارگان کتاب، تخمینی از سرانه مطالعه در کشور خودمان به دست بیاوریم.



## جدول شماره ۷

### برترین کشورها از نظر انتشار عناوین جدید کتاب (منبع IPA)

سرانه عناوین (به یک میلیون جمعیت)	جمعیت کشور (۲۰۱۵)	تعداد عناوین سال ۲۰۱۵	
۲۷۱۰	۶۳,۸۴۳,۸۵۶	۱۷۳,۰۰۰	۱ انگلستان
۲,۶۲۸	۳۳۶,۷۲۸	۸۸۵	۲ ایسلند
۲۳۲۶	۵,۶۶۱,۷۲۳	۱۳,۱۷۰	۳ دانمارک
۱,۶۴۳	۶۴,۹۸۲,۸۹۴	۱۰۶,۷۶۰	۴ فرانسه
۱۵۵۲	۴۷,۱۹۹,۰۶۹	۷۳,۲۳۳	۵ اسپانیا
۱,۵۴۳	۸,۲۳۸,۶۱۰	۱۲,۷۱۱	۶ سوئیس
۱۴۰۵	۱۶,۸۴۴,۱۹۵	۲۳,۶۵۸	۷ هلند
۱,۲۶۸	۵,۱۴۲,۸۴۲	۶,۵۲۱	۸ نروژ
۱۰۸۴	۸۲,۵۶۲,۰۰۴	۸۹,۵۰۶	۹ آلمان
۱,۰۷۸	۶۱,۱۴۲,۲۲۱	۶۵,۸۸۶	۱۰ ایتالیا
۱۰۴۳	۳۲۵,۱۲۷,۶۳۴	۳۳۸,۹۸۶	۱۱ آمریکا
۹۰۹	۴۹,۷۵۰,۲۳۴	۴۵,۲۱۳	۱۲ کره جنوبی
۷۶۵	۲۹,۸۹۷,۷۴۱	۲۲,۸۶۷	۱۳ عربستان سعودی
۶۸۷	۴۲,۱۵۴,۹۱۴	۲۸,۹۶۶	۱۴ آرژانتین
۶۵۶	۹,۶۹۳,۸۱۳	۶,۳۶۰	۱۵ سوئد
۶۴۰	۵,۴۶۰,۵۹۲	۳,۴۹۳	۱۶ فنلاند
۶۲۷	۷۹,۹۲۶,۲۷۰	۵۰,۱۴۱	۱۷ ایران
۶۰۳	۱۲۶,۸۱۸,۰۱۹	۷۶,۴۴۵	۱۸ ژاپن
۴۵۹	۱۱,۱۸۳,۴۱۱	۵,۱۳۰	۱۹ بلژیک
۴۳۵	۲۰۳,۶۵۷,۲۱۰	۸۸,۶۸۵	۲۰ برزیل

در مورد سرانه مطالعه در کشور ما، آمارهای فراوان و غالباً متفاوتی منتشر می‌شود. در یک نمونه، نشریه «تهران تایمز»<sup>۱</sup> با استناد به یک گزارش جهانی<sup>۲</sup> سرانه مطالعه ایرانیان را به طور متوسط ۱۳ دقیقه در روز اعلام کرد. این عدد دقیقاً اتفاقاً دقیقاً همان رقمی بود که سیدعباس صالحی، وزیر وقت فرهنگ و ارشاد در آبان‌ماه سال ۹۸ اعلام کرد و آن را برگرفته از پیمایش انجام شده از جانب وزارت‌خانه معرفی کرد.

از سوی دیگر، شورای عالی انقلاب فرهنگی، در سال ۹۶ پژوهش جامعی را با عنوان «گزارش رصد فرهنگ رفتاری خانواده ایرانی» منتشر ساخت که بخشی از این گزارش نیز به سرانه مطالعه ایرانیان پرداخته بود. بر پایه این گزارش، حدود ۵۸ درصد افراد ۱۵ ساله و بیشتر باسواد (معادل حدوداً ۵۶۲،۰۸۰،۵۳ نفر) طی سال قبل از آمارگیری، مطالعه کتاب غیردرسی داشته‌اند. این گزارش همچنین سرانه مطالعه کتاب غیردرسی افراد ۱۵ ساله و بیشتر را ۷ ساعت و ۴۱ دقیقه در ماه اعلام کرد و البته افزود که از این میزان سرانه ماهانه مطالعه قرآن و ادعیه، ۳ ساعت و ۷ دقیقه بوده است. با کسر زمان مطالعه قرآن و ادعیه، روایت شورای عالی انقلاب فرهنگی از مطالعه ایرانیان نیز به ۴ ساعت و ۳۴ دقیقه در ماه، یا چیزی حدود ۹ دقیقه در روز می‌رسد که از آمارهای قبلی هم کمتر است.

ما در اینجا تلاش می‌کنیم تا با ارائه یک فرمول تخمینی، ارقام ارائه شده توسط این گزارش‌ها را مورد آزمون قرار دهیم. به همین منظور، آمارهای کتاب در همان سال ۹۶ را معیار قرار می‌دهیم که در گزارش شورای عالی انقلاب فرهنگی مطرح شده است.

بنابر آمار اعلام شده از جانب خانه کتاب، مجموع شمارگان منتشر شده در سال ۹۶ به ۱۴۴۷۴۳۱۰۴ جلد کتاب رسیده است. با تقسیم این عدد، به جمعیت «افراد ۱۵ سال و بیشتر» که در گزارش شورای عالی انقلاب فرهنگی معیار بوده، به سرانه ۲،۷۳ کتاب برای هر نفر می‌رسیم. (جالب است بدانیم این آمار برای کشور آمریکا نیز دقیقاً ۲،۷ کتاب است) از سوی دیگر و باز هم بنابر گزارش‌های خانه کتاب، میانگین صفحات برای هر عنوان کتاب منتشر شده در سال ۹۶ به ۲۳۰ صفحه می‌رسد. یعنی هر ایرانی، در سال ۹۶ تقریباً چیزی حدود ۶۲۷ صفحه کتاب مطالعه کرده است.

<sup>1</sup> Tehran Times

<sup>2</sup> <https://www.worldatlas.com/articles/the-countries-that-read-the-most.html>

برای تبدیل کردن تعداد صفحات مطالعه شده به زمان مطالعه، نیاز داریم که میانگینی از سرعت مطالعه نیز در دست داشته باشیم. در تحقیقات مختلف، سرعت مطالعه در زبان فارسی را بین ۱۵۰ تا ۲۰۰ کلمه در دقیقه تخمین می‌زنند. طبیعتاً این میزان برای متون متفاوت (علمی، ادبی و ...) و برای افراد مختلف تفاوت خواهد داشت، اما ما فعلاً همان ۱۵۰ کلمه را معیار قرار می‌دهیم. از سوی دیگر، تعداد کلمات چاپ شده در هر صفحه کتاب نیز متفاوت است. با این حال، عرف ۳۰۰ کلمه در هر صفحه که برای قالب کتاب‌های قطع رقیعی معمول است را می‌توان مقیاس متناسبی برای میانگین در نظر گرفت. با این اوصاف، در هر ساعت مطالعه، فرد می‌تواند چیزی در حدود ۳۰ صفحه کتاب بخواند.

از مجموع تخمین‌های فوق، می‌توان دریافت که هر شهروند ایرانی برای مطالعه ۶۲۷ صفحه سرانه سالانه خود، حدود ۲۱ ساعت وقت صرف کرده است که معادل ۳٫۵ دقیقه در هر روز سال است. عدد به دست آمده، به نسبت آمارهای قبلی که گزارش شده بود بسیار کمتر به نظر می‌رسد. با این حال، دو نکته است که در این محاسبات باید در نظر گرفته شود.

اول اینکه ما تمام محاسبات را صرفاً بر پایه شمارگان فروش کتاب در نظر گرفتیم. این در حالی است که هر کتاب فروخته شده احتمالاً بیش از یک بار (از جانب بیش از یک نفر) خوانده می‌شود. از سوی دیگر، بخشی از منابع مطالعه افراد را کتاب‌های موجود در کتابخانه‌های عمومی تشکیل می‌دهد. نکته سوم اینکه متأسفانه بازار فروش کتاب‌های غیررسمی در کشور ما بسیار گسترده است. کتاب‌هایی که به هر دلیل مجوز انتشار رسمی را دریافت نمی‌کنند اما به صورت غیرقانونی و در تیراژهای بالا منتشر می‌شوند و بخشی از سبد مطالعه شهروندان را تشکیل می‌دهند. در نهایت، مطالعه روزنامه‌ها، مجلات و دیگر نشریات نیز بخشی از سرانه مطالعه در پژوهش‌های جهانی را تشکیل می‌دهند. با در نظر گرفتن تمامی این جوانب، می‌توان گفت که آمارهای ارائه شده برای سرانه مطالعه کتاب در کشور (حد فاصل ۹ تا ۱۳ دقیقه) با محاسبات ما و آمارهای نشر سازگاری قابل‌پذیرشی دارد.

۲-۱:۰) آیا رسانه‌های جدید و شبکه‌های اجتماعی مطالعه ایرانیان را کاهش داده‌اند؟

دغدغه دیگری که به ویژه در سال‌های حتی در ابعاد جهانی مطرح شده آن است که گسترش فن‌آوری‌های جدید، گوشی‌های هوشمند و شبکه‌های اجتماعی، آنچنان وقت شهروندان را به خود اختصاص می‌دهند که زمان مطالعه و یا

دیگر امور عمیق‌تر فرهنگی کاهش پیدا می‌کند. این مساله، به ویژه برای بسیاری از والدین نگرانی‌های فراوانی را به همراه داشته که مشغول شدن فرزندان‌شان به این فن‌آوری‌های جدید فرصت تحصیل و آموزش مناسب آن‌ها را کاهش دهد.

اگر این دغدغه به واقع صحت داشته باشد، سرانه مطالعه و در نتیجه نشر و فروش کتاب در کشور باید به صورت مداوم در حال کاهش باشد. این مساله‌ای است که با ظاهر نمودار شماره ۱ نسبتاً هم‌خوانی دارد. با این حال، ما پیشتر در مورد دلایل کاهش ظاهری آن نمودار توضیح دادیم. در اینجا، برای به دست آوردن یک تصویر کلان‌تر، بار دیگر از نمودار شماره ۴ استفاده می‌کنیم که تصویری از تحولات سرانه نشر را طی ۴ دهه پس از انقلاب نمایش می‌دهد. همان‌گونه که پیشتر اشاره شد، بجز مورد استثنایی سال ۸۵، در باقی موارد کاملاً مشاهده می‌شود که سرانه نشر کتاب به صورت مداوم در حال افزایش بوده است. یعنی هرچند رسانه‌های جدید در تمامی این سال‌ها رو به رشد و گسترش بوده‌اند، با این حال، سرانه کتاب در سال ۹۵ نسبت به سال‌های ۷۵ و ۶۵ رشد مشهودی داشته است.

البته این احتمال وجود دارد که رشد مورد اشاره ما، تحت تاثیر دلیل دیگری قرار داشته باشد. یعنی با افزایش سطح سواد در کشور، ناخودآگاه آمار کلی مطالعه نیز افزایش یافته باشد، اما این نگرانی همچنان پابرجا باقی بماند که «سرانه مطالعه در میان افراد با سواد» کاهش یافته باشد. برای بررسی این دغدغه جدید، نمودار شماره ۴ را این بار صرفاً برای افراد با سواد کشور تغییر می‌دهیم.

بر اساس آمارهای رسمی اعلام شده از جانب مرکز آمار، در سال‌های معیار سرشماری، آمار باسوادهای کشور مطابق با جدول شماره ۸ بوده است:

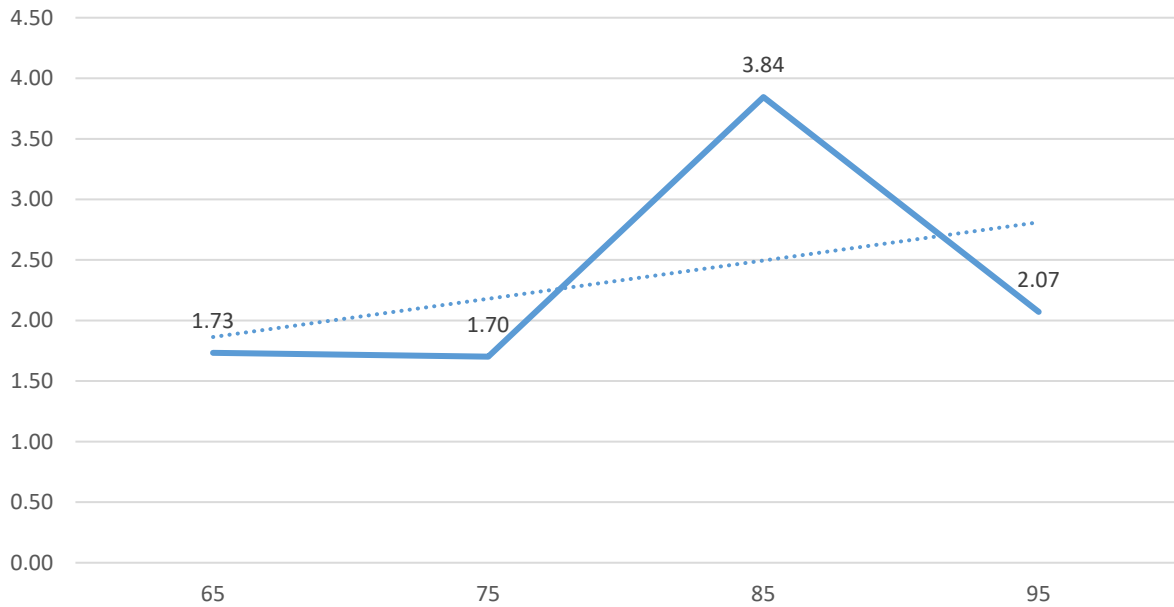
درصد باسوادی جمعیت ۶ ساله و بیشتر کشور				جدول شماره ۸
۱۳۹۵	۱۳۸۵	۱۳۷۵	۱۳۶۵	شرح
۸۷.۶	۸۴.۶	۷۹.۵	۶۱.۸	مرد و زن
۹۱	۸۸.۷	۸۴.۷	۷۱	مرد
۸۴.۲	۸۰.۳	۷۴.۲	۵۲.۱	زن

همان‌گونه که انتظار می‌رود، آمار باسوادهای کشور در تمام سال‌های مورد تحقیق در حال افزایش بوده است. پس حالا باید بررسی کنیم که آیا رشد سرانه شمارگان کتاب، با نسبت رشد جمعیت باسواد کشور هم‌خوانی دارد یا خیر؟ در نمودار شماره ۷، نسبت سرانه شمارگان انتشار کتاب را این بار متناسب با جمعیت باسواد کشور به تصویر کشده است. همان‌گونه که انتظار می‌رفت، در سال استثنایی ۸۵، توازن کلی نمودار باز هم به هم می‌خورد که توضیحات آن پیشتر داده شد.

همچنین، در این نمودار، نسبت سرانه کتاب به افراد باسواد حد فاصل سال‌های ۶۵ تا ۷۵ با کاهشی اندک مواجه بوده است. یعنی طی این ده سال، سرانه انتشار و مطالعه کتاب اندکی کمتر از سرعت رشد جمعیت باسوادها افزایش یافته است. اگر به یاد بیاوریم که اوج رشد جمعیتی ما در دهه شصت بوده، می‌توان این مساله را چنین توضیح داد که حد فاصل سال‌های ۶۵ تا ۷۵، با ورود دهه شصتی‌های به بازه سنی بالای ۶ سال، جمعیت باسوادهای ما یک جهش قابل توجه داشته، اما این گروه هنوز به سنین مطالعه نرسیده بودند که تاثیر خود را در بازار نشر نشان دهند.

مهم‌ترین نکته اما، در مقطع مربوط به سال ۹۵ قابل مشاهده است. جایی که فن آوری‌ها و رسانه‌های جدید به نسبت سال‌های ۶۵ و ۷۵ به صورت گسترده وارد کشور شده‌اند، اما در عین حال سرانه شمارگان کتاب برای افراد با سواد نیز نسبت به این سال‌ها افزایش پیدا کرده است.

### نمودار شماره ۷- نسبت شمارگان کتاب به جمعیت باسواد



جدول مربوط به نمودار شماره ۶

سال	مجموع شمارگان	جمعیت باسواد	سرانه شمارگان به جمعیت باسواد
۱۳۶۵	۵۲,۹۴۳,۵۱۵	۳۰,۵۷۳,۰۱۶	۱.۷۳
۱۳۷۵	۸۱,۲۳۸,۶۳۸	۴۷,۷۴۴,۱۱۳	۱.۷۰
۱۳۸۵	۲۲,۹۳۰,۰۵۳	۵۹,۶۳۹,۴۳۲	۰.۳۸
۱۳۹۵	۱۴۴,۹۷۶,۳۹۱	۷۰,۰۱۵,۴۱۳	۲.۰۷

بدین ترتیب می‌توان نتیجه گرفت هرچند افزایش سواد در کشور، بازتاب عینی و مستقیمی در افزایش سرانه مطالعه ایرانیان داشته است، با این حال رشد سرانه شمارگان کتاب، حتی از نرخ رشد سواد در کشور نیز پیشی گرفته است. در این بین، رسانه‌های جدید و زمان قابل توجهی که شهروندان صرف حضور در فضای مجازی و شبکه‌های اجتماعی می‌کنند نیز نه تنها باعث نشده که سرانه مطالعه در دهه نود به نسبت دهه‌های شصت و هفتاد کاهش پیدا کند، بلکه آشکارا با یک رشد در فروش و در نتیجه مطالعه کتاب مواجه هستیم.

شاید باید نتیجه بگیریم که برخلاف تصورات پیشین، رسانه‌های جدید نه تنها دشمنان آشتی‌ناپذیر فرهنگ مطالعه در کشور نیستند، بلکه اتفاقاً خود بستری بوده‌اند برای ترویج فرهنگ مطالعه و احتمالاً معرفی و تبلیغ کتاب‌های جدید. مساله‌ای که با یک نگاه کلی به محتویات این شبکه‌های اجتماعی نیز کاملاً قابل درک است. در حال حاضر، نه تنها ناشران و نویسندگان از فرصت فن‌آوری‌های جدید برای معرفی و تبلیغ آثار خود استفاده می‌کنند، بلکه خود خوانندگان نیز بیشتر از هر زمانی فرصت آن را دارند تا نتایج مطالعات خود را با یکدیگر در میان گذاشته و به بحث و گفتگو بنشینند. فرآیندی که بی‌شک در تشویق و ترغیب شهروندان به مطالعه بیشتر نقش چشم‌گیری خواهد داشت.

۲-۱: (و) جمع‌بندی:

در این بخش تلاش کردیم تا در قالب طرح برخی پرسش‌ها، مروری دقیق‌تر داشته باشیم به آمارهایی که در بخش نخست گزارش ارائه شده بود و تا حدودی برخی تصورات رایج اما نادرست در مورد بازار نشر کتاب را اصلاح کنیم. به صورت خلاصه، حال می‌توانیم بگوییم که برخلاف آنچه از ظاهر برخی آمارها برداشت می‌شود، اتفاقی که در سال‌های اخیر شاهدش بوده‌ایم، بسیار بیش از آنکه سقوط بازار نشر کتاب باشد، اصلاح رویه‌های متفاوتی در این بازار بوده است.

نخستین وجه اصلاح، کاهش مداخلات دولتی و واقعی‌تر شدن گرایش‌های بازار نشر با مطالبات و نیازهای بازار بوده است. در گام دوم، مشخصاً شاهد حرکتی آشکار به سمت تغییر فرهنگ نشر و مطالعه کتاب از نسخه‌های سنتی و چاپی به سمت نسخه‌های الکترونیک و صوتی هستیم. تحولی که نشان‌گر پیشگامی تولیدکنندگان و خوانندگان کتاب در همراهی با تحولات فن‌آوری به شمار می‌آید.

از سوی دیگر، مشاهده کردیم که علی‌رغم برخی پیش‌داوری‌ها، رشد و توسعه رسانه‌های جدید، گسترش نفوذ اینترنت و صرف وقت شهروندان در فضای مجازی، نه تنها باعث کاهش سرانه مطالعه آن‌ها نشده است، بلکه تا حد قابل قبولی نیز به گسترش فرهنگ مطالعه و احتمالاً معرفی و ترویج کتاب‌های جدید نیز کمک رسانده است.

در باب سرانه مطالعه نسبت به دیگر کشورهای جهان نیز دیدیم که هرچند نمی‌توان بر کاستی‌های کمبود مطالعه در کشور چشم پوشید، اما در نهایت وضعیت کشور ما به نسبت شاخص‌ترین کشورهای جهان اِدا در جایگاه غیرقابل قبولی قرار ندارد. کاهش میانگین شمارگان کتاب در کشور، تا حد بسیار زیادی محصول افزایش تعداد عناوین و موج اقبال نویسندگان جدید و استقلال ناشران از تعدد عناوین بوده است. در عین حال که همین میزان میانگین شمارگان نیز همچنان با بسیاری از کشورهای شناخته‌شده جهان برابری می‌کند.

در نهایت، اگر بخواهیم به کاستی‌هایی در بخش تولید کتاب اشاره کنیم، پیش از هر چیز باید به کمبودهای اطلاعاتی آشکار در زمینه فن‌آوری‌های جدید، به ویژه کتاب‌های الکترونیک و صوتی اشاره کنیم. متأسفانه هنوز سازوکارهای دقیق و قابل‌اتکایی برای جمع‌بندی اطلاعات نشر در این حوزه‌های رو به گسترش در دست‌رس ما قرار ندارد. همین ضعف، در دیگر بخش‌های مربوط به نشرهای جدید نیز قابل مشاهده است. برای مثال، نویسندگان ما همچنان در مواجهه با نسخه‌های الکترونیک توانایی ترسیم دقیق ابعاد مالکیت حقوقی و درآمدهای ناشی از آثارشان را ندارند و این‌ها مسائلی هستند که ضرورت مداخله هرچه سریع‌تر نهادهای مسوول و به ویژه قانون‌گذاران را ایجاب می‌کند.

از سوی دیگر، می‌توان به تجربه نامیمون مداخلات دولتی در سال‌های نیمه دوم دهه هشتاد اشاره کرد. مداخله‌های جهت‌داری که در کوتاه مدت با جهش کاذب در برخی آمارها همراه خواهد بود، اما عواقب و پیامدهای آن تا سال‌های بعد همچنان پابرجا می‌مانند. هرچند، ضرورت حمایت‌های دولتی از حوزه فرهنگ و به ویژه بازار نشر و کتاب بر کسی پوشیده نیست، اما شاید بتوان از این تجربه شکست خورده نتیجه گرفت که حمایت‌های دولتی نباید به صورت مستقیم و با جهت‌گیری‌های خاص در بازار کتاب ورود کند. بهتر است که تصمیم‌گیرندگان دولتی، حمایت‌های خود را در حوزه‌های زیربنایی، جهت تسهیل در امکان فعالیت ناشران، حمایت از حقوق نویسندگان و گسترش زیرساخت‌های فن‌آوری متمرکز کنند و جهت‌گیری‌هایی و محتوایی این حوزه را بر عهده فعالین بگذارند.

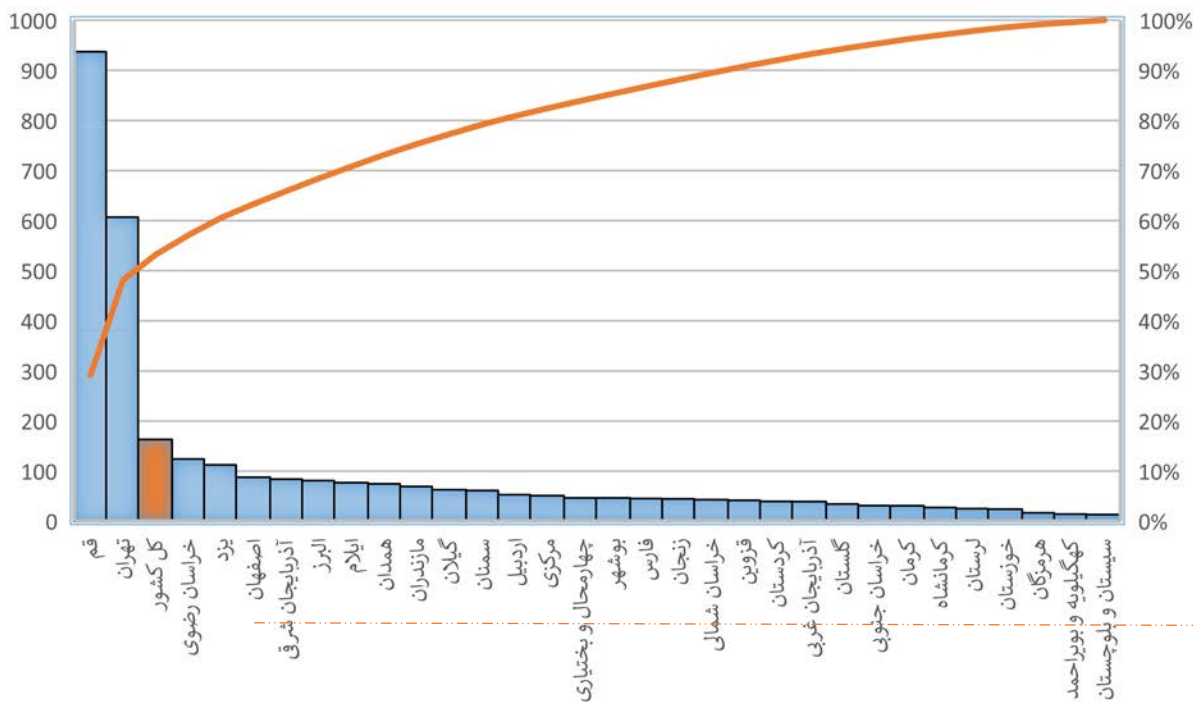


در جداول ۱ و ۲ بخش نخست، تصویری از توزیع کتاب‌فروشی‌ها و کتاب‌خانه‌های عمومی در استان‌های کشور ارائه شد. شاید نخستین نکته‌ای که از مقایسه این جداول حاصل می‌شود، ناهم‌خوانی در رتبه‌بندی استان‌های کشور در دو جدول باشد. برای مثال، استان‌های قم و تهران در جدول شماره ۱ جزو برترین استان‌های کشور از نظر سرانه وجود کتاب‌فروشی به حساب می‌آیند. اما همین دو استان، در جدول شماره ۲، جزو پایین‌ترین استان‌های کشور از نظر سرانه دسترسی به کتاب‌خانه عمومی هستند. به صورت متقابل، استان‌هایی نظیر کهگیلویه و بویراحمد، و یا حتی ایلام که در جدول مربوط به سرانه کتاب‌فروشی‌ها رتبه‌های بسیار پایینی دارند، در جدول مربوط به سرانه کتاب‌خانه‌های عمومی از بالاترین سرانه‌ها برخوردارند.

به نظر می‌رسد اختلاف معنادار این دو آمار باید دقیق‌تر مورد توجه قرار گیرد. شاید بتوان استدلال کرد که این دو با یکدیگر رابطه معکوس دارند. یعنی شاید دلیل کاهش فروشگاه‌های کتاب، افزایش سرانه کتاب‌خانه‌ها باشد. این مساله را نمی‌توان به کل نادیده گرفت، اما بعید است کتاب‌خانه‌هایی که به رونق کتاب‌خوانی می‌انجامند، سبب برچیده شدن بساط کتاب‌فروشی‌ها شوند. به ویژه آنکه می‌توان با استناد به آمارهای جدول شماره ۳ نیز این مساله را بیشتر باز کرد.

همان‌گونه که در جدول شماره ۳ قابل مشاهده است، استان‌های تهران و قم با اختلاف فاحشی بیشترین سرانه ناشران کتاب را به خود اختصاص داده‌اند. برای نشان دادن فاصله فاحش میان این دو استان با دیگر استان‌های کشور، نمودار شماره ۸ را ترسیم کرده‌ایم که به خوبی گواه وضعیت است. حال بهتر می‌توان پرسید: چگونه دو استانی که بیشترین نسبت را در میان تعداد ناشران کشور دارند، و همچنین در مورد توزیع کتاب‌فروشی‌ها نیز جزو استان‌های برتر به شمار می‌آیند، در جدول توزیع کتاب‌خانه‌های عمومی در چنان جایگاه پایینی قرار گرفته‌اند که عملاً باید گفت از سرانه بسیار پایین تعداد کتاب‌خانه‌های عمومی رنج می‌برند؟ و البته، استان کهگیلویه و بویراحمد این بار نیز به مانند سرانه کتاب‌فروشی‌ها، از سرانه بسیار پایین ناشران برخوردار است اما با سرانه بالای کتاب‌خانه‌های عمومی مواجه شده است؟

## نمودار سهم هر استان از میانگین تعداد ناشران



### نمودار شماره ۸۵

شاید در پاسخ به این پرسش‌ها باید به این نتیجه برسیم که نسبت توزیع منابع دولتی، نتوانسته با امکانات و نیازهای واقعی بازار تناسب درستی برقرار کند. اگر توافق داشته باشیم که بخش خصوصی، در تاسیس فروشگاه‌های کتاب، به صورت طبیعی از قاعده عرضه و تقاضا پی‌روی می‌کند، و همچنین ناشران نیز تا حد خوبی بنابر امکان کسب سود در استان‌های مختلف تاسیس می‌شوند و فعالیت می‌کنند، پس باید پذیرفت در استان‌هایی مثل تهران و قم، ظرفیت و تقاضای کتاب بسیار بیشتر از استان‌هایی چون کهگیلویه و بویراحمد و ایلام است. این در حالی است که توزیع امکانات دولتی در تاسیس کتاب‌خانه‌های عمومی با این ضرورت و نیاز آشکار سازگاری نداشته است.

البته، همچنان می‌توان به استان‌های دیگری همچون «سیستان و بلوچستان» اشاره کرد که در تمامی این جداول از رتبه و سرانه بسیار پایینی برخوردار هستند که نشان‌گر نوعی فقر و محرومیت فرهنگی است. عاملی که اگر بخواهیم به وضعیت عدالت در توزیع امکانات فرهنگی و آموزشی پردازیم بسیار قابل تامل خواهد بود.

## جمع بندی:

سنجش وضعیت عدالت در حوزه نشر بسیار دشوار است. به ویژه که اساسا باید مشخص کنیم چه شاخص هایی می تواند برای سنجش عادلانه بودن امکانات توزیع در کشور ملاک قضاوت قرار گیرد؟

در این مسیر، چند پاسخ احتمالی وجود دارد. نخست می توان توزیع نسبی حجم فروش کتاب در سراسر کشور را مورد سنجش قرار داد. پیشنهاد دیگر، بررسی توزیع مراکز فروش کتاب (از جمله کتابفروشی ها، نمایشگاه های کتاب و ...) باشد که پیوند تنگاتنگی با گزینه نخست دارد. با این حال، هر دوی این گزینه ها، تابع متغیرهای دیگری هستند که مستقیما ارتباطی با صنعت نشر و یا حتی توزیع کشور ندارند.

برای مثال، می توان به خوبی درک کرد که خرید و مطالعه کتاب، نسبت مستقیمی با سطح تحصیلات جامعه دارد. اگر به هر دلیلی توازن در سطح آموزش و تحصیلات کشور بر هم خورده باشد، به همان نسبت باید شاهد برهم خوردن تعادل در میزان فروش و مطالعه کتاب ها باشیم. البته می توان توزیع نامتناسب آموزشی و بی عدالتی در این حوزه را نیز به عنوان انتقادی به دستگاه های دولتی مطرح کنیم، اما این مساله از موضوع پژوهش حاضر خارج است و باید از جانب نهادهای دیگری مورد بررسی و آسیب شناسی قرار گیرد.

از سوی دیگر، از آنجا که بخش عمده ای از کتابفروشی های کشور را بخش خصوصی تشکیل می دهد، کاملا طبیعی است که با کاهش تقاضای خرید، شمار کتابفروشی ها نیز کاهش پیدا کند، و یا برعکس، با افزایش تقاضا در شهرهای بزرگ، روز به روز شاهد افزایش این کتابفروشی ها باشیم. این نیز مساله ای است که باز هم مستقل از شاخص های عدالتی در حوزه نشر عمل خواهد کرد.

در اینجا، ما به صورت خلاصه می توانیم به دو مورد مشخص، برای پوشش دو جنبه از امکانات توزیع و دسترسی در چرخه تولید و مصرف کتاب اشاره کنیم. مورد نخست، طبیعتا امکان توزیع خود آثار در میان مخاطبان است. مرحله ای که نیمی از آن را بخش خصوصی با تاسیس کتابفروشی هایش بر عهده دارد و نیم دیگر وظیفه دولت است تا با

تاسیس و گسترش کتابخانه‌های عمومی امکان توزیع هرچه گسترده‌تر کتاب‌ها در سطح کشور را فراهم کند. شکاف آشکار در سرانه توزیع کتابخانه‌های عمومی نشان‌گر آن است که در این بخش دولت هنوز نتوانسته با تخصیص متوازن امکانات، عدالت در توزیع را فراهم سازد. از سوی دیگر، حتی در بهترین استان‌های کشور نیز سرانه کتابخانه‌های عمومی همچنان پایین است. به ویژه که سطح تجهیز این کتابخانه‌ها نیز باید مورد تحقیق بیشتر قرار گیرد.

اما در مرحله‌ای کاملاً متفاوت، می‌توان سرانه توزیع ناشران در سطح کشور را نیز به عنوان «امکان دسترسی نویسندگان به ناشر بومی» یکی از ملاک‌های مهم در چرخه تولید کتاب قلمداد کرد. در این زمینه، باز هم شاهد هم‌پوشانی بخش‌های خصوصی و دولتی هستیم. شمار بسیار زیادی از ناشران کشور را بخش خصوصی تشکیل می‌دهند که در مورد این گروه دولت تنها می‌تواند به تسهیل در فرآیند کسب مجوز و امکان فعالیت اکتفا کند. اما همان‌گونه که می‌دانیم، بخش قابل توجهی از ناشران کشور را نیز ناشران دولتی یا وابسته به نهادهای موازی دولت تشکیل می‌دهند که در این مورد مسوولان می‌توانند مستقیماً برای توزیع هرچه عادلانه‌تر ناشران در سطح کشور و ایجاد توازن در فرصت دسترسی نویسندگان وارد عمل شوند.

یکی از بهترین شیوه‌های سنجش و تحلیل وضعیت کلی حاکم بر اقتصاد صنعت نشر، مقایسه آمارهای کشور با نمونه‌های مشابه جهانی است. البته متأسفانه از فروش جهانی کتاب آمارهای دقیقی در دست نیست. این مشکل، بیشتر محصول کشورهای توسعه نیافته‌ای است که در ثبت و ارائه آمارهای خود ضعیف یا ناتوان عمل می‌کنند. در نقطه مقابل، اغلب کشورهای توسعه یافته و به ویژه پیشگامان صنعت نشر و کتاب همواره تلاش دارند تا آمارهای خود را به دقت و شفافیت تمام ثبت و منتشر کنند. البته در این مورد نیز گاه دشواری‌هایی ایجاد می‌شود. به ویژه در سال‌های اخیر که کمپانی‌های بزرگی همچون آمازون بخش قابل توجهی از فروش کتاب‌ها را در اختیار گرفته‌اند و بدین ترتیب، مرزهای معمول در صنعت نشر را به هم زده‌اند. در واقع، گسترش خرید کتاب‌های الکترونیک سبب شده تا به دشواری بتوان تعیین کرد کتاب‌ها در کدام کشور به فروش می‌رسند.

علی‌رغم تمامی این کاستی‌ها، همچنان می‌توان آمارهایی را ارائه کرد که دست کم تخمینی از صنعت نشر جهانی در اختیار ما قرار دهد. برای مثال، سازمان جهانی یونسکو (UNESCO) در گزارشی تلاش کرده تا شمار عناوین تازه منتشر شده کتاب در کشورهای عضو را جمع‌آوری کند. تلاشی که البته به یک سال مشخص مربوط نمی‌شود و در نهایت فهرست کشورها بر پایه «جدیدترین آمار موجود» تهیه شده است. یونسکو، در این گزارش خود، تعداد عناوین جدید کتاب منتشر شده در جهان را «حدوداً» سالی دو میلیون و دویست هزار عنوان اعلام کرده است. بر مبنای این گزارش یونسکو، (جدول شماره ۹) ایران در جایگاه نهم کشورهای جهان از نظر انتشار عناوین جدید سالانه کتاب قرار دارد. (یادآوری می‌شود که منبع جدول شماره ۷ انجمن بین‌المللی ناشران IPA بود که صرفاً اطلاعات برخی از کشورهای عضو را منتشر می‌کند. در جدول اخیر ما از آمارهای یونسکو استفاده کرده‌ایم)

<sup>1</sup> <https://www.worldometers.info/books/>

## جدول شماره ۹

### فهرست کشورها به ترتیب انتشار عناوین جدید

(به گزارش یونسکو)

شمار عناوین جدید	آخرین سال تهیه گزارش		
۳۲۸,۲۵۹	۲۰۱۰	آمریکا	۱
۲۰۶,۰۰۰	۲۰۰۵	انگلستان	۲
۱۸۹,۲۹۵	۲۰۱۰	چین	۳
۱۲۳,۳۳۶	۲۰۰۸	روسیه	۴
۹۳,۱۲۴	۲۰۰۹	آلمان	۵
۸۶,۳۰۰	۲۰۰۸	اسپانیا	۶
۸۲,۵۳۷	۲۰۰۴	هندوستان	۷
۷۸,۵۵۵	۲۰۰۹	ژاپن	۸
۶۵,۰۰۰	۲۰۱۰	ایران	۹
۶۳,۶۹۰	۲۰۱۰	فرانسه	۱۰
۴۴,۰۳۶	۲۰۱۱	کره جنوبی	۱۱
۴۳,۳۰۹	۲۰۱۰	تایوان	۱۲
۴۳,۱۰۰	۲۰۱۱	ترکیه	۱۳
۳۴,۰۶۷	۱۹۹۳	هلند	۱۴
۳۳,۶۴۱	۲۰۰۵	ایتالیا	۱۵
۳۱,۵۰۰	۲۰۱۰	لهستان	۱۶
۲۴,۵۸۹	۲۰۰۹	ویتنام	۱۷
۲۴,۰۰۰+	۲۰۰۹	اندونزی	۱۸
۲۲,۷۸۱	۲۰۱۰	آرژانتین	۱۹
۱۹,۹۰۰	۱۹۹۶	کانادا	۲۰
تخمین مجموع جهانی:			۲,۲۰۰,۰۰۰

تا اینجا جداول شماره ۷ و شماره ۹ را بر پایه سرانه تعداد عناوین و مجموع تعداد عناوین (از دو منبع مختلف) تهیه کردیم. اما برای تحلیل وضعیت اقتصاد حاکم بر بازار نشر کشور، می‌توانیم «حجم کلی اقتصاد صنعت نشر» را با آمارهای مشابه جهانی مقایسه کنیم. جدول شماره ۱۰ به همین منظور طراحی شده است. توضیح اینکه در این جدول، آمارهای اقتصادی نشر کتاب در کشورهای جهان را به نقل از گزارش IPA تنظیم کرده‌ایم و صرفاً آمار مربوط به ایران را با استناد به گزارش‌های خانه کتاب، و معادل سازی آن با قیمت ارز مرجع در همان سال تهیه کرده و در جدول جاگذاری کرده‌ایم.

با مراجعه به این جدول، می‌توانیم تا حد خوبی به دو پرسش بزرگ پاسخ دهیم: پرسش نخست، همان دغدغه قبلی است؛ آیا در کنار افزایش تعداد عناوین، حجم کلی آثار منتشر شده در کشور ما با نمونه‌های جهانی برابری می‌کند؟ پیشتر دیدیم که برای مقایسه سرانه مطالعه، ما نیازمند مقایسه شمارگان کتاب در کشور با نمونه‌های خارجی هستیم اما تنها به آمارهای تعداد عناوین دسترسی داریم. حال می‌توانیم با در نظر گرفتن فاکتور «حجم فروش»، تا حد خوبی ضعف آماری در حوزه شمارگان را پوشش دهیم.

البته همچنان این ضعف پابرجا است که ما از میانگین قیمت کتاب در دیگر کشورها جهان بی‌اطلاع هستیم. به ویژه آنکه می‌توان حدس زد متناسب با برابری قیمت ارز، قیمت کتاب‌ها در کشور ما به مراتب پایین‌تر از کشورهای پیشرفته جهان باشد. برای جبران این ضعف، ما می‌توانیم پرسش دوم را مطرح کنیم: اساساً، صنعت نشر در کشور ما، چه سهمی از کل اقتصاد را تشکیل می‌دهد؟ آیا این درصد، با درصد معمول در دیگر کشورهای جهان همخوانی دارد؟

نتایج قابل مشاهده در جدول شماره ۱۰، به خوبی می‌تواند به هر دو پرسش فوق پاسخ دهد. رتبه ایران در نسبت حجم اقتصاد نشر به کل تولید ناخالص داخلی، باز هم در جایگاه مناسبی نسبت به کشورهای پیشرفته جهان قرار دارد. همان‌طور که مشاهده می‌شود، سهم صنعت نشر ایران از تولید ناخالص کشور، تقریباً معادل همین نسبت در کشورهای بزرگی همچون آمریکا، آلمان، انگلستان، فرانسه و هلند است. این نسبت فقط برای کشور کوچک ایسلند به طرز استثنایی افزایش یافته و باقی کشورهای جهان نیز یا در همین حدود هستند و یا در آن‌ها سهم صنعت نشر در تولید داخلی به مراتب کمتر از کشور ماست. همچنین می‌توان دید که جایگاه نهم ایران در جدول اخیر، اتفاقاً با رتبه در جدول تعداد عناوین و سرانه عناوین نیز تا حد قابل قبولی همخوانی منطقی دارد.

## جدول شماره ۱۰

### برترین کشورها بر اساس حجم کلی بازار نشر (منبع IPA)

کشور	حجم صنعت نشر (میلیون یورو)	تولید ناخالص داخلی (□ □ □)	درصد سهم صنعت نشر از تولید ناخالص داخلی
۱ آمریکا	۲۴,۹۸۶	۱۸۲۱۹۰۰۰	۰.۱۴
۲ چین	۱۰,۵۱۲	۱۱۰۱۶۰۰۰	۰.۱۰
۳ آلمان	۵,۴۳۰	۳۳۸۱۰۰۰	۰.۱۶
۴ انگلستان	۴,۱۵۱	۲۸۹۶۰۰۰	۰.۱۴
۵ فرانسه	۲,۶۶۷	۲۴۳۸۰۰۰	۰.۱۱
۶ برزیل	۱,۴۳۳	۱۸۰۲۰۰۰	۰.۰۸
۷ ایتالیا	۱,۵۸۴	۱۸۳۲۰۰۰	۰.۰۹
۸ هلند	۱,۰۵۸	۷۶۵۲۶۵	۰.۱۴
۹ ایران	۵۰۵	۳۸۵۷۸۴	۰.۱۳
۱۰ تایلند	۳۹۰	۴۰۱۲۹۶	۰.۱۰
۱۱ نروژ	۳۱۸	۳۸۶۶۶۳	۰.۰۸
۱۲ فنلاند	۲۳۲	۲۳۲۸۵۱	۰.۱۰
۱۳ بلژیک	۲۵۰	۴۵۵۹۴۰	۰.۰۵
۱۴ ایسلند	۱۹۶	۱۷۳۴۴	۱.۱۳
۱۵ سوئیس	۱۳۹	۶۷۹۸۳۲	۰.۰۲
۱۶ سوئد	۲۸۳	۴۹۸۱۱۸	۰.۰۶
۱۷ استرالیا	۱۱۰	۱۳۵۲۰۰۰	۰.۰۱
۱۸ عربستان سعودی	۱۷	۶۵۴۲۷۰	۰.۰۰

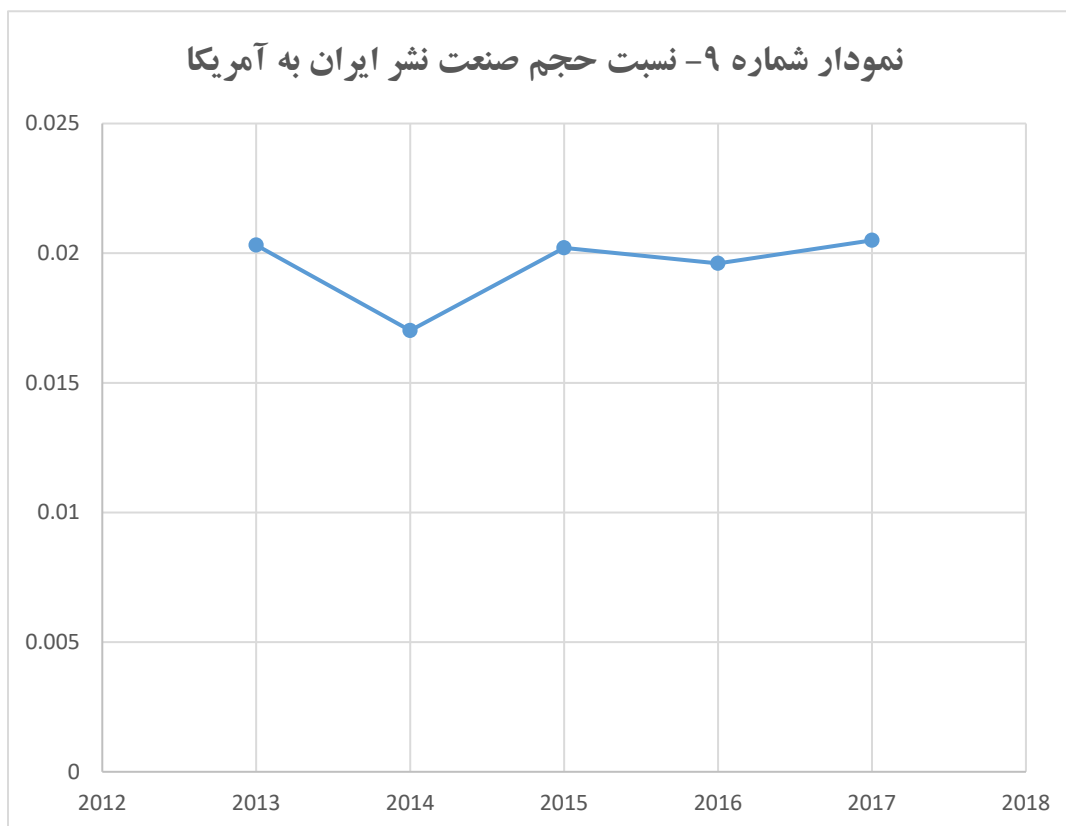


با نگاه به نتایج جدول اخیر، می‌توان در مورد یک پیش‌فرض متداول دیگر نیز پاسخ داد. تصویری که باور دارد در کشور ما، به دلیل برخی دخالت‌های دولتی و رانت‌ها و یارانه‌های غیر کارشناسی و غیرطبیعی به صنعت نشر، تعادل منطقی این صنعت به هم خورده و شاهد رشد بی‌رویه آمارهای نشر بدون پشتوانه واقعی از مخاطب هستیم.

نسبت سهم صنعت نشر به تولید ناخالص داخلی، نشان می‌دهد که اتفاقاً صنعت نشر ما در مقایسه با کشورهای توسعه یافته دنیا دقیقاً سهم متوازی از اقتصاد کشور را به خود اختصاص داده است. سهمی که هیچ انحراف معنی‌داری را از خود نشان نمی‌دهد. برای مثال، در مشاهده آمار کشورهای هم‌چون عربستان یا استرالیا مشخصاً می‌توان قضاوت کرد این سهم به طرز عجیب و غیرطبیعی پایین است و در مورد کشور ایسلند باید گفت به طرز استثنایی بالاست. اما مشخصاً، تناسب در کشور ما در حالت طبیعی و قابل قبول جهانی قرار دارد.

این وضعیت را از طریق دیگری نیز می‌توان مجدداً به آزمون گذاشت. می‌دانیم که کشور آمریکا، دارای بزرگترین صنعت نشر در تمام جهان است. حال اگر حجم کلی بازار نشر ایران را در چند مقطع متفاوت با صنعت نشر آمریکا مقایسه کنیم، در خواهیم یافت که آیا میزان رشد دو صنعت در طول سالیان متفاوت با یکدیگر سازگاری دارد؟

نمودار شماره ۹ برای سنجش همین مساله تنظیم شده است. همان‌گونه که مشاهده می‌شود حجم کلی صنعت نشر ایران تقریباً با ۲ درصد صنعت نشر آمریکا برابری می‌کند. اما این نسبت، با تقریب خوبی طی سالیان گذشته حفظ شده که می‌توان از آن نتیجه گرفت فراز و فرود بازار نشر ایران نیز در تناظر منطقی با بازار نشر جهان و آمریکا رفتار کرده است.



### جمع بندی:

بنابر گزارش‌های مرکز آمار برای سال ۱۳۹۴ که در جدول شماره ۴ ارائه کردیم، درصد شاغلان حوزه چاپ کشور به کل شاغلان با مزد و حقوق کارگاه‌های صنعتی ۱۰ نفره و بیشتر در حدود ۰,۴۵ درصد است. همچنین، سهم کارکنان فعالیت‌های انتشاراتی نسبت به کل کارکنان کشور نیز برای همان سال ۰,۲۲ درصد بوده است. از سوی دیگر همان‌گونه که در جدول شماره ۱۰ مشاهده شد، صنعت نشر ایران، با بهره‌گیری از این نیروهای کار، چیزی در حدود ۰,۱۳ درصد از تولید ناخالص داخلی کشور را تامین می‌کند.

با مقایسه این ارقام، به نظر می‌رسد که نسبت تولید ثروت و نیروی شاغل در صنعت نشر پایین‌تر از میانگین کشور باشد. با این حال، نمی‌توان این مساله را یک نکته منفی بزرگ در کارنامه نشر قلمداد کرد. نخست به این دلیل که اقتصاد کشور ما همچنان وابستگی بسیار زیادی به نفت دارد و عجیب نیست که بخش بزرگی از این اقتصاد نفتی، با

راندمان بسیار بالایی تولید ثروت کند. طبیعتاً، سهم تولید ثروت برای بخش‌های کوچک‌تری همچون صنعت نشر که نیازمند زحمت و مراحل متفاوت است کوچکتر خواهد شد.

از سوی دیگر، نباید فراموش کنیم که بازار نشر، صرفاً یک بازار تجاری نیست. اینجا با حوزه‌ای مواجه هستیم که کارکرد نخست آن، نه تولید ثروت، بلکه تولید علم، هنر، دانش و نقش‌آفرینی در فرهنگ اجتماعی کشور است. از این منظر، شاید بتوان گفت تا همین مقدار که صنعت نشر کتاب توانسته است بخش بزرگی از نیازهای مالی خود را خودش تامین کند و به مرور وابستگی خود را به حمایت‌های مالی دولت کاهش دهد جای امیدواری فراوان است.

با این حال همچنان می‌توان پیشنهاد داد که نهادهای مسوول، سیاست‌گذاری‌های خود را به سمت زیرساخت‌هایی معطوف سازند که امکان تولید ثروت در بازار نشر را افزایش دهد. حمایت از حقوق مولفین و مصنفین در این راستا یک ضرورت حیاتی است چرا که هم زندگی اقتصادی و معیشت نویسندگان در گرو همین درآمدها قرار دارد، و هم بازدهی اقتصادی ناشران و تولیدکنندگان بخش خصوصی.

متأسفانه در تمامی سال‌های گذشته، وجود یک بازار بسیار بزرگ موازی و غیررسمی در حوزه نشر تمامی بازیگران رسمی این حوزه را آزار داده است. بازار گسترده کتاب‌های غیرقانونی و چاپ‌های زیرزمینی که نه آمارشان در جایی ثبت می‌شود، نه مالیاتی پرداخت می‌کنند و نه سهم حقوق مولفان و ناشران را پرداخت می‌کنند.

از سوی دیگر، نپیوستن کشور به معاهدات جهانی کپی‌رایت نیز سبب شده که ناشران بزرگ جهانی نسبت به همکاری با نویسندگان و ناشران کشور ما میل و رغبتی بروز ندهد. این در حالی است که بسیاری از کشورهای مشابه ما، همچون کره جنوبی و ترکیه، طی سال‌های اخیر و با یک برنامه‌ریزی منسجم موفق شده‌اند آثار خود را به درده جهانی معرفی کنند و با ورود به بازار جهانی سود سرشاری تولید کنند. با توجه به نسبت چشم‌گیر قیمت‌های کتاب در بازار جهانی نسبت به داخل کشور، ورود به این عرصه می‌تواند جهشی در صنعت نشر کشور ایجاد کند.

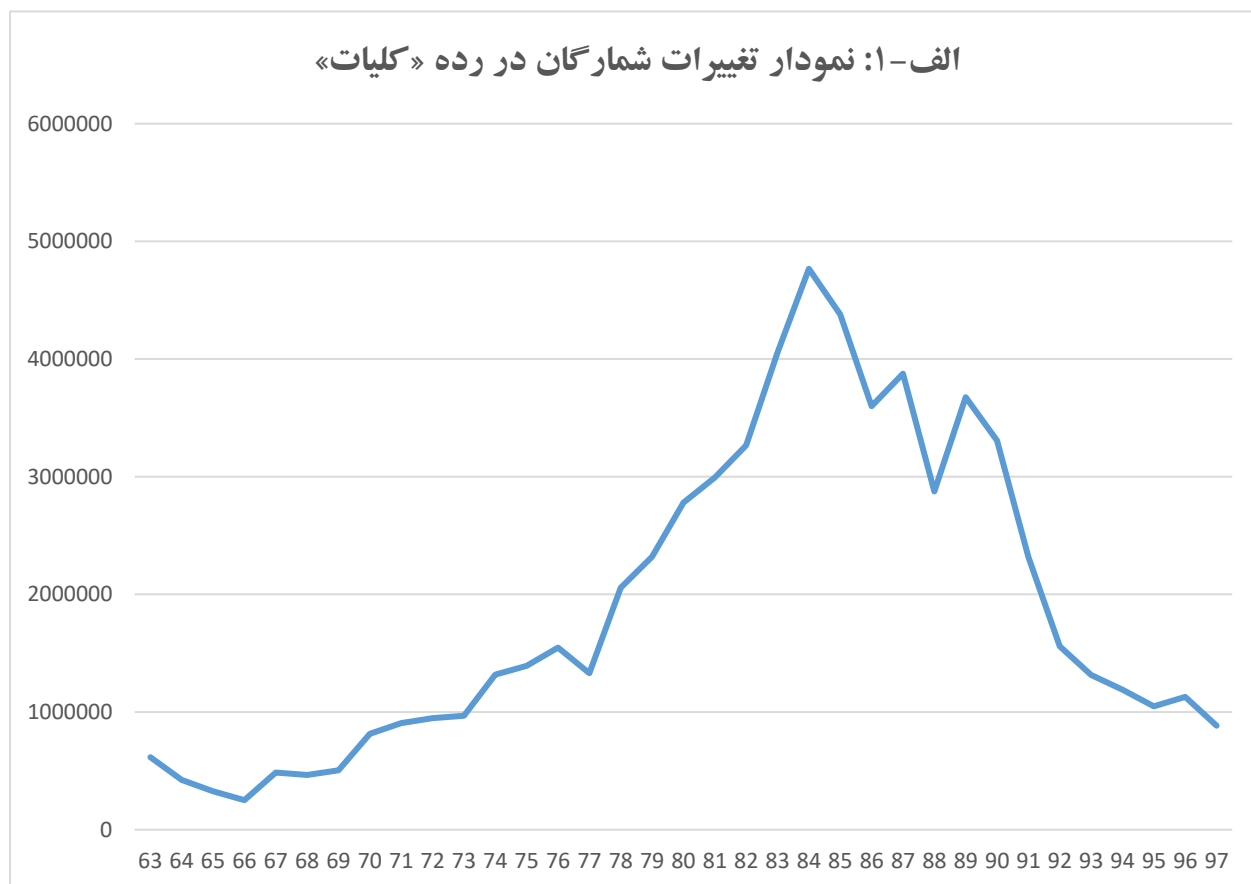
خوشبختانه در سال‌های اخیر گام‌های خوبی در راستای سیاست‌گذاری برای ورود به بازارهای جهانی برداشته شده است که در این میان طرح «گرنِت» یکی از نمونه‌های بسیار خوب و قابل توجه به حساب می‌آید. تردیدی نیست که ظرفیت‌های کمی و کیفی کشور ما در عرصه تولیدات فرهنگی، هنری و حتی علمی در سطحی است که با تداوم

حمایت‌هایی از این دست، در آینده‌ای نزدیک می‌توانیم با ورود به بازارهای جهانی خون تازه‌ای به رگ‌های اقتصاد  
نشر وارد کنیم.

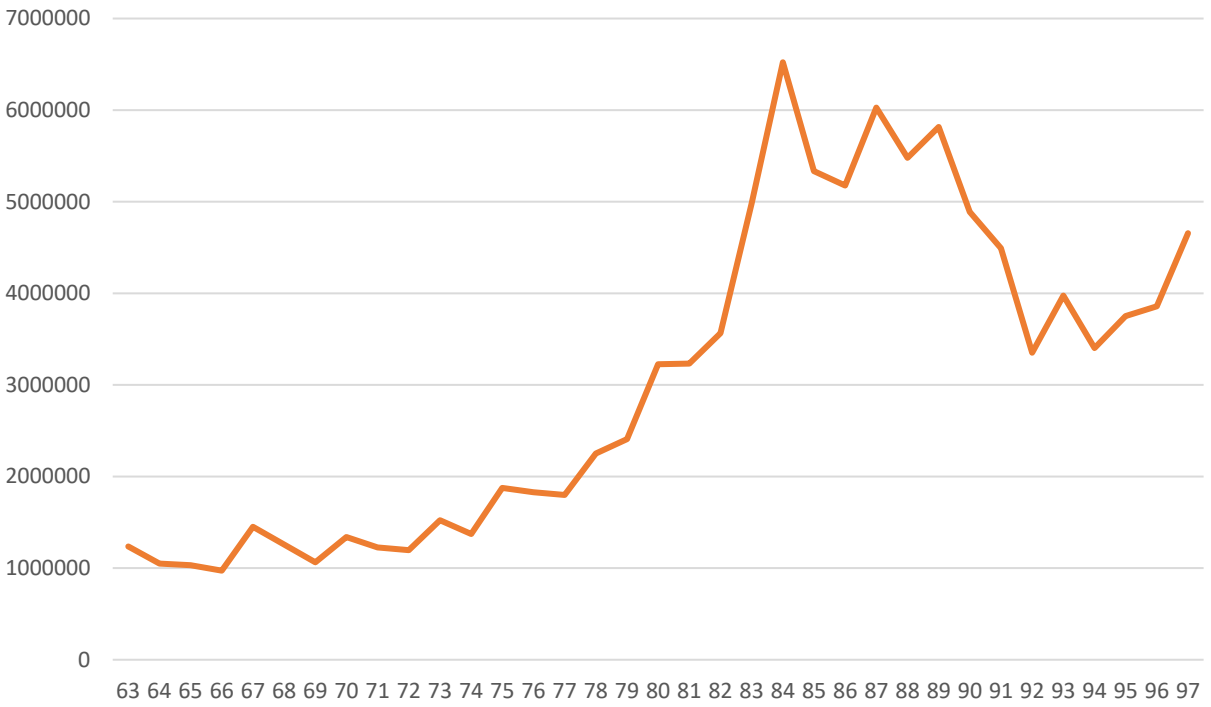
**بخش سوم: جمع‌بندی نهایی**

## پیوست‌ها:

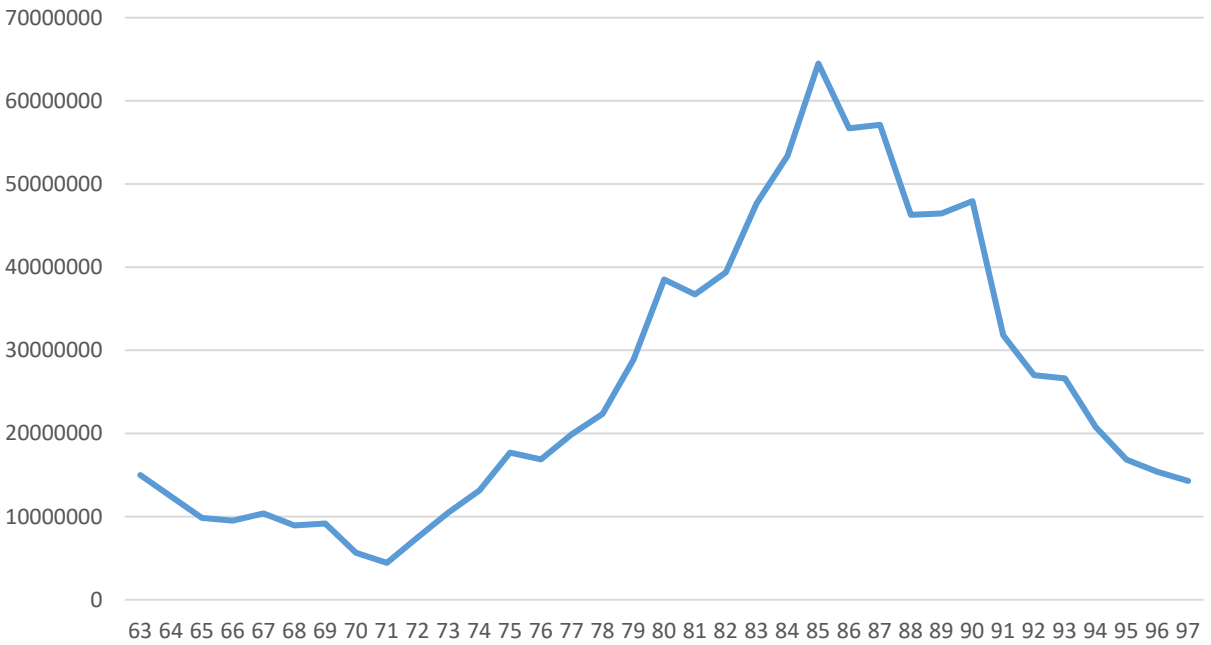
الف) نمودارهای مربوط به آمار شمارگان چاپ کتاب به تفکیک رده در سال‌های پس از انقلاب:



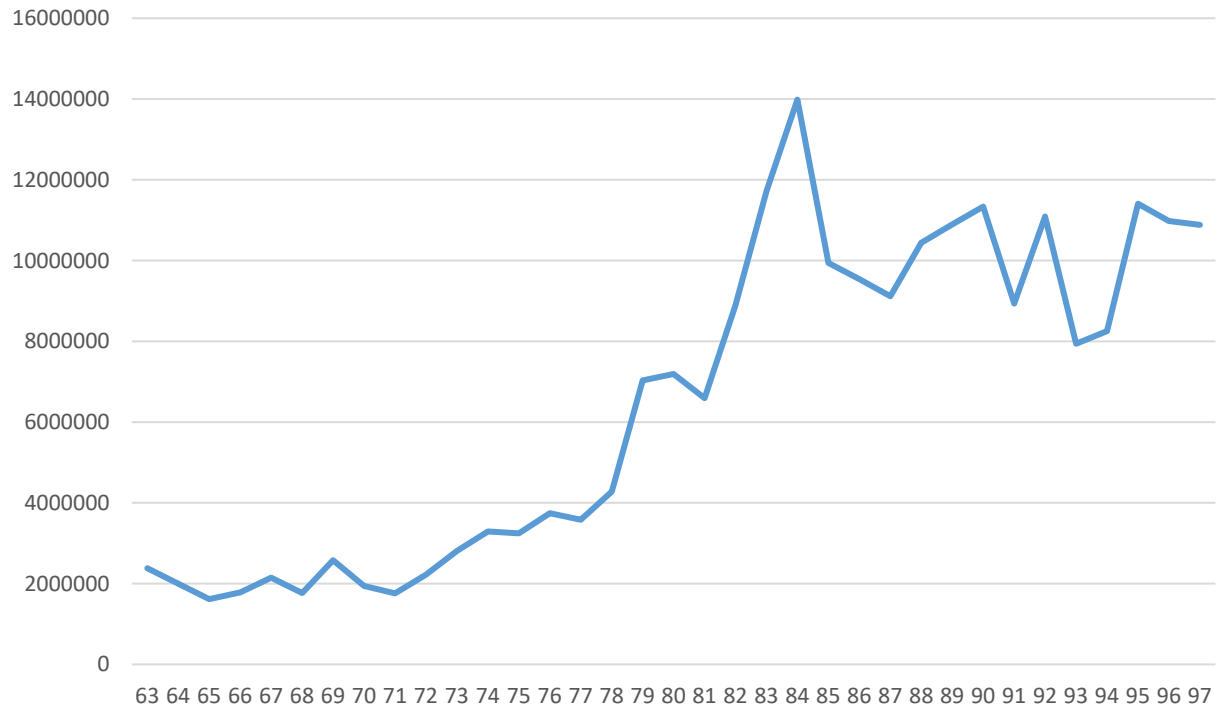
الف-۲: نمودار تغییرات شمارگان در رده «فلسفه»



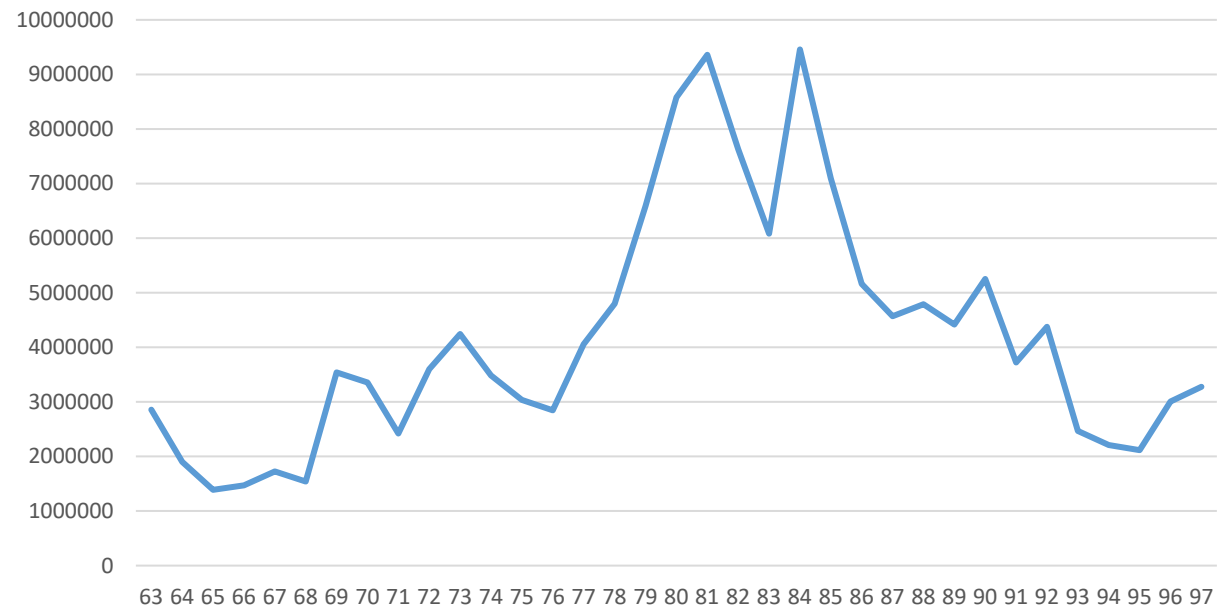
الف-۳: نمودار تغییرات شمارگان در رده «دین»



الف-۴: نمودار تغییرات شمارگان در رده «علوم اجتماعی»

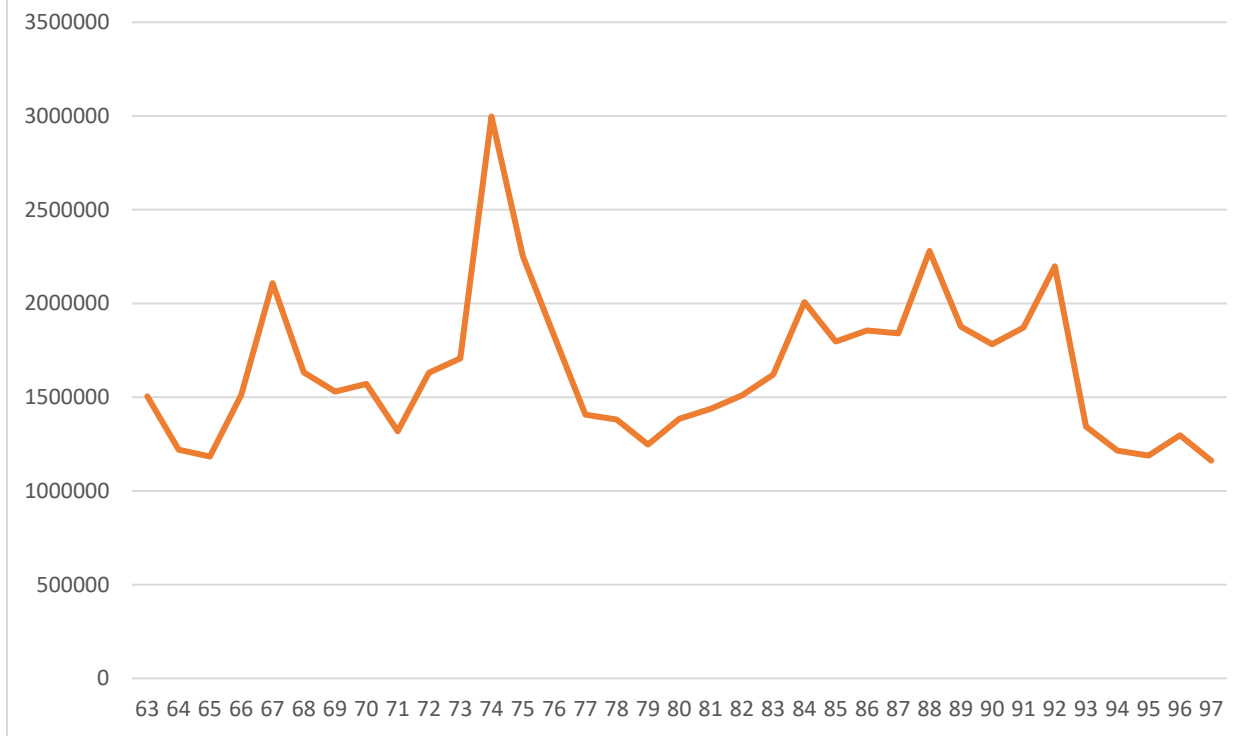


الف-۵: نمودار تغییرات شمارگان در رده «زبان»

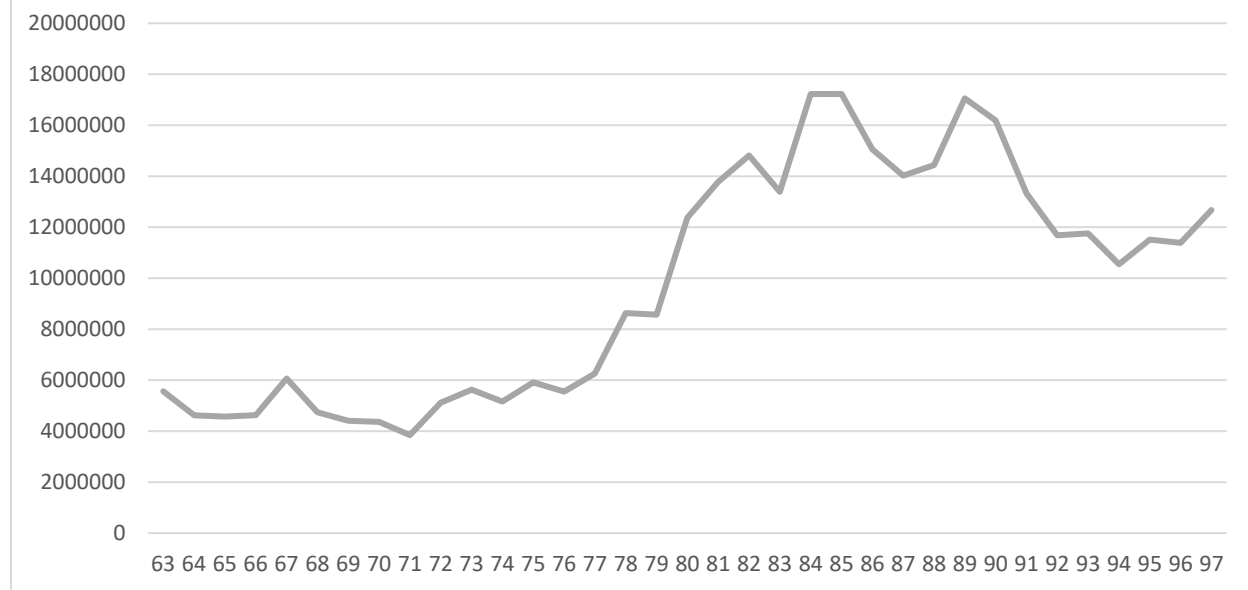


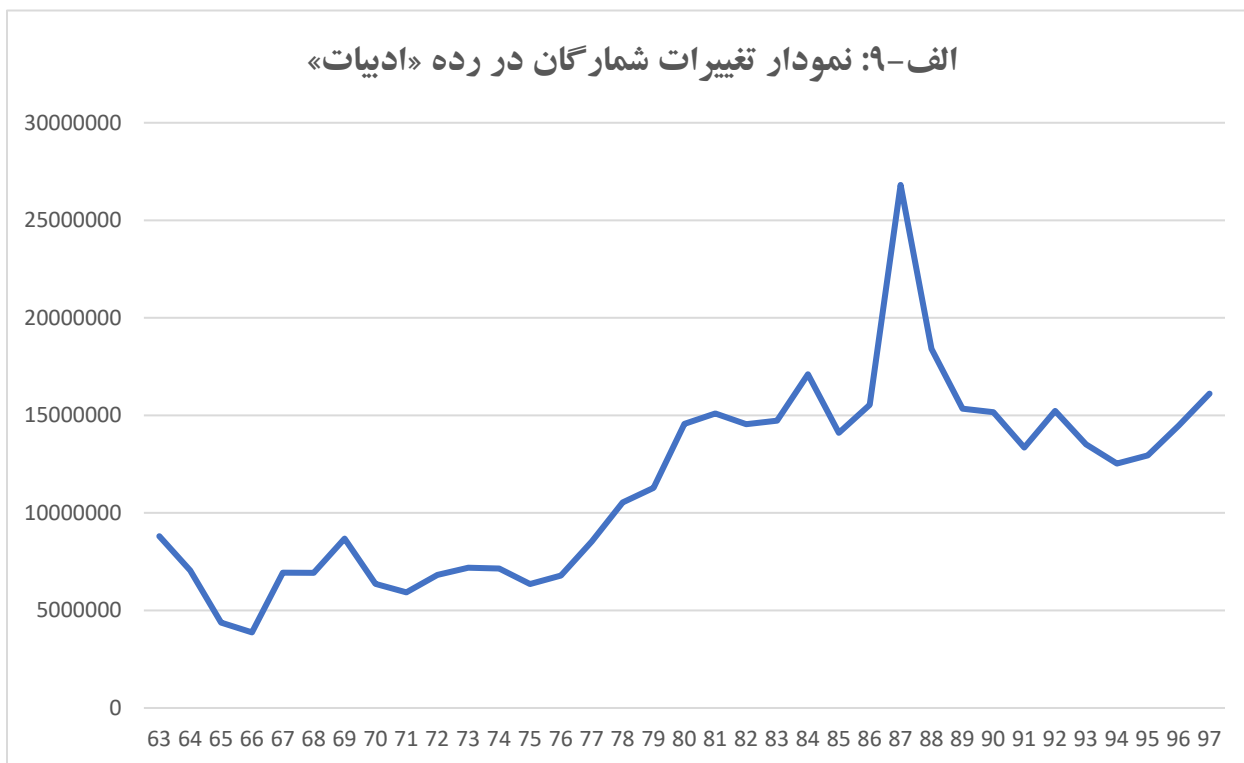
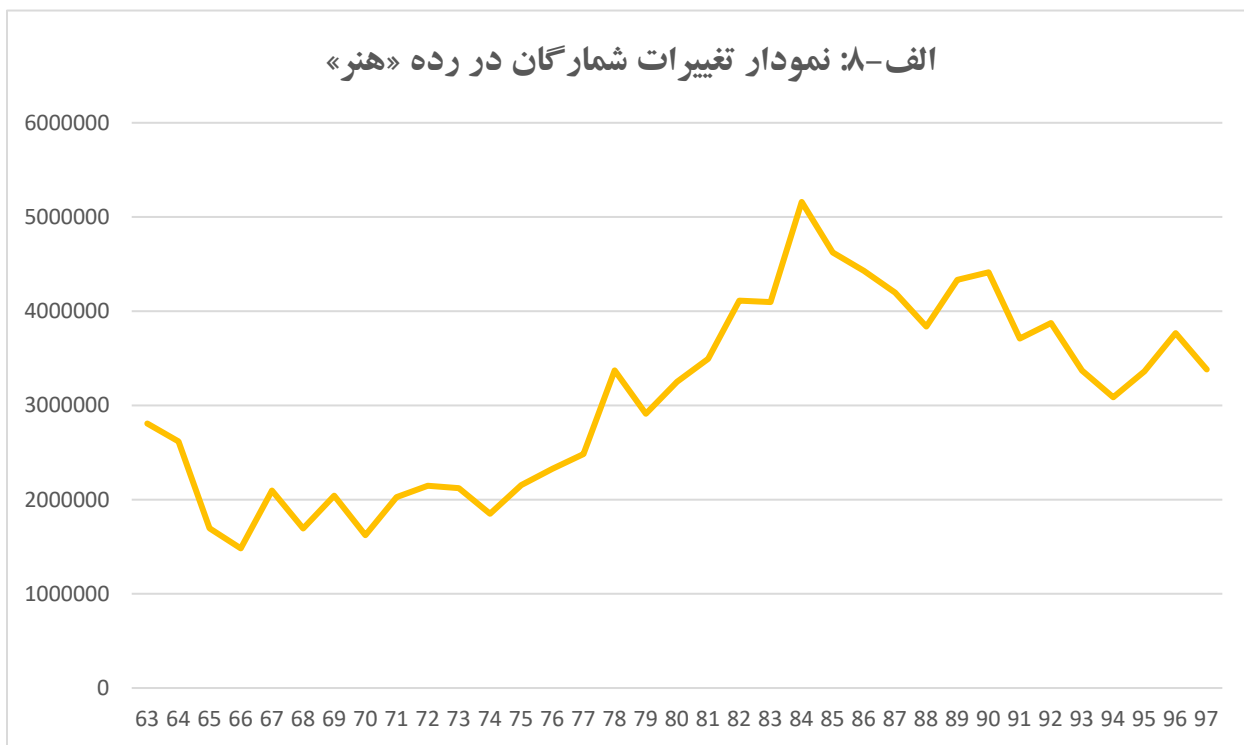


الف-۶: نمودار تغییرات شمارگان در رده «علوم طبیعی و ریاضیات»

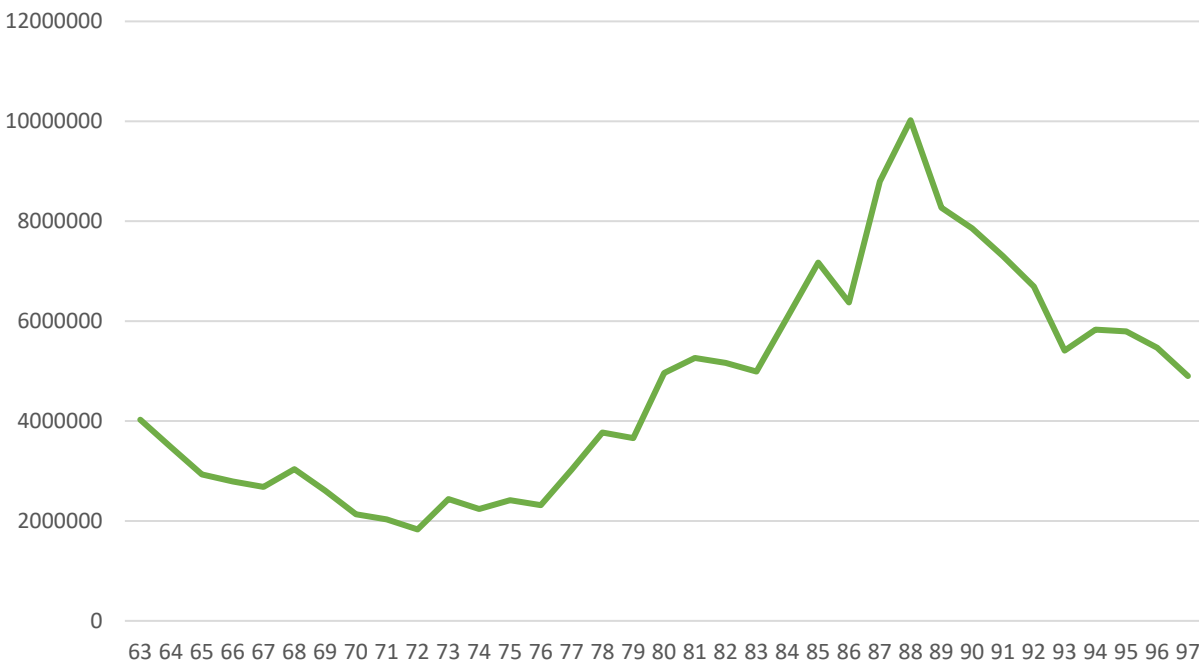


الف-۷: نمودار تغییرات شمارگان در رده «علوم عملی»

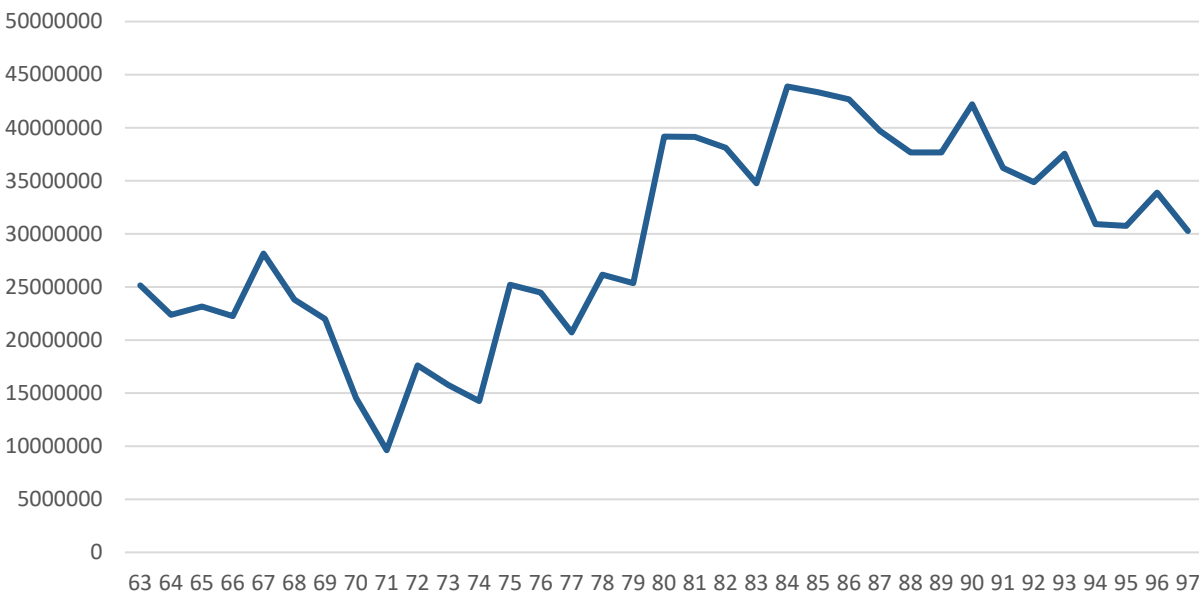




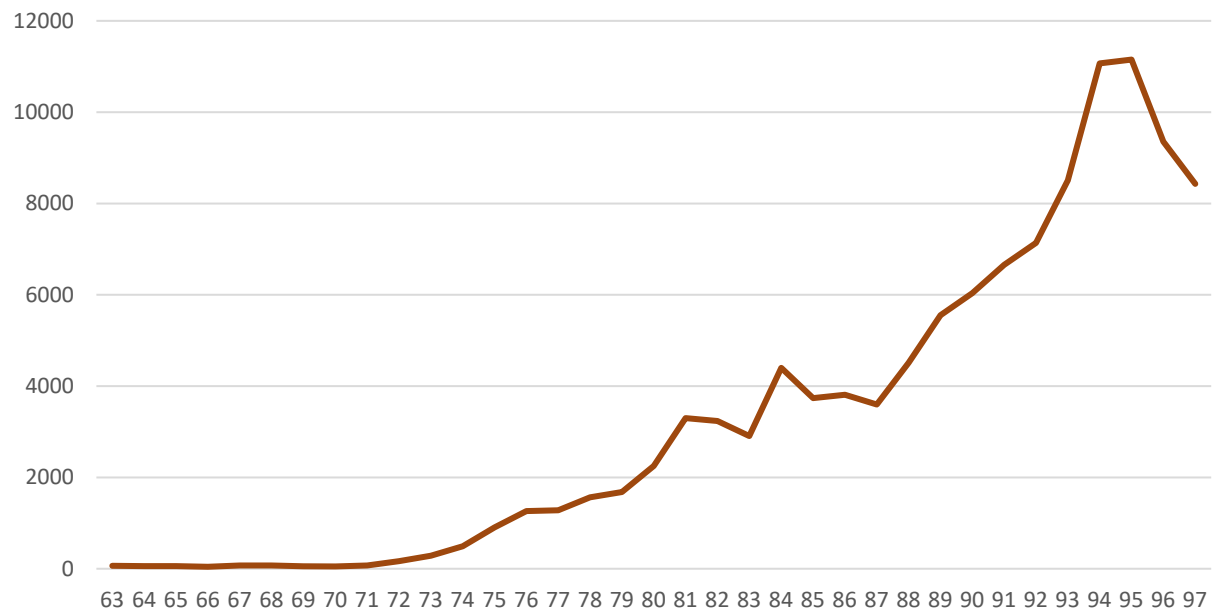
الف-۱۰: نمودار تغییرات شمارگان در رده «تاریخ و جغرافیا»



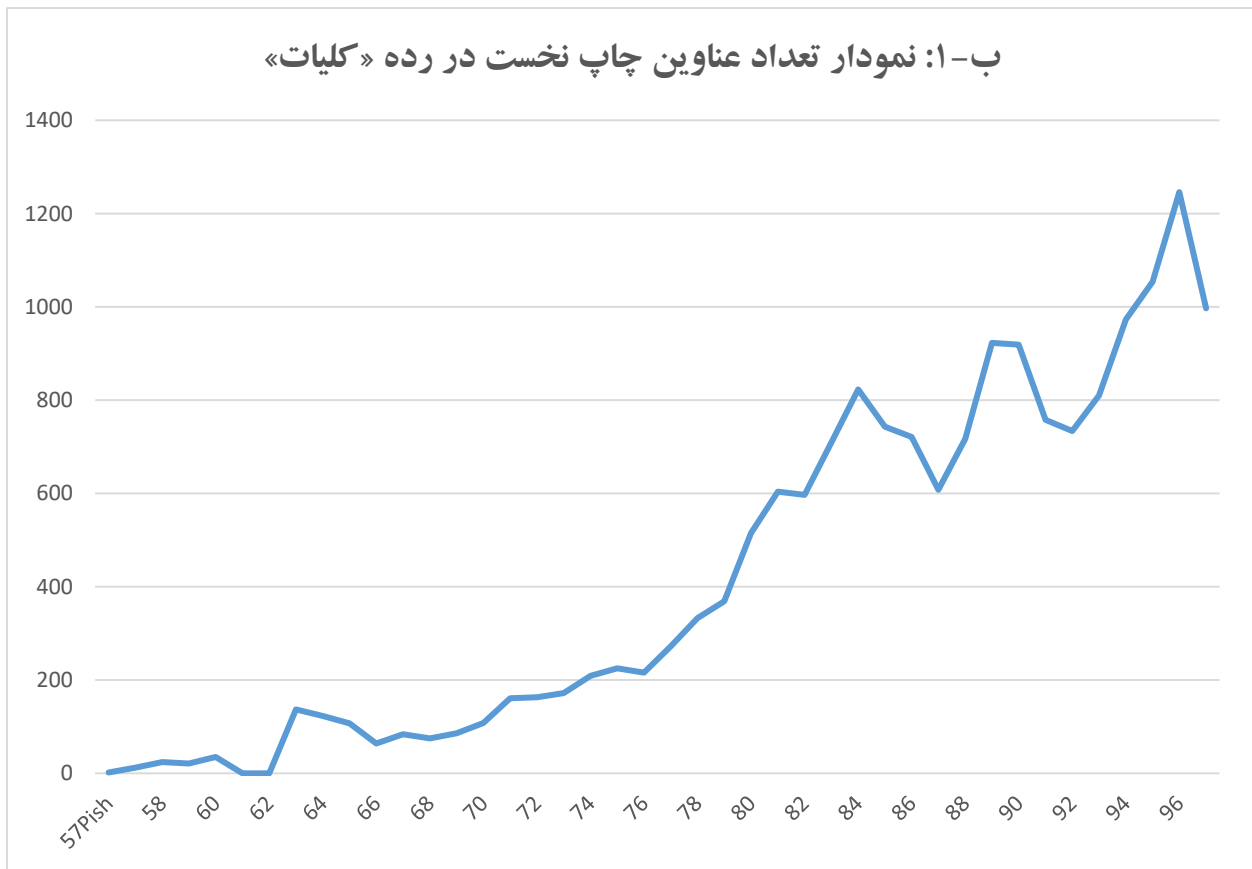
الف-۱۱: نمودار تغییرات شمارگان در رده «کودک و نوجوان»



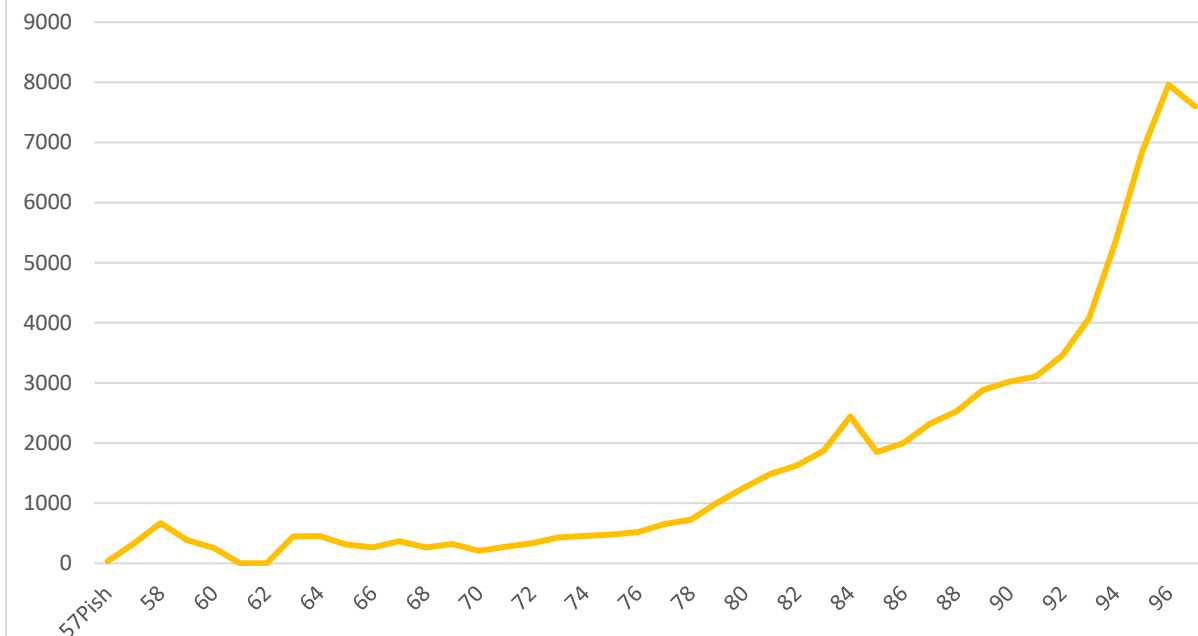
الف-۱۲: نمودار تغییرات شمارگان در رده «کمک آموزشی»



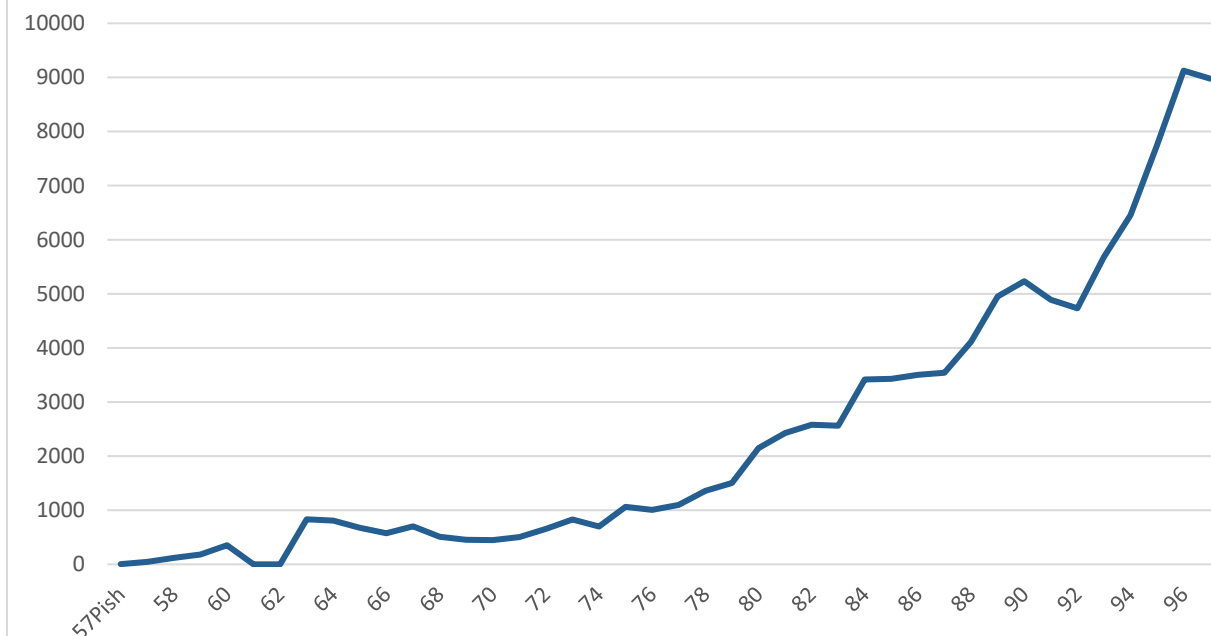
ب) نمودارهای مربوط به آمار تعداد عناوین چاپ نخست به تفکیک رده در سال‌های پس از انقلاب:



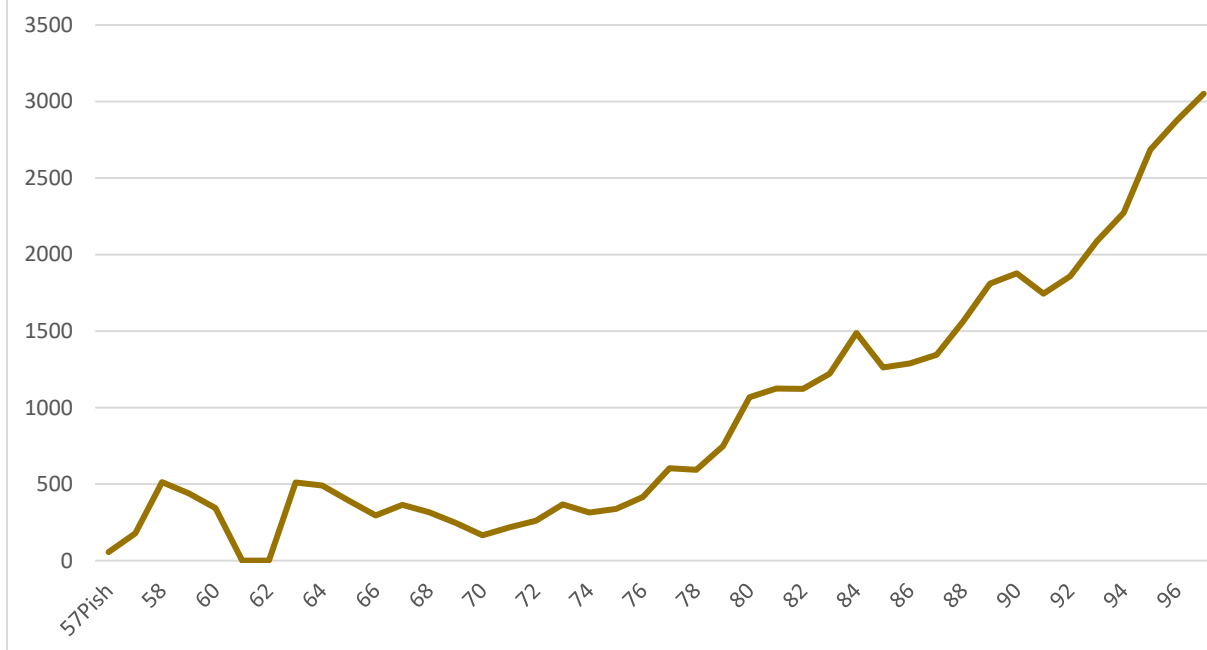
ب-۲: نمودار تعداد عناوین چاپ نخست در رده «علوم اجتماعی»



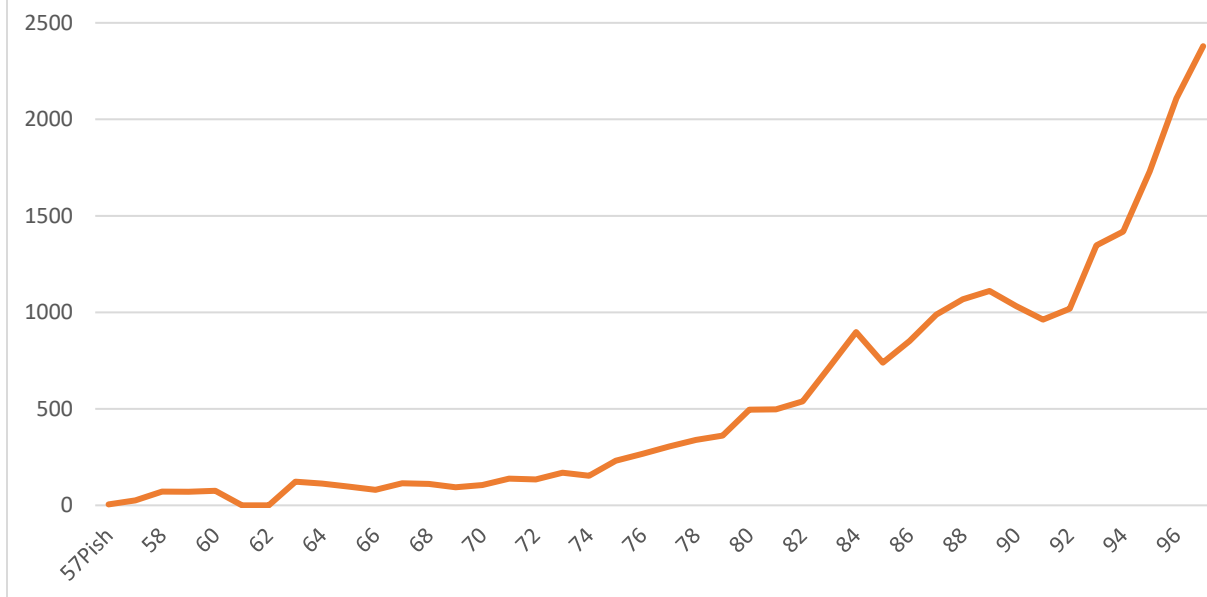
ب-۳: نمودار تعداد عناوین چاپ نخست در رده «علوم عملی»



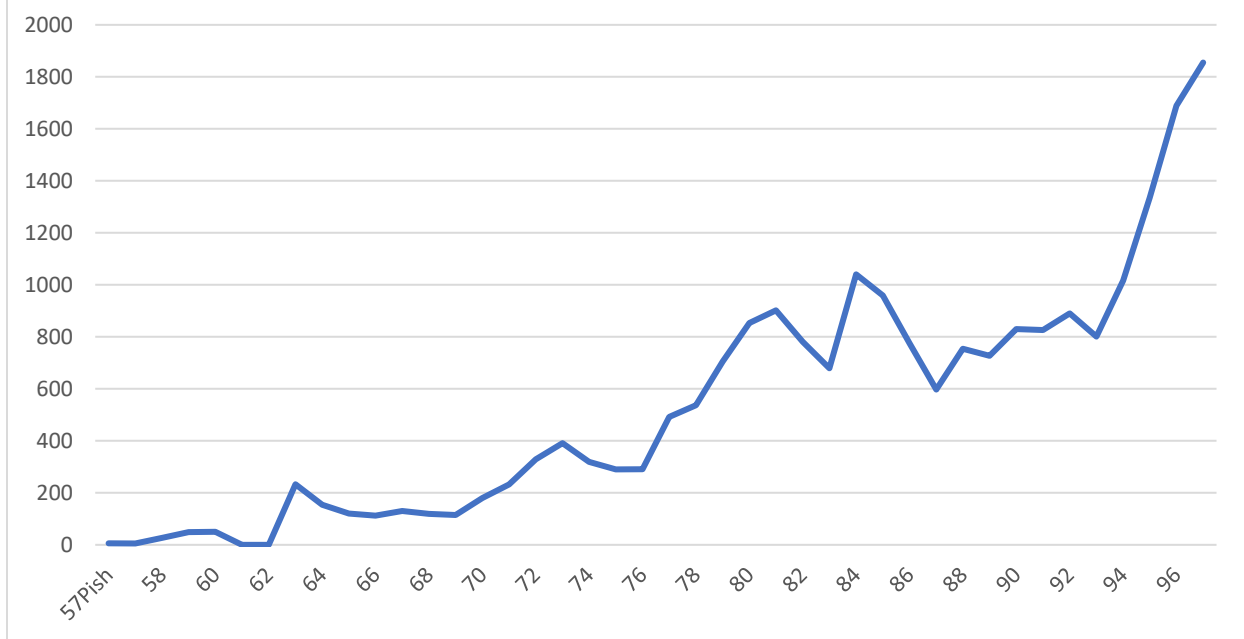
ب-۴: نمودار تعداد عناوین چاپ نخست در رده «تاریخ و جغرافیا»



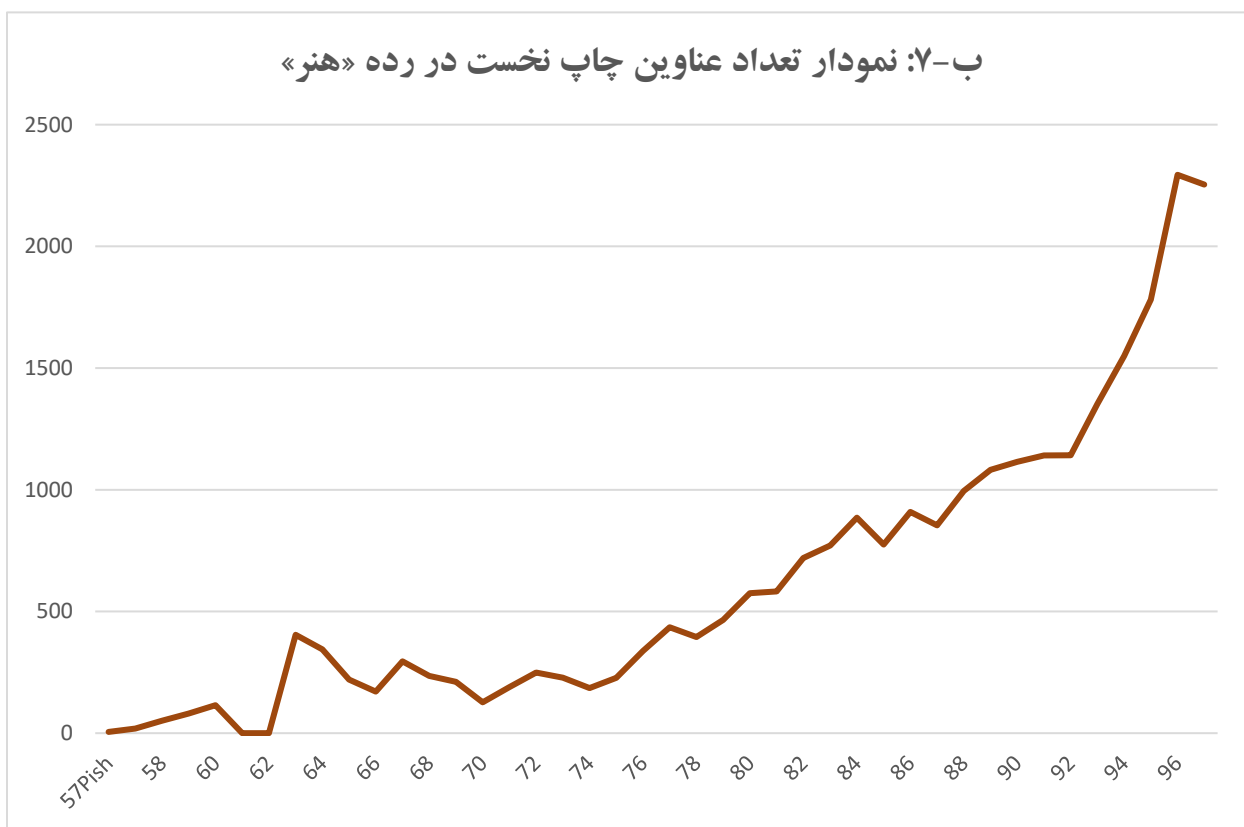
ب-۵: نمودار تعداد عناوین چاپ نخست در رده «فلسفه»



ب-۶: نمودار تعداد عناوین چاپ نخست در رده «زبان»

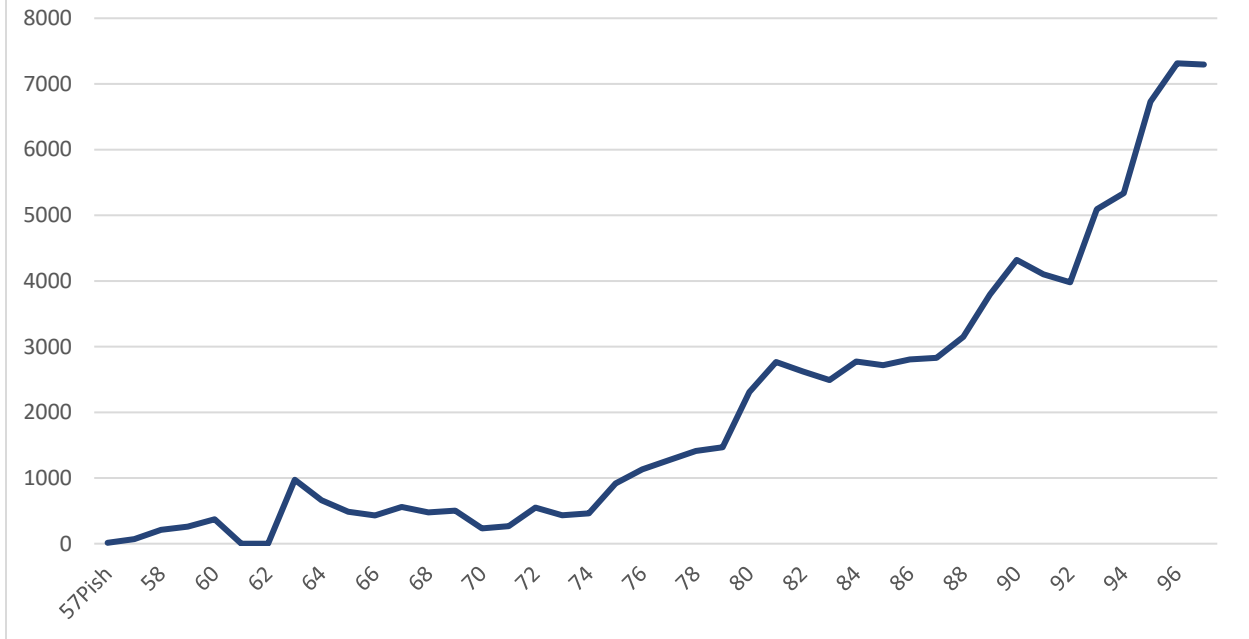


ب-۷: نمودار تعداد عناوین چاپ نخست در رده «هنر»

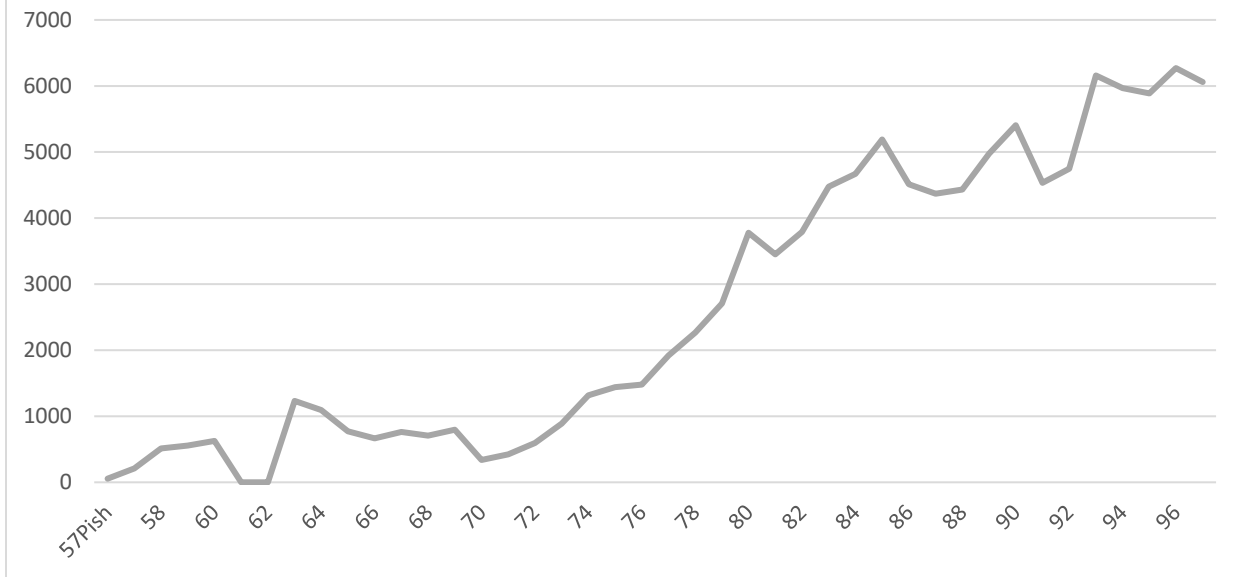




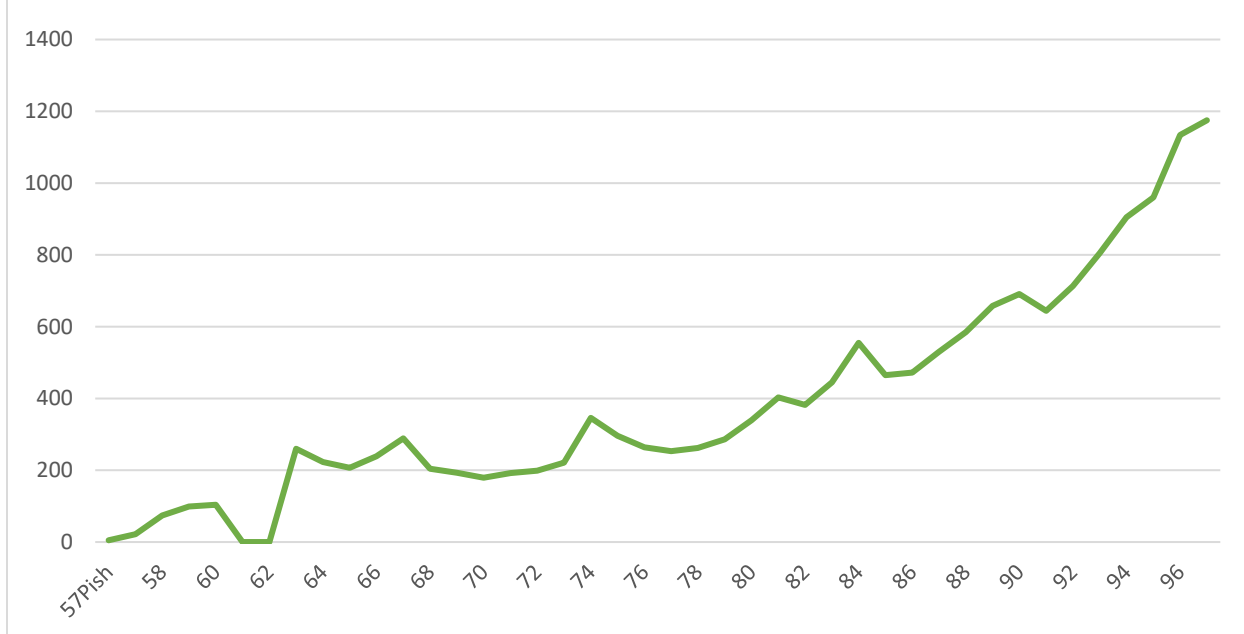
ب-۸: نمودار تعداد عناوین چاپ نخست در رده «کودک و نوجوان»



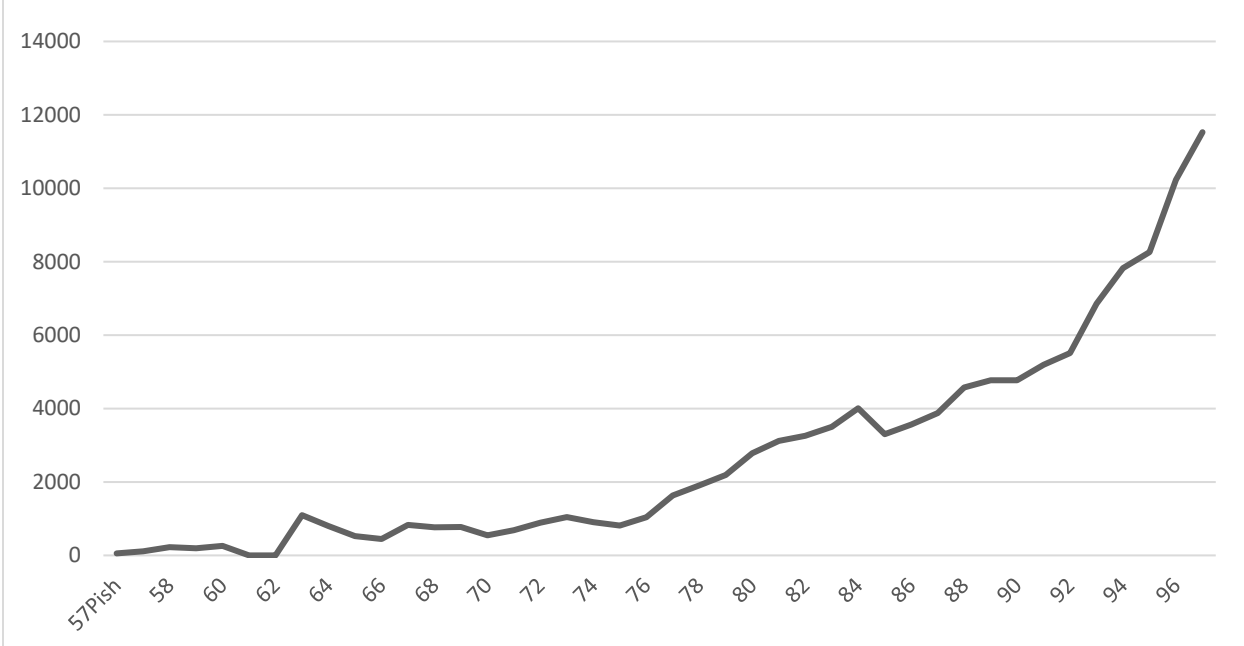
ب-۹: نمودار تعداد عناوین چاپ نخست در رده «دین»



ب-۱۰: نمودار تعداد عناوین چاپ نخست در رده «علوم طبیعی و ریاضیات»



ب-۱۱: نمودار تعداد عناوین چاپ نخست در رده «ادبیات»



ب-۱۲: نمودار تعداد عناوین چاپ نخست در رده «کمک آموزشی»

